

**کتاب مقدس
در سنت سریانی**

سباستین بروک

سطح متوسط

**کتاب مقدس
در سنت سریانی**

سباستین بروک

این کتاب ترجمه ای است از:
The Bible in the Syriac Tradition
by : Sebastian P. Brock
SEERI Correspondence Course, No.1

فهرست

- فصل اول: ۱) کتاب مقدس چگونه به ما رسیده است؟ ۵
- ۲) ترجمه کتاب مقدس، بعضی مسائل کلی ۹
- ۳) نظری اجمالی بر کتاب مقدس سریانی ۱۵
- فصل دوم: کتاب مقدس سریانی - نگاهی دقیق تر ۲۱
- ۱) عهد عتیق
- الف: ترجمه از عبرانی: "پشیتا"
- ب: ترجمه از یونانی: "سیروهگزاپلا"
- ۲) عهد جدید (از یونانی)
- الف: دیاتسرون
- ب: سریانی قدیمی
- ج: پشیتا
- د: فیلوگزنیان
- ه: هارکلین
- فصل سوم: کتاب مقدس سریانی چگونه به ما رسیده است؟ ۴۲
- ۱) دست نوشته های کتاب مقدس
- ۲) قرائتهای منتخب از کتاب مقدس
- ۳) نسخه های چاپی
- ۴) ترجمه ها
- فصل چهارم: تفسیر کتاب مقدس در سنت سریانی ۶۶
- فصل پنجم: تفسیرهای کتاب مقدس ۷۶
- فصل ششم: کاربرد کتاب مقدس سریانی در موعظه ۸۴
- فصل هفتم: کاربرد کتاب مقدس سریانی در آیین نیایش ۹۶
- فصل هشتم: پشیتا، پایه ای برای روحانیت سریانی ۱۰۳
- ضمیمه: چندین نمونه ترجمه از کتاب مقدس سریانی ۱۰۷

واقع متعلق به ترجمه لاتین ژروم است که به ولگات (Vulgate) شهرت دارد. این سیستم با وجودی که در قرون وسطی ابداع گردیده بود، در قرن شانزدهم در چاپ کتاب مقدس به تمام زبانها مورد استفاده قرار گرفت و امروزه یک سیستم جهانی است. نسخه های چاپی کتاب مقدس به زبانهای دیگری به جز عبری فاقد هر نوع تقسیم بندی آیه بود: تقسیم بندیهای فعلی آیه در عهد عتیق از کتاب مقدس عبری گرفته شده و در طی قرن شانزدهم در مورد کتاب مقدسهای چاپ شده به تمام زبانها مورد استفاده قرار گرفته است. در عهد جدید تقسیم بندیهای آیه و شماره گذاریها برای اولین بار در اولین نسخه های چاپ شده متن یونانی معرفی گردید.

نسخه های کتاب مقدس در تمام زبانها به جز زبان عبری به صورت کتاب فرم «نسخه خطی کهنه»، کدکس (Codex)، بودند. هم چنین یهودیها، برای مطالعه، کتاب مقدس عبری را به صورت مجموعه قوانین می نوشتند اما برای استفاده در مراسم نیایشی در کنیسه ها آن را به شکل طومار نوشته در می آوردند (رسمی که هنوز هم متداول است). طومار نوشته در واقع اختراع بسیار قدیمی تر از کدکس می باشد. زیرا کدکس در قرون اولیه در دوران مسیحیت برای متون ادبی به صورت گسترده ای مورد استفاده قرار گرفت و به نظر می رسد که مسیحیان با استفاده از آن برای نوشتن متون کتاب مقدس به زبان یونانی آن را مشهور ساختند. کدکس دارای چندین امتیاز نسبت به طومار نوشته بود، استفاده از کدکس بسیار آسانتر بود، همچنین کدکس می تواند متن بسیار بیشتری نسبت به طومار نوشته در خود جای دهد.

قبل از اختراع کدکس مردم به ناچار از طومار نوشته استفاده می کردند، بنابراین به طور مثال، نسخه هایی از کتاب مقدس به زبان عبری که در قمران، در بحرالحمیت، یافت شده تماماً به صورت طومار نوشته هستند (که تاریخ آنها مربوط به دو قرن قبل از میلاد مسیح تا یک قرن بعد از میلاد

فصل اول

۱- کتاب مقدس چگونه به ما رسیده است؟

کتاب مقدسی که امروزه مطالعه می کنیم معمولاً نسخه جدیداً چاپ شده ای است، در ترجمه ای جدید، به زبان انگلیسی یا هر زبان دیگر. تحقق بر این موضوع که این ترجمه ها چگونه انجام شده و نسخه های چاپی چگونه شکل گرفته اند و یا این که در گذشته چه بر سر آنها آمده و این اتفاقات چه تأثیری بر درک ما از محتوای "کتاب مقدس" می گذارد بسیار ارزشمند است؟

قدمت کتاب مقدسهای چاپ شده به قرن شانزدهم بازمی گردد. قبل از این تاریخ از کتاب مقدس کپی برداری دستی می شد، کاری وقت گیر و پر زحمت. اختراع چاپ دو فایده مهم برای کتاب مقدس داشت: اول این که این امکان را به وجود آورد که کتاب مقدس به طرز بسیار گسترده تری منتشر شود، با قیمت بسیار مناسب تر، و ثانیاً کمک کرد که محتوا و نحوه تنظیم کتب در کتاب مقدس استاندارد گردد. بعضی از نتایج این اختراع تحول آمیز از این قرارند.

نسخه کتب مقدسه به ندرت نسخه ای کامل بود، زیرا معمولاً کتاب مقدس دست نویس حاوی فقط تعدادی از این کتب بود، مثلاً فقط اناجیل، یا شاید تمامی عهد جدید. هر کتاب را به بابهای مختلفی تقسیم می نمودند، اما به شیوه های گوناگون. بنابراین به طور مثال تقسیم بندی بابها در نسخه های سریانی و یونانی از آنچه که در کتاب مقدس چاپی امروزه دیده می شود متفاوت است.

تقسیم بندی بابها در کتاب مقدس چاپی که امروزه با آن آشنا هستیم در

از لهجهٔ محلی آرامی اطراف ادسا منشأ گرفته است)، و اینها را مسیحیان اولیهٔ سریانی زبان انتخاب کرده بودند تا در آغاز کتاب پشیتای عهد قدیم استفاده کنند. قدیمی‌ترین نسخهٔ کامل عهد قدیم سریانی به قرن ششم یا هفتم میلادی تعلق دارد.

ترجمه‌های امروزی کتاب مقدس از نسخه‌های خاصی از عهد عتیق عبری و عهد جدید یونانی انجام شده است. نسخه‌های باقی مانده از کتاب مقدس عبری متنی به طور خاص یکنواخت دارند، و بنابراین تفاوت بسیار اندکی مابین یک نسخهٔ کتاب مقدس عبری با نسخهٔ دیگر مشاهده می‌شود. این احتمال وجود دارد که فرم دقیق متن عبری به گونه‌ای که ما می‌شناسیم به یک نسخهٔ مقتدر بر می‌گردد که در اواخر قرن اول میلادی تهیه شده بود. قبل از این تاریخ آشکار است که تفاوت‌های مشخصی مابین نسخه‌های گوناگون وجود داشته.

در مقایسه با کتاب مقدس عبری، نسخه‌های عهد عتیق یونانی (هفتادتنان) و عهد جدید یونانی ممکن است در جمله بندی با یکدیگر تفاوت قابل توجهی داشته باشند. بنابراین ویراستارهای امروزی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود استفاده کرده اند تا به خوانندگان خود متنی ارائه دهند که تا حد ممکن به متن نوشته شده توسط نویسندگان واقعی آن شبیه باشد و این به هیچ وجه کار آسانی نیست. در نتیجه چاپ‌های مختلفی از عهد جدید یونانی انتشار یافته که متون آنها اغلب تفاوت‌هایی دارند. در بیشتر موارد این چاپ‌های امروزی با نسخه‌های چاپی قرن شانزدهم، که ویراستاران آنها اغلب بر نسخه‌های نسبتاً جدیدتری تکیه کرده بودند، تفاوت دارند. این تفاوتها در ترجمه‌های گوناگون انگلیسی نیز بازتاب یافته. شخص ممکن است با مقایسهٔ عبارتی در نسخهٔ کینگ جیمز که در قرن هفدهم تهیه شده با هر ترجمهٔ انگلیسی قرن بیستم، این تفاوتها را به راحتی کشف کند.

است). این بدان معنی است که نویسندگان اصلی کتب مختلف کتاب مقدس می‌بایستی ابتدا کتب خود را بر طومارها نوشته باشند، و نه به صورت کتاب یا دست نوشته. این در مورد نویسندگان کتب عهد جدید و همین طور نویسندگان کتب عهد قدیم صدق می‌کند.

نسخه‌های کتاب مقدس قمران، که از مجموعه‌ای از متون که اغلب از "طومار نوشته‌های بحرالمیت" سرچشمه گرفته، قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب مقدس به جا مانده به زبان عبری است که اکثراً کامل نمی‌باشند. قدیمی‌ترین نسخه‌های کامل کتاب مقدس به زبان عبری متعلق به زمانی بسیار قدیمی‌تر یعنی متعلق به قرن دهم میلادی می‌باشند.

کتب مقدس عبری (عهد قدیم مسیحیان) در قرون سوم و دوم قبل از میلاد به زبان یونانی ترجمه شد. این مجموعه از ترجمه‌ها به "ترجمهٔ هفتادتنان" شهرت یافت، زیرا طبق یک روایت قدیمی کتب پنجگانهٔ تورات توسط هفتاد مترجم در شهر اسکندریه از زبان فلسطینی به یونانی ترجمه شده است. قسمت یونانی زبان کلیسای اولیه این ترجمه را از یهودیها تحویل گرفتند ولی خود یهودیها در زمان مقتضی آن را ترک نمودند. قطعاتی از "ترجمهٔ هفتادتنان" متعلق به قرون دوم و اول قبل از میلاد مسیح تا به امروز باقی مانده اما قدیمی‌ترین نسخه‌های کامل متعلق به مسیحیان قرون چهارم و پنجم و بعد از آن می‌باشند.

یهودیه‌ها هم چنین کتاب مقدس عبری را به زبان آرامی ترجمه کردند، و این ترجمه‌ها را امروزه "تارگوم" می‌خوانند. قسمتهایی از یک "تارگوم" قبل از مسیح دربارهٔ ایوب در قمران یافت شده است، اما تارگومهای دیگر که تا امروز باقی مانده احتمالاً به قرون اولیه مسیحیت برمی‌گردد، و نسخه‌هایی که آنها را شامل می‌شوند تقریباً همگی به اواخر قرون وسطی (دوازدهم تا شانزدهم) تعلق دارند. یهودیان ممکن است بعضی از کتب مقدسه را به یک لهجهٔ آرامی مشابه با سریانی ترجمه کرده باشند (سریانی

خواننده. حال ببینیم چه زمانی ترجمه انجیلی جهت خود را تغییر داد و به سوی خواننده تمایل یافت؟ ترجمه کلمه به کلمه درست تا آخر قرون وسطای اروپا به عنوان حالت قابل قبول ترجمه کتاب مقدس باقی ماند، و در قرن پانزدهم بود که این شیوه متحول گردید. دلائل کافی وجود دارند که این تغییر جهت مهم را با اختراع دستگاه چاپ مرتبط می سازند.

کتاب مقدس قبل از اختراع چاپ فقط در مراسم کلیسایی خوانده می شد، اما پس از اختراع چاپ تحت اختیار افراد برای مطالعه در منزل نیز قرار گرفت. از آن جا که بسیاری عبارات در کتاب مقدس فوق العاده مبهم هستند، این وضعیت جدید برای کلیسا مشکل ساز شد، مخصوصاً که این وضعیت از نظر زمانی با نهضت اصلاحات در اروپا متقارن گردید. مادام که قرائت کتاب مقدس عمدتاً محدود به مراسم نیایشی بود، کلیسا می توانست در مسائل مربوط به تفسیر کتب مقدسه اعمال اقتدار نماید، چون قرائت کتاب مقدس با موعظه هایی تفسیری همراه بود. اما هنگامی که به آسانی بیرون از مراسم نیایشی در اختیار مؤمنین قرار گرفت هیچ وسیله ای برای کنترل چگونگی تفسیر کتاب مقدس وجود نداشت، و در دوره اصلاحات دینی در اروپا همه نوع تفسیرهای غیرمعمول و عجیب رایج گشت. در آن زمان دو نوع واکنش مهم و اساسی در برابر این ناهنجاری نسبت به کتاب مقدس صورت گرفت. از یک طرف کلیسای کاتولیک روم تلاش کرده تا استفاده از کتاب مقدس در بیرون از چارچوب مراسم نیایشی کلیسا را به حداقل برساند، تا بدین وسیله خطر تفسیرهای انحرافی کتاب مقدس توسط افراد را کاهش دهد. و از طرف دیگر کلیساهای اصلاح شده با این مسئله به شیوه ای کاملاً متفاوت برخورد نمودند، با تقبل طرز فکری کاملاً جدید نسبت به ترجمه کتاب مقدس: از زمان ژروم قدیس (اواخر قرن چهارم) تا اواخر قرون وسطی در اروپا (قرن پانزدهم) ایده آل مورد نظر تمام مترجمین کتاب مقدس (چنان که اشاره شد) ارائه ترجمه

همان طور که خواهیم دید نسخه های کتاب مقدس استاندارد سریانی خصوصیت یکنواختی دارند، در این مورد آنها با نسخه های کتاب مقدس عبری قابل مقایسه می باشند و به نسخه های یونانی شباهتی ندارند.

۲- ترجمه کتاب مقدس، بعضی مسائل کلی

نحوه ترجمه کتاب مقدس در طی زمان تغییر می کند. مترجمین قرن بیستم کتاب مقدس به طریقی متفاوت از مترجمین عهد قدیم به هدف خود نزدیک می شوند. اهداف و درک شخصی مترجمین عهد قدیم و امروز با یکدیگر متفاوت هستند. به طور کلی می توان گفت که جهت گیری مترجمین عهد قدیم به سوی متن اولیه بوده، در حالی که مترجم امروزی به سوی خواننده تمایل دارند. در نتیجه این جهت گیری متفاوت، مترجم قدیم با احترام خاصی نسبت به متن اصلی ترجمه می کرده و تلاش داشته تا ترجمه "کلمه به کلمه" یا تحت اللفظی آن را انجام دهد، حتی اگر این شیوه ترجمه گاهی اوقات منجر به "ترجمه های بی معنی" می شد، در حالی که برعکس مترجمین امروزی تلاش دارند متنی قابل درک به خواننده خود ارائه دهند و در نتیجه بیشتر به طریق "معنی به معنی" ترجمه خواهند کرد تا تحت اللفظی، و تلاش می نمایند تا به هر قیمت که شده از ترجمه های بی معنی اجتناب نمایند. بنابراین ترجمه های قدیمی بیشتر تحت اللفظی و ترجمه های جدید آزاد و تفسیری اند. در چارچوب هر کدام از این تفسیرها، آنها که بیشتر تحت اللفظی یا بیشتر آزاد هستند، امکان تنوع زیادی دارند چنان که بعدها در رابطه با انجیل سریانی خواهیم دید.

در واقع تمام ترجمه های اولیه کتاب مقدس به هر زبانی که انجام شده اند، به طور اصولی بیشتر به سوی متن اولیه جهت یافته اند تا به سوی

نتیجه می‌رسیم. این حرکت به سوی ترجمه هر چه بیشتر تحت اللفظی را به طور خاص می‌توان از تاریخچه کتاب مقدس یونانی اثبات نمود، زیرا در هر دو مورد ما به نوعی با روشهای ناپایدار در مراحل اولیه روبه‌رو هستیم که توسط یک سری بازنگریها و با هدف نزدیک نمودن ترجمه‌ها به متن اصلی دنبال می‌شوند. نتایج نهایی این روند بازنگری ارائه ترجمه‌های آیین‌وار شدیداً پیشرفته بود.

اما حتی مترجمی که تصمیم می‌گرفت چنین بازتابی را ارائه دهد در بعضی موارد مجبور به تفسیر می‌بود. اغلب متن اصلی (مخصوصاً در عهد عتیق عبری) مبهم و غامض است و بنابراین مترجم می‌بایستی ما بین دو یا چند امکان یکی را انتخاب کند. مثلاً در کتاب پیدایش (۲:۱) آیا این "روح خدا" است یا "طوفانی سهمگین" که بر اعماق آبهای اولیه می‌وزد؟ هم مترجمین باستانی و هم امروزی در این مورد و نیز در مورد ابهامات بسیار و مشابه دیگر اختلاف دارند. در واقع بعضی مواقع یک ترجمه تحت اللفظی متن را می‌توان به صورت تفسیری نیز در نظر گرفت. یک نمونه خوب این موضوع توسط اولین کلمه از درود جبریل فرشته به مریم در لوقا ۱:۲۸ می‌باشد. در متن کتاب مقدسی استاندارد سریانی عهد جدید کلمه "Shlamek" آمده، به معنی "سلام بر تو" که فرم مترادف سریانی از سلام یونانی است (همین طور هم در نسخه کتاب مقدس انگلیسی نوین کلمه "سلام" آمده است). نوع سریانی بسیار تحت اللفظی قرن هفتم که به هارکلین مشهور است ترجیح می‌دهد که مترادف یونانی آن را به کار برد، یعنی فعل امری "شادی‌نما". آیا مترجم باید به فرم "شادی‌نما" بیشتر توجه نماید یا به مفهوم (سلامها). مترجمین باستانی مانند نویسنده عهد جدید هارکلین فکر می‌کردند که فرم مهمتر است، در حالی که مترجمین امروزی مفهوم را مهمتر می‌دانند.

ما دیدیم که چگونه اختراع چاپ نظر مردم را نسبت به ماهیت ترجمه

"تحت اللفظی" بوده، و نه "مفهومی". بدین معنی که اگر متن اصلی مبهم بود مترجم این ابهام را به خواننده منتقل می‌کرد و موضوع تفسیر را به عهده واعظ می‌گذارد. در نهضت اصلاحات دینی، نقش مترجم تا حدود زیادی با نقش واعظ یا مفسر کلام ادغام شد، و بنابراین کل هدف از ترجمه کتاب مقدس تغییر یافت: مترجم کتاب مقدس دیگر تسلیم متن اصلی نبود و آن را "کلمه به کلمه" ارائه نمی‌داد، بلکه درک شخصی خود را از معنی متن کتاب مقدس به خواننده منتقل می‌نمود. بدین سبب، در روند ترجمه کتاب مقدس به زبانهای مختلف اروپایی در آن زمان طرفداران نهضت اصلاحات دینی احساس کردند که کار ترجمه کتاب مقدس بایستی بسیار بیشتر از گذشته حالت تفسیری داشته باشد.

در واقع در تمام ترجمه‌های امروزی کتاب مقدس از این تغییر عملکرد در ترجمه کتاب مقدس پیروی شده است، گرچه روش تفسیری ترجمه‌های امروزی کاملاً متفاوت از ترجمه‌های قرن شانزدهم اروپایی می‌باشند. ژروم قدیس که ترجمه لاتینی اصلاح شده مشهور به ولگات را ارائه داد. اولین کسی بود که ابراز داشت: بجای و مناسب است اگر متن کتاب مقدس را "کلمه به کلمه" ارائه دهند تا "معنی به معنی". اما به هر حال از تاریخ ترجمه‌های اولیه کتاب مقدس می‌توانیم ببینیم که این ایده بسیار قبل از زمان او هم اعمال شده بود. در مورد قدیمی‌ترین ترجمه‌های کتاب مقدس می‌توانیم همین روند اتفاقات را مشاهده کنیم: ترجمه‌های اولیه به یک زبان خاص اغلب پایداری ندارند، زیرا مترجمین مجرب نبودند، و دیری نگذشت که به هر حال مردم متوجه شدند تفاوت‌هایی مابین متن اصلی و ترجمه‌ها وجود دارند، و بنابراین شروع به بازنگری ترجمه‌های اولیه نمودند تا آنها را با متن اصلی به تطابق نزدیک‌تر برسانند. این روند بازنگری را می‌شد تکرار کرد، و یا در طی زمان به آن ادامه داد. در هر حال ما با ترجمه فوق العاده تحت اللفظی متن اصلی به

به شکل فعلی آن به اواخر قرن اول میلادی به عقب بازمی‌گردد، اما در بسیاری موارد (مخصوصاً در کتابهای شعر) این متن با حروف بی‌صدا را می‌توانستند با حروف صدادار مختلف بخوانند، که معنی دیگری را ارائه می‌داده. مترجمین امروزی به طور معمول از سنت یهودی قرون وسطایی درک متن پیروی می‌کنند. اما امکان دارد که متن صامت را به عنوان نقطه شروع انتخاب کنند بدون این که الزاماً از تفسیر خاص خواندن حروف صدادار که سنت قرون وسطایی ارائه می‌دهد پیروی نمایند. از نظر تئوری نیز ممکن است که به عنوان نقطه شروع یک فرم قدیمی‌تر متن عبری را انتخاب کرد، مثلاً در مورد ترجمه "هفتادتنان" (که در بعضی کتب می‌باید عمدتاً از متن عبرانی که ما می‌شناسیم متفاوت باشد).

باز هم، شخصی ممکن است معقولانه از یک مترجم انتظار داشته باشد که بکوشد تا به فرم دقیق متن عبرانی برگردد همان‌گونه که نویسندگان مختلف کتب عهد عتیق آنها را نوشته‌اند. این دست‌یابی به این هدف، به هر حال غیرممکن است زیرا ما امکان دسترسی به فرمهای مختلف متن عبری که در قرون اولیه رایج بوده است را نداریم.

در واکنش به این وضعیت موجود لازم است که از تفاوت مابین "اصالت ادبی" و "اصالت کتاب مقدسی" بهره‌گیریم. "اصالت ادبی" به جمله بندی دقیق نویسنده اولیه (که در مورد عهد عتیق عبرانی غیر قابل دسترسی است) رجوع می‌کند، در حالی که "اصالت کتاب مقدسی" به فرمی از کتاب مقدس که توسط جامعه مذهبی به عنوان مرجع شناخته شده اشاره دارد. این تفاوت نتایج مهمی در بردارد: اصالت ادبی فقط می‌تواند به یک نوع از متن اطلاق شود، در حالی که اصالت کتاب مقدسی همزمان درباره چندین فرم مختلف از متن به کار می‌رود. بنابراین، تا جایی که به انجیل عبرانی مربوط می‌شود، می‌توان گفت که اصالت کتاب مقدسی به کار گرفته می‌شود نه فقط در مورد نسخه عبرانی قرون وسطایی یهودی،

کتاب مقدس تغییر داد. چاپ همچنین تأثیر مهم دیگری بر محتوای کتاب مقدس به جای گذارد؛ و این بدین دلیل است که چاپ امکان انتشار وسیع یک نسخه از ترجمه را می‌دهد، و نتیجه آن نوعی استاندارد شدن است که قبل از اختراع ماشین چاپ ممکن نبود. ما هم اکنون به یک چنین نتیجه‌ای رسیده‌ایم، یعنی سیستمی استاندارد شده از شماره گذاری بابها و آیات. انواع دیگر این گونه استاندارد شدن را می‌توان از طریق تطابق محتوا و نظم کتب در ترجمه‌های گوناگون امروزی مشاهده کرد. کتاب مقدسهایی که برای کلیسای کاتولیک تهیه می‌شوند از آنهایی که برای کلیساهای اصلاح شده نوشته شده‌اند متفاوت هستند: نوع اول شامل کتب برحق متأخر می‌باشند، در حالی که در نوع دوم این کتب قاعداً وجود ندارند، و نظم بعضی از کتب خاص عهد عتیق نیز متفاوت می‌باشند. کتاب مقدسه‌های ارتدکس نیز از کتاب مقدس کاتولیکها و اصلاح طلبان متفاوتند. در این جا می‌بینیم که اختراع چاپ تفاوت مابین سنتهای کلیساهای مختلف را استاندارد نمود.

لازم است که مسئله دیگری نیز در مد نظر قرار گیرد که در ترجمه‌های امروزی کتاب مقدس نیاز به توجه دارد، زیرا این نیز در دیدگاه ما نسبت به کتاب مقدس سریانی بی‌تأثیر نیست. سؤال این است که کدام متن کتاب مقدس را باید به عنوان متن مرجع تلقی نمود و از آن ترجمه کرد؟ در نظر اول سؤالی ساده است با این جواب: متن عبرانی برای عهد عتیق و متن یونانی برای عهد جدید، اما همان‌گونه که خواهیم دید، این به هیچ عنوان تنها جواب نیست. مسلماً جدیدترین ترجمه‌ها از متن عبرانی و یونانی ترجمه شده است، اما حتی در این جا هم مسائلی به وجود می‌آید: کتاب مقدس عبرانی که مورد استفاده قرار می‌گرفت در واقع یک متن قرون وسطایی یهودی است که به متن اصلی با حروف بی‌صدا آن حروف صدادار وارد شده. البته حقیقت دارد که متن با حروف بی‌صدا کم و بیش

عبرانی ترجمه شده و عهد جدید پیشیتا از اصل یونانی آن، و تمام کتب به اصطلاح برحق متأخر یا "کتب غیر مسیحی" همگی از زبان یونانی ترجمه شده‌اند، به استثنای بن سیراخ که از عبرانی ترجمه شده است.

تاریخ عهد عتیق پیشیتا مشخص نیست، و در هر حال همه کتب هم به یک باره، یا به وسیله یک شخص ترجمه نشده‌اند. بعضی از کتب را ممکن است کلیسای جوان سریانی از ترجمه‌هایی که توسط جوامع یهودی در حوالی ادسا و نصیبین انجام گردیده به ارث برده باشد. به نظر محتمل می‌رسد که بیشتر کتب عهد عتیق پیشیتا در طی دوره‌ای از اواخر قرن اول تا اوائل قرن سوم میلادی ترجمه شده باشند.

عهد جدید پیشیتا در واقع یک یک بازنگری ترجمه قدیمی‌تر به نام "سریانی قدیمی" می‌باشد. این بازنگری ممکن است در طی زمانی طولانی انجام شده باشد، اما به هر حال در اوائل قرن پنجم پایان یافته بود. نشر این نسخه بازنگری شده فوق‌العاده مؤثر بوده، زیرا پیشیتا به سرعت جایگزین "سریانی قدیمی" گردید و به متن مرجع سریانی عهد جدید تبدیل گردید، قبل از این که جدایی مابین کلیسای ارتدکس سریانی و کلیسای شرق بتواند مباحثات مسیح‌شناسی اواسط قرن پنجم را موجب شود. تعداد زیادی از نسخه‌های پیشیتا تا به امروز باقی مانده و تاریخ قدیمی‌ترین اینها به قرون پنجم و ششم میلادی باز می‌گردد. از آن جا که متن کامل یک کتاب مقدس دست‌نوشته بسیار حجیم و نگهداری آن مشکل بود اکثراً تعداد اندکی از کتب در یک جلد گردآوری شده. یک کتاب مقدس کامل بسیار به ندرت یافت می‌شد.

کم‌یابی کتاب مقدس کامل قبل از ظهور کتب چاپی نتیجه مهم دیگری نیز در بر داشت: محتوای دقیق و نظم کتب در کتاب مقدس‌های سریانی هرگز کاملاً تثبیت نشده (حتی در نسخ چاپی امروزی نیز نظم کتب مقدسه چاپ شده ممکن است به طرز قابل توجهی از یک چاپ به چاپ دیگر

بلکه هم چنین بر پایه حروف بی‌صدای آن که به اواخر قرن اول و به متن عبری که توسط مترجمین یهودی عهد عتیق به زبان یونانی ترجمه شده باز می‌گردد. اما اصالت کتاب مقدسی به هیچ عنوان به عهد عتیق عبرانی و عهد جدید یونانی محدود نیست بلکه به همان اندازه هم در مورد نسخه‌های دیگر باستانی صدق می‌کند، به ترجمه هفتادتنان یونانی و پیشیتای سریانی، زیرا که هر دو این ترجمه‌ها توسط جوامعی که آنها را مورد استفاده قرار می‌دادند به عنوان مرجع تلقی می‌شدند.

هنگامی که ما متوجه شویم که اصالت کتاب مقدسی الزاماً محدود به زبانهای اولیه کتاب مقدس نیست، در آن صورت مسلم می‌شود که ترجمه‌های امروزی کتاب مقدس نباید منحصرراً از زبانهای عبری و یونانی انجام شود: برای کلیسای یونان و ارتدکس روس خوشایندتر خواهد بود (مخصوصاً به منظور مراسم نیایشی) که از ترجمه‌هایی از هفتادتنان استفاده کنند. به همین شکل، در مورد کلیساهای تابع سنت آیین نیایش سریانی، اهمیت خواهد داشت که ترجمه‌هایی از پیشیتای سریانی را در دسترس قرار دهیم. این ترجمه‌ها به طور عمده برای استفاده در مراسم نیایشی خواهند بود (چنان که خواهیم دید، سنت نیایشی سریانی ریشه در کتاب مقدس سریانی دارد). اما برای منظوره‌های دیگر هم می‌توان، در کنار ترجمه‌های موجود از عبرانی و یونانی، از آنها به طور کاملاً مفید استفاده کرد و بنابراین منبعی اضافی برای تعمق روحانی فراهم نمود.

۳- نگاهی اجمالی بر کتاب مقدس سریانی

برای تمام کلیساهای در سنت سریانی فرم مقتدر کتاب مقدس ترجمه سریانی است که به "پشیتا" شهرت دارد. عهد عتیق پیشیتا مستقیماً از متن

قدیمی‌ترین ترجمهٔ اناجیل به زبان سریانی به طور تقریباً مسلم به صورت هم‌خوانی چهار انجیل که به دیاتسرون مشهور است صورت گرفته - دیاتسرون اثری یونانی است به معنی "از طریق چهار" و یک متن انجیل است که از چهار انجیل تهیه شده. تنها معدودی تکه پاره از این اثر برجای مانده و در مورد نویسنده و منشأ آن تردید بسیار وجود دارد. به طور معمول تصور می‌شود که دیاتسرون را ناتیان تدوین کرده باشد که یک بومی بین‌النهرین بوده که در قرن دوم میلادی در روم تحصیل می‌کرده و سپس به موطن خود مراجعت نموده بود. آشکار نیست که او انجیل هم‌آهنگ خود را به زبان یونانی تدوین کرده بود یا به زبان سریانی. در کلیسای اولیه سریانی قبل از تولد عهد جدید پیشیتا، به دیاتسرون آشکارا به عنوان متن انجیل مرجع نگاه می‌کردند زیرا ماراپرم دربارهٔ آن در قرن چهارم تفسیری نوشته است. هنگامی که عهد جدید پیشیتا (در اوائل قرن پنجم) به وجود آمد دیاتسرون محبوبیت خود را از دست داد، و در نتیجه هیچ نسخهٔ کاملی از آن باقی نمانده است.

از نظر زمانی بعد از دیاتسرون نوبت به ترجمه‌ای می‌رسد که به "سریانی قدیمی" مشهور است و از آن فقط چهار انجیل باقی مانده (در دو رسالهٔ بسیار قدیمی حفظ شده). تاریخی که این ترجمه انجام گردیده هنوز مشخص نیست. بعضی از محققین پیشنهاد عقیده دارند که اواخر قرن دوم یا اوائل قرن سوم بوده، در حالی که سایرین اوائل قرن چهارم را ارجح می‌دانند. به هر صورت "سریانی قدیمی" به نظر می‌رسد که بعد از دیاتسرون بوده، و در بسیاری نقاط تحت تأثیر دیاتسرون قرار گرفته است. این احتمال وجود دارد که سریانی قدیمی در اصل در برگیرندهٔ کتاب اعمال رسولان و رساله‌ها نیز بوده اما هیچ نسخه‌ای حاوی این کتب از سریانی قدیمی باقی نمانده است.

ما تا به حال دیده‌ایم که عهد جدید پیشیتا در واقع یک ترجمهٔ کاملاً

تفاوت کند). تا جایی که به محتوا مربوط می‌باشد، مهمترین مشخصهٔ کتاب مقدس سریانی غیبت بعضی رساله‌های کاتولیکی از ترجمهٔ اصلی پیشیتای عهد جدید از بعضی رساله‌ها می‌باشد (دوم پطرس، دوم و سوم یوحودا). در اکثر نسخه‌های چاپی عهد جدید سریانی متن سریانی این کتب توسط ترجمه‌های بعدی در دسترس قرار گرفته است.

با وجودی که پیشیتا متن استاندارد کتاب مقدس است اما تنها ترجمه سریانی کتاب مقدس نیست.

برای عهد عتیق ترجمه‌ای وجود دارد که از ترجمهٔ هفتادتنان یونانی انجام شده. این ترجمه که در سریانی به عنوان "هفتاد" (شبعین) شناخته شده، اما محققین امروزی آن را «سیروهگزاپلا» (Syro-hexapla) می‌نامند. این ترجمه توسط محقق سریانی ارتدکس به نام پولس اهل تلّا (Paul of Tella) در سالهای ۶۱۴-۶۱۶ میلادی در اسکندریه (مصر) انجام گردیده. این ترجمه با وجودی که هرگز به منظور مراسم نیایشی استفاده نشده، اما متن آن گاهی در آیات منتخب از کتاب مقدس یافت می‌شود. نسخه «سیروهگزاپلا» به تعدادی اندک باقی مانده، اما متأسفانه متن کامل آن موجود نیست (قسمتهایی از کتب پنجگانه و کتب تاریخی مفقود شده‌اند).

محقق سریانی ارتدکس، یعقوب اهل ادسا (مرگ ۷۰۸)، ترجمه‌ای اصلاح شده از بعضی کتب مشخص عهد عتیق فراهم آورد که بر پایهٔ نسخهٔ هفتادتنان یونانی و پیشیتا بود. قسمتهایی از کار او به تعداد اندکی در نسخ بسیار قدیمی به جای مانده.

معدودی دیگر از ترجمه‌های کتب منفرد عهد عتیق از یونانی به سریانی نیز به جای مانده که احتمالاً الهیدان سریانی ارتدکس، فیلوگزنوس اهل مابوق (مرگ ۵۲۳)، دستور تهیهٔ آنها را داده است.

عهد جدید

یونانی <<<<	دیاتسرون (قرن دوم میلادی) (انجیل هماهنگ)
<<<<	سریانی قدیمی (حدود قرن سوم) پشیتا (حدود ۴۰۰ میلادی)
<<<<	فیلوگزیان (۵۰۸ میلادی)
<<<<	هارکلین (۶۱۶ میلادی)

* * *

جدید از یونانی نیست، بلکه نسخه اصلاح و بازنگری شده سریانی قدیمی است، که در مقایسه با متن یونانی تصحیح شده بود. در طی دوره زمانی قرن پنجم تا هفتم زبان و فرهنگ یونانی به مرور در نظر محققین سریانی کتاب مقدس ارزشمندتر گردید، مخصوصاً در کلیسای ارتدکس سریانی، و در نتیجه دو نسخه بازنگری شده دیگر از عهد جدید سریانی تهیه شد با این کوشش که متن آن را هر چه بیشتر با اصل یونانی آن هماهنگ سازند.

چنان که می دانیم در سال ۵۰۸ به دستور فیلوگزنوس، اسقف اعظم مابوق، یک نسخه عهد جدید پشیتا تصحیح گردید. این نسخه تصحیح شده که عهد جدید فیلوگزیان خوانده می شود هرگز به طور وسیع منتشر نگردیده بود و متأسفانه هیچ نسخه ای از آن به جای نمانده است. این امکان وجود دارد که ترجمه های رساله های فرعی کاتولیکها و کتاب مکاشفه متعلق به قرن ششم به این نسخه تصحیح شده تعلق داشته باشند، که در این صورت ما دارای نمونه فیلوگزیان حداقل در چند کتاب از آن هستیم.

این نسخه تصحیح شده و بعداً مفقود شده فیلوگزیان به عنوان پایه ای برای نسخه دیگری از عهد جدید سریانی مورد استفاده قرار گرفت، که در سال ۶۱۶ در اسکندریه توسط توماس هارکل عالم سریانی ارتدکس به اتمام رسید. این نسخه تصحیح شده - معروف به هارکلین - ترجمه ای آئینه وار است که تمام جزئیات متن اصلی یونانی در آن بازتاب یافته. نسخه هارکلین که به طور وسیعی در محافل سریانی ارتدکس منتشر گردید اغلب برای استفاده در قطعات منتخب انجیل به کار گرفته شد. عهد جدید هارکلین به طور کامل حفظ شده و شامل رساله های فرعی کاتولیک و کتاب مکاشفه می باشد.

در مجموع داریم:

عهد عتیق	عبرانی <<<<	پشیتا (حدود قرن دوم میلادی)
یونانی (هفتادتنان) <<<<		«سیروهگزیلا» (۶۱۶ میلادی)

استفاده کرده و یا آنها را مورد مشورت قرار داده اند. بنابراین در نقاط مختلف کتب پنجگانه (آفرینش تا تثنیه) وابستگیهای قابل توجهی مابین پشیتا و تارگوم یهودی آرامی مشاهده می شود. و در بعضی از کتب پیامبران و حکمت مترجمین برای ترجمه عبارتی مشکل در عبری از ترجمه هفتادتنان نیز کمک گرفته اند. رابطه با تارگوم در کتب مشخصی، ما را به این حدس می کشاند که حداقل در مورد این کتب، مترجمین خود یهودی بوده اند تا مسیحی. در سایر کتب به هر حال، نشانه ها به سوی مترجمین مسیحی اشاره دارند، با وجودی که محتمل است که چنین افرادی در اصل یهودی بوده اند زیرا در غیر این صورت توجیه اطلاعات عبری آنها مشکل خواهد بود.

برای دانشجویان ترجمه کتب مقدسه بسیار جالب توجه است که به خصوصیات بارز یک ترجمه دقت شود. در این جا ما توجه خود را بر داده های تفسیری غیرعادی متمرکز می کنیم که می توان در بعضی از کتب عهد عتیق پشیتا یافت، بسیاری از اینها ریشه های خود را در سنت تفسیری یهود دارند.

در بخش اول اشاره شد که حتی مترجمینی که مصمم به ارائه ترجمه تحت اللفظی بودند نیز در مواردی که مفهوم متن اصلی عبری مبهم یا گنگ بود، نمی توانستند از انتخاب مابین دو یا چند تفسیر ممکن اجتناب نمایند. متن عبری کلام خدا به قائل در پیدایش ۷:۴ این است که "اگر درست عمل کنی، آیا پذیرفته نخواهی یافت (از Revised Standard Version)، و چندین تفسیر در این باره ممکن است، به دلیل ابهامی که در حروف "S,t" (آیا پذیرفته نخواهی شد در RSV) وجود دارد. "S,t" از فعل "nasa" مشتق شده که می تواند حداقل چهار معنی مختلف، که در این چارچوب معنی هستند داشته باشد. این چهار معنی عبارتند از:

(۱) "raise up" (r) به مفهوم "تقدیم کردن". و در هفتادتنان به معنی (اگر خوب تقدیم کنی (if you offer well... آمده است.

فصل دوم

کتاب مقدس سریانی - نگاهی دقیق تر

۱- عهد عتیق

الف: ترجمه از عبرانی: "پشیتا"

نام پشیتا به معنی "ساده، مستقیم" است. این نام به نسخه استاندارد سریانی کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) داده شد تا آن را از ترجمه های قرن هفتم، «سیروهگزاپلا» و هارکلین متمایز سازند. در نوشته های قرن نهم به این نام بر می خوریم. نویسندگان قبلی از پشیتا به سادگی به عنوان "سریانی" یاد کرده اند.

منشأ ترجمه پشیتا مبهم است و نویسندگان سریانی به خاطر نمی آورند که این اثر چگونه و در چه زمانی به وجود آمده. مطالعه ای دقیق از خود ترجمه می تواند راه گشا باشد زیرا از چنین مطالعه ای می توانیم موارد ذیل را استنتاج نماییم:

– عهد عتیق پشیتا ترجمه یک مترجم به تنهایی نیست بلکه می باید توسط مترجمین مختلف و متعدد انجام شده باشد که شاید مدتهای طولانی کار کرده اند.

– مترجمین کلاً از متن عبرانی استفاده می کرده اند، و این متن عبری در اساس همانند متن عبرانی بدون حروف صدا دار یعنی متن کتب مقدسه عبری چاپ شده ما، بوده است. ما می دانیم که این متن بدون حروف صدا دار که تبدیل به متن عبری شده بود در اواخر قرن اول میلادی مرجع زمانی بود، این احتمال وجود دارد که مترجمین پس از آن که این متن رایج گردیده اقدام به ترجمه آن نموده اند.

– در بعضی کتابها به نظر می رسد که مترجمین از سایر ترجمه ها

شده بود و آدم و حوا هنگامی که از بهشت بیرون رانده شدند در پای تپه منزل گزیدند، در پایه کوهستان. هابیل و قائن قربانیهای خود را روی یکی از این تپه ها گذرانیدند، اما وقتی که قائن هابیل را به منظور کشتن او برد، او را به دشت پست تر برد، به کلامی دیگر "دره"، که مترجم پیشینا در این جا به متن کتاب مقدس اضافه نموده است. تفسیرهای اولیه در مورد این عبارت اغلب پستی و بلندیهای سطح زمین را به این طریق درک می کردند، اما پیشینا تنها ترجمه کتاب مقدس است که این درک را به خود متن کتاب مقدس ملحق ساخته است.

بر طبق متن عبری پیدایش ۵:۸ کشتی نوح در قله کوه آرات (در ارمنستان، شمال شرقی ترکیه امروز) به گل نشست. کلمه "آرات" را می توان در تمام ترجمه های امروزی پیدا کرد اما در پیشینا کشتی در قله "کوهستان" "کردو" آرام می گیرد. یعنی در فاصله زیادی به طرف جنوب، در کردستان (شمال غربی عراق امروزی). این البته ترجمه عمدی توسط مترجم نبوده. در این جا، همانند بسیاری جاهای دیگر، او به سادگی از سنت یهودیت که در روزگار وی مرسوم بوده پیروی می کند. "آرات" در متن عبری هم توسط ژوزفوس که در اواخر قرن اول میلادی به یونانی می نوشته و هم توسط ترجمه های آرامی یهودی کتاب مقدس که به تارگوم مشهور است به عنوان "کردو" شناسایی شده. به شکرانه این شناسایی در پیشینا، کوه "کردو" حتی تا این اواخر محلی برای زیارت شده بود.

کتاب پیدایش باب ۲۲، قربانی اسحاق توسط ابراهیم، بخشی است که ما در فصل چهارم به آن مراجعه خواهیم نمود. ترجمه پیشینای این بخش دارای ویژگیهای خاصی می باشد. دو عدد از مهمترین آنها در آیات ۱۲ و ۲ یافت می شوند. در آیه ۲ به محلی که قرار است قربانی در آن جا انجام شود اشاره شده: در متن عبری به "سرزمین موریان" اشاره شده که در روایات بعدی آن مکان را به عنوان محل معبد (هیکل) شناسایی نمودند، زیرا تنها

(۲) "lift up" به مفهوم "پذیرفتن". مترجم سریانی این درک را ترجیح می دهد، و بر آن با تغییر زمان تأکید می گذارد. او با استفاده از ماضی مطلق چنین ترجمه می کند، "من مسلماً می پذیرم" (به این شرط که تو (قائن) در آینده خوب رفتار کنی) و یا "می پذیرم" (به این معنی که تو در فرصت اول رفتار خوبی داشته ای). دو مصحح یهودی زبان یونانی، کتاب مقدس یونانی درکی مشابه از این کلمه دارند.

(۳) "lift up" به معنی "بخشیدن". این نحوه درک تارگوم یهودی از این جمله است (تو بخشوده خواهی شد).

(۴) "lift up" به معنی "معلق کردن، مسکوت گذاردن". این معنی کلمه را نویسنده تارگوم سامریها انتخاب کرد (من مسکوت می گذارم). جالب توجه است که بیابیم که بیشتر مترجمین امروزی ترجمه خود را بر اساس تفسیر دوم قرار می دهند، و بنابراین در جای پای پیشینا جلو می روند. در آیه بعدی (۸:۴) عبری به نظر می رسد که چند کلمه جا افتاده باشد، زیرا که خواننده می شود «و قائن به برادر خود گفت (...). و هنگامی که آنها در صحرا بودند قائن بر علیه برادر خود هابیل برخاست و او را کشت». تمام انواع کتاب مقدس باستانی، منجمله پیشینا چند کلمه مناسب نیز ارائه می کنند، معمولاً «بگذار با هم به صحرا برویم». اما مترجم پیشینا کار دیگری هم می کند، به جای ترجمه تحت اللفظی کلمه عبری "صحرا" او آن را "دره، وادی" ترجمه می کند. دلیل این تغییر آشکارا عمدی چیست؟ سررشته جواب این سؤال را می توان در حزقیال ۱۲:۲۸-۱۴ یافت، جایی که بهشت به عنوان یک کوهستان توصیف گردیده. در متن عبری کتاب پیدایش اشاره به این موضوع نشده، اما یهودیان و مسیحیان قاعدتاً این گونه پستی و بلندیها را در پیدایش ۴:۱ در نور توصیف حزقیال درک کرده بودند (این ایده هم چنین در کتاب غیر-شرعی به نام خنوخ معروف و مشهور بوده: بهشت به عنوان یک کوهستان درک

به این دلیل که بعضی از فرشتگان شک داشتند که آیا ابراهیم لایق لقب خاصی که به او عطا شده، "دولت خدا"، هست یا نه. شرایط آزمایش ابراهیم بنابراین به گونه‌ای مشابه شرایط آزمایشات ایوب درک می‌شد که به این دلیل آغاز گردید که شیطان، آن "خصم"، به همین گونه شک داشت که قدرت ایمان ایوب تا چه حد است. این درک از زمینه پیدایش ۲۲ را به طور خاص در سنت تفسیری اولیه یهودیان می‌یابیم، در پشتینا به هرحال تنها ترجمه باستانی را داریم که اشاره‌ای به این تفسیر را در خود متن کتاب مقدس گنجانیده است.

ترجمه پشتینا از پیدایش، و در واقع از کتب پنج‌گانه (موسی) به طور کلی، در ارتباط آنها با سنت تفسیری آن زمان یهودی به طرز خاصی غنی است، و این حقیقت این امکان را که این کتب توسط یهودیان و نه مسیحیان ترجمه شده باشد تقویت می‌کند.

جای دیگری که ترجمه پشتینا دارای نکات بسیار زیاد و شاخصی است، که اغلب ماهیت یهودی دارند، دو کتاب تواریخ هستند. در این جا برای مثال تعدادی از اسامی مکانها "به نامهای امروزی" تبدیل شده و با مکانهایی در شمال بین‌النهرین متشابه گردیده‌اند که برای خوانندگان سریانی اسامی آشنایی بوده‌اند. بنابراین، به طور مثال آرام معکه (۱-توا ۱۶:۱۹) به عنوان حران، و گرگمیش (۲-توا ۳۵:۲۰) به عنوان مابوق شناسایی شده. در بسیاری مواقع مترجم سریانی جمله بندی‌هایی را به کار می‌برد که مشخصه تارگوم یهودی است. (گرچه ارتباط اندکی مابین تارگوم باقیمانده و تواریخ وجود دارد، که احتمالاً تاریخ آن دیرتر از پشتینا می‌باشد). بنابراین جایی که در عبری آمده «در آن شب خدا بر سلیمان ظاهر شد (و به او گفت بپرس من چه به تو خواهم داد)» در متن سریانی آمده «در آن شب خداوند بر سلیمان آشکار شد». جمله «بر (او) آشکار شد» مشخصه سنت تارگوم فلسطینی یهودی است (که گاه و بی‌گاه نیز در

یکبار دیگر در کتاب مقدس به موری‌ا اشاره می‌شود و آن در دوم تواریخ ۱:۳ است که می‌گوید چگونه «سلیمان شروع به ساختن هیکل خداوند در اورشلیم در کوه موری‌ا نمود جایی که خداوند بر داود پدر او ظاهر شده بود». ترجمه‌های جدید به پیروی از متن عبری از موری‌ا در هر دو مورد صحبت می‌کنند، اما مترجمین باستانی در این باره روایات کاملاً متفاوتی می‌دانستند: در ترجمه هفتادتنان یونانی در کتاب پیدایش "سرزمین مرتفع" و در تواریخ به "کوهستان آموریتها" اشاره می‌کند در حالی در پشتینای یونانی در کتاب پیدایش دو سرزمین آموریتها و در کتاب تواریخ «کوهستان آموریتها» آمده است. ترجمه لاتین کتاب مقدس به نام "ولگات سنت تفسیری دیگری را می‌شناسد، و در پیدایش به "سرزمین رؤیا" که ترجمه آن موری‌ا است اشاره نموده و آن را با فعل عبری "رآح" (دیدن) مربوط می‌سازد. ژروم این ترجمه را از نسخه اصلاح شده یهودی یونانی کتاب مقدس عبری نوشته Symmachus اقتباس نموده است.

دومین ویژگی خاص کتاب پیدایش باب ۲۲ از نسخه پشتینا در آیه ۱۲ یافت می‌شود، جایی که در عبری (به پیروی از تمام ترجمه‌های مدرن و نیز ترجمه هفتادتنان) فرشته می‌گوید «زیرا اینک می‌دانم که تو از خدا می‌ترسی». اما در پشتینا آمده «زیرا اینک آشکار کرده‌ام که تو از خدا می‌ترسی» (این متن را بعدها اغلب این گونه خوانده‌اند: «زیرا اینک تو آشکار کرده‌ای که از خدا می‌ترسی»). چون متن صامت "Wd,t" را می‌توان هم به صورت "awd,et" «من آشکار کرده‌ام» خواند و هم به صورت "awda,t"، «تو آشکار کرده‌ای». این شاید به نظر اختلاف بزرگی نباشد اما در واقع تداعی کننده شرایط کاملاً مختلفی برای آزمایش ابراهیم است: خدا اجازه می‌دهد تا این آزمایش انجام شود، نه برای این که خودش پیدا کند که آیا محبت ابراهیم برای خدا و ایمان او قوی‌تر از محبت او برای پسر خود اسحاق است بلکه بیشتر اجازه می‌دهد اتفاق بیفتد

ب: ترجمه از یونانی: «سیرهوگزاپلا»

در طول قرن پنجم تا هفتم میلادی ابیات مسیحی به زبان یونانی در نظر کلیساهای سریانی منزلت و ارزش زیادی کسب نمود و این به دلایل مختلفی حاصل شد، که مهمترین آنها این واقعیت بود که زبان یونانی زبان فرهنگی اصلی امپراتوری شرق روم شده بود و بدین سبب مباحثات مذهبی قرن پنجم و قرون بعد عمدتاً به زبان یونانی مطرح می‌گشت. از آن جا که خوانندگان سریانی مشتاق بودند که همواره از آخرین پیشرفتهای الهیات آگاه باشند تعداد بسیار زیادی از رساله‌های مذهبی را از یونانی به سریانی ترجمه کردند. و در اواخر قرن هفتم آثار تقریباً تمام پدران یونانی به سریانی ترجمه شده بود، به صورت کامل یا بخشهایی از آنها. با گذشت زمان مترجمین تلاش نمودند تا مطالب یونانی را بیشتر و دقیق‌تر به سریانی معرفی کنند و تا قرن هفتم موفق شدند که روشهای پیچیده‌ای را در "ترجمه آئینه وار" تکمیل نمایند، با این هدف که تمام جزئیات اصل یونانی را در ترجمه سریانی منعکس نمایند.

با توجه به این زمینه کلی در کار ترجمه است که ما می‌باید به ترجمه‌های سریانی کتاب مقدس قرن هفتم، یعنی «سیرهوگزاپلا» برای عهد عتیق، و هارکلین برای عهد جدید نظر بیندازیم. «سیرهوگزاپلا» به طور عمده اثر پولس اسقف تلاً بود، که خود محقق بوده که در صومعه‌ای در نزدیکی شهر بزرگ اسکندریه در مصر کار می‌کرده. ما می‌دانیم که او در طی سالهای ۶۱۵-۶۱۷ درگیر این تکلیف دشوار بوده و این تاریخ توضیحی است که چرا او مراقب گله خود در تلاً (شمال بین النهرین) نبوده. در سال ۶۱۴ پارسها به امپراتوری روم حمله بردند و نه تنها سوریه شمالی و بین النهرین، بلکه شهر مقدس اورشلیم را نیز تصرف نمودند. کمی بعد از آن که پولس کار خود را به پایان رسانید آنها اسکندریه را هم اشغال

کتب پنجگانه پشیتا یافت می‌شود)، در مقایسه با تارگوم بابلی که منظم‌اً از «آشکار شد به» استفاده می‌کند. مورد دیگری از به کارگیری جمله بندی مشخصاً با ویژگی یهودی را می‌توان در عباراتی همانند آنچه که در دوم تواریخ ۷:۳۳ آمده یافت، در این جا خدا درباره حضور خود در هیکل صحبت می‌کند. در این عبارت بخصوص در عبری آمده که «بر این خانه و در اورشلیم... من نام خود را برای همیشه خواهم گذارد» اما در نسخه سریانی جمله آخر به صورت «من موجب خواهم شد که "سکینا" (حضور الهی) من برای همیشه در آن سکونت گزینند» نوشته شده. چنین جمله بندی ویژگی خاص تارگوم یهودی است و در هیچ یک از سایر ترجمه‌های باستانی دیگر کتاب مقدس یافت نمی‌شود. یک کتاب دیگر در پشیتا نیز رابطه نزدیکی با تارگوم دارد و آن کتاب امثال سلیمان است. در این جا وضعیت منحصر به فردی حکمفرماست، زیرا پشیتا و تارگوم در واقع در اکثر اوقات کلمه به کلمه مشابه هم هستند؛ و یکی به طور قطع از دیگری نشئت گرفته است. انسان می‌تواند انتظار داشته باشد که پشیتا از تارگوم گرفته شده باشد، اما بر اساس علم زبان شناسی می‌توان ثابت کرد که در واقع تارگوم می‌بایستی در این کتاب از پشیتا منشأ گرفته باشد. این بدان معنی است که ترجمه پشیتا از امثال نیز به احتمال زیاد کار یهودیان نواحی شمال بین النهرین بوده و بعدها توسط مسیحیان سریانی زبان و یهودیهای بعدی (که قدری لهجه در آن را اصلاح کردند) تقبل گردیده.

در سایر کتب عهد عتیق پشیتا رابطه‌ها با تارگوم بسیار مبهم تر و یا کاملاً غایب است. در این کتب مترجمین عناصر تفسیری بسیار کمتری را وارد کرده‌اند، و ترجمه آنها معمولاً به عبری نزدیک تر است، با وجودی که در بعضی کتب آنها از ترجمه هفتادتنان استفاده کرده‌اند.

هرگز برای قرائت قطعات منتخبه در کلیسای شرق مورد استفاده قرار نگرفت، ولی به هر حال در رساله‌های قرن نهم میلادی بارها به آن اشاره شده است.

باید دانست که «سیروهگزایلا» تنها منبع دانش درباره‌ی متن کتاب مقدس ترجمه‌ی هفتادتنان برای خوانندگان سریانی نبود. در قرن ششم ترجمه‌هایی از بعضی کتب جداگانه‌ی عهد عتیق از یونانی تهیه شده بود (قسمتهایی از یک نسخه از کتاب اشعیا باقی مانده) و این احتمال وجود دارد که فیلوگزونوس، اسقف مابوق، دستور تهیه‌ی آنها را داده باشد. محقق بزرگ ارتدکس سریانی یعقوب اهل ادسا در سنین پیری، در سالهای اول قرن هشتم ترجمه‌ی دیگری را از یونانی آغاز کرد، اما بعضی از اصول و پایه‌های پیشین را نیز در این ترجمه حفظ نمود. ترجمه‌ی او ظاهراً دربرگیرنده‌ی چندین کتاب از عهد عتیق بوده ولی امروزه مقدار اندکی از آن باقیمانده (کتب پنجگانه، اول و دوم سموئیل، اول پادشاهان، اشعیا، حزقیال و دانیال). بعضی از اینها فقط به صورت تکه پاره موجودند).

یک منبع مهم اطلاعاتی دیگر از متن کتاب مقدسی هفتادتنان موجود بود، که به صورت یک ترجمه‌ی واقعی کتاب مقدس نبود بلکه به طور غیر مستقیم، در ترجمه‌ی پدران یونانی به سریانی در دسترس قرار داشت. این نویسندگان یونانی عهد عتیق را از ترجمه‌ی هفتادتنان نقل قول کرده بودند، و هنگامی که اثر آنها به سریانی ترجمه شد عادت مترجمین سریانی از حدود سال ۵۰۰ میلادی به بعد این بود که نقل قولها از کتاب مقدس که از ترجمه‌ی هفتادتنان بود را دقیقاً همان طوری که می یافتند ترجمه کنند (در گذشته آنها اغلب نقل قولها را با متن پیشین وفق می دادند، چون این متن کتاب مقدس بود که خوانندگان آنها با آن آشنایی داشتند). توسط این ترجمه‌های پدران و قدیسیان یونانی بود که بسیاری از سنتهای تفسیری بر پایه‌ی هفتادتنان و نه پیشین بنا گردید و به کلیساهای سریانی رسید، بعداً به

نمودند، اما خوشبختانه ترجمه‌ی او در این گیر و دار از بین نرفت. پولس در حالی که یک فراری شده و در اختفا به سر می برد این کار عظیم علمی خود را در زمان آشوبهای سخت سیاسی و بی اطمینانی به انجام رسانیده.

به نظر می رسد که دستور شروع ترجمه را آتاناسیوس، پاتریارک ارتدکس سریانی، داده باشد. پولس به جای این که متن معمولی هفتادتنان را مورد استفاده قرار دهد از متن اصلاح شده اوريجن هفتادتنان استفاده نمود و ترجمه را به متن عبری آن نزدیکتر کرد. اصلاحات اوريجن که در اوائل قرن سوم صورت گرفت، در یک کتاب مقدس قطور شش ستونی دار ترکیب شد که به نام هگزایلا ("شش ستونه") مشهور است، که احتمالاً حاوی: متن عبری، ابتدا با حروف عبری و بعد یونانی، بازدید و اصلاح خود اوريجن از هفتادتنان، و یک ترجمه‌ی دیگر یونانی توسط تئودوسیوس بوده. پولس ستون پنجم را که حاوی متن اصلاح شده‌ی هفتادتنان بود ترجمه کرد اما گاه اطلاعاتی را از ستونهای دیگر به حاشیه‌ی آن اضافه کرده بود. به این دلیل است که ترجمه‌ی او امروزه به عنوان «سیروهگزایلا» شهرت یافته (نویسندگان سریانی خودشان به این ترجمه تحت نام «هفتاد»، یعنی بر اساس «هفتادتنان» رجوع می کنند. ترجمه‌ی پولس برگردان بسیار نزدیک یونانی است، و بسیار مورد استفاده محققین امروزی قرار گرفته. با توجه به این که هگزایلا اوريجن مفقود شده، و به جز اندکی تکه پاره در دسترس نیست (چنان که بعداً در بخش سوم خواهیم دید ترجمه‌ی خود پولس نیز به طور کامل باقی نمانده است).

نسخه‌ی «سیروهگزایلا» در کلیسای ارتدکس سریانی از محبوبیت فراوانی برخوردار بود و متن آن گاهی اوقات به جای متن پیشین در قرائت متون انتخابی از عهد عتیق مورد استفاده قرار می گرفت. با وجودی که تیموتی اول، پاتریارک کلیسای شرق علاقه‌ی خود را برای کپی برداری و تهیه‌ی یک نسخه از «سیروهگزایلا» در اوائل قرن هشتم ابراز داشت، این نسخه

از این در حیرت بودند که مرد زاهدی مثل یحیی می باید غذائی غیر گیاهی مصرف کرده و با خوردن ملخ روزگار گذرانده باشد. آنها تفسیرهای متفاوتی ارائه می دادند و حدس می زدند که معنی کلمه یونانی مورد بحث می باید نام نوعی گیاه بوده باشد. تاتیان ظاهراً رویه ای قاطعانه تر پیش گرفت و کلمه آزار دهنده مورد استفاده متی و مرقس را به طور کلی حذف نمود و به جای آن کلمات «شیر کوهستان» را جانشین کر. یحیی تعمید دهنده بر حسب این نوشته جدید با شیر و عسل زندگی می کرده، به کلامی دیگر با غذای سرزمین موعود (تثنیه ۳:۶). این ارتباط با عهد عتیق به طور حتم از طرف تاتیان عمدی بوده، زیرا ورود به سرزمین موعود از طرف مسیحیان به عنوان نمونه متقابل با تعمید مسیحیان ارزیابی می شد.

در شرح تعمید خود عیسی در رود اردن (متی ۳:۱۶، مرقس ۱:۱۰، لوقا ۳:۲۲) تاتیان جزئی را اضافه نمود که در هر سه انجیل موجود نیست: هنگامی که مسیح وارد آب رود اردن می شود «نور عظیمی ظاهر شد». این مسلماً یک اختراع کاملاً تازه از طرف تاتیان نبوده، بلکه او روایتی را تقبل کرده بود که می گفت در هنگام تعمید عیسی آتش ظاهر شده است. در الهیات تاتیان (که ما آن را از موعظه او به یونانیها آشنا هستیم) نور سمبل مذهبی بسیار مهمتر از آتش است و احتمالاً بدین دلیل است که او این تغییر را به وجود آورد (در سریانی ما بین "ن" و "ر" فقط یک حرف تفاوت است).

متن شناخته شده سخنان عیسی به پطرس در متی ۱۶:۱۸ بدین گونه است «بر روی این صخره من کلیسای خود را بنا خواهم کرد، و دروازه های جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت». در این جا معنی دقیق «دروازه های جهنم» به هیچ وجه روشن نیست، بسیاری از ترجمه های امروزی آن را استعاره تلقی نموده و آن را «قدرتهای مرگ» ترجمه می کنند. اما دیاتسرون سریانی از عبارت نسبتاً متفاوت «ستونهای هاویه» به جای آن

بعضی عبارات نگاه خواهیم کرد که در آنها اختلافات مابین سریانی و یونانی موجب بروز برخی مسائل پیچیده گردید که آثار خود را بر برخی از متون نیایشی به جای گذارده اند.

۲- عهد جدید

الف: دیاتسرون (هماهنگی چهار انجیل)

هماهنگی چهار انجیل که به نام دیاتسرون مشهور است به تاتیان، الهیدان مهم سریانی که در نیمه دوم قرن دوم میلادی به زبان یونانی می نوشته، نسبت داده می شود. تاتیان قبل از مراجعت به شرق (موطن دقیق او مشخص نیست) در روم تحصیل کرده بود. همچنین مشخص نیست که او کی، کجا و به چه زبانی دیاتسرون را ترکیب کرده. متأسفانه نسخه اصلی از بین رفته اما آثاری از آن را می توان در مسیحیت غرب و نیز در مسیحیت شرق پیدا نمود. تا جایی که به کلیساهای سریانی مربوط می شود مسلم است که دیاتسرون در سریانی رواج کامل داشته و تا اوائل قرن پنجم آن را به عنوان نسخه قابل اعتمادی از متن انجیل تلقی می نموده اند، و از این تاریخ به نفع چهار انجیل جدا، آن را کنار گذاشتند. در قرن چهارم ماراپرم حتی تفسیری درباره دیاتسرون نوشت، و همین اثر مهمترین شاهد ما درباره متن واقعی دیاتسرون است.

در زمانی که تاتیان دیاتسرون را تدوین می کرد ایده مجموعه مذهبی چهار انجیل هنوز دوران نوزادی خود را می گذرانید. و این واقعیت توضیح دهنده این است که چرا او احساس کرد که می تواند نسبت به متن قدری دست و دل بازتر باشد و حتی این جا و آن جا مشخصاتی را اضافه کند که در چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا یافت نمی شوند. در ذیل سه نمونه از چنین ویژگیها را می بینید.

در متی ۴:۴ و مرقس ۱:۶ درباره یحیی تعمید دهنده گفته شده که او «از ملخها و عسل وحشی» زندگی می کرده. بسیاری از خوانندگان بعدی

ب: سریانی قدیمی

ترجمه سریانی قدیمی عهد جدید از دو نسخه باستانی برای ما شناخته شده است، که هر دو فقط شامل اناجیل هستند. می باید یک ترجمه سریانی از بقیه کتب اعمال و رسالات قبل از زمان بازنگری پشیتا (حدود سال ۴۰۰) موجود بوده باشد، زیرا تفسیرهایی از اپرم درباره این کتب را از جملات آن می توان به دست آورد. در مطالبی که در ذیل بیان می شود واژه «سریانی قدیمی» اشاره به ترجمه سریانی قدیمی از اناجیل دارد.

دو نسخه حاوی اناجیل سریانی قدیمی وجود دارند که امروزه با عنوان Curetonian (C). به خاطر William Cureton اولین تدوین کننده آن) و Sinaitic (S): زیرا این نسخه به صومعه کاترین قدیس در سینا تعلق دارد) مشهور هستند. البته هیچ کدام از این دو نسخه کامل نیست و قسمت اعظم نسخه سینائی نیز غیرقابل خواندن است زیرا که متن اصلی قدیمی یک بار پاک شده و متنی متفاوت بر روی آن نوشته شده است. هر دو نسخه C و S دارای تیترا «انجیل مجزا» (اوانگلیستها) می باشند، که این تیترا ظاهراً به منظور تمایز ترجمه چهار انجیل جدا از «انجیل مختلط» (اوانگلیستها) می باشد، که اشاره ای است به دیاتسرون.

تاریخی که ترجمه «سریانی قدیمی» انجام گرفته مشخص نیست، گرچه تصور بر این است که می باید پس از تدوین دیاتسرون بوده باشد. محققین انجام این ترجمه را مربوط به زمانی مابین اواخر قرن دوم تا اوائل قرن چهارم می دانند (دو نسخه در دسترس خودشان احتمالاً به قرن پنجم تعلق دارند).

متن سریانی قدیمی اغلب اوقات به طرز قابل توجهی با متن پشیتا متفاوت است، به دو دلیل اصلی: ۱- ترجمه سریانی قدیمی از متن یونانی انجام گرفته بود که در بسیاری موارد از متن یونانی که بر اساس بازنگری پشیتا قرار داشت متفاوت بود، ۲- شیوه ترجمه بسیار آزادتر است (حداقل

استفاده می کند (هاویه واژه عبری و آرامی برای مکان مردگان است). در نگاه اول این عبارت هم مبهم باقی می ماند، اما اگر توجه کنیم که اشاره به «ستونها» اشاره ای ضمنی به دو عبارت عهد عتیق و مزموور، یعنی مزموور ۱۰۷:۱۶ و اشعیا ۲:۴۵ است، آنگاه منظور از این دستکاری آشکار می شود، این عبارات که در آنها خدا به عنوان «خرد کننده درهای برنزی و شکننده ستونهای آهنی» توصیف شده، در کلیسای اولیه به عنوان اشاره به نزول مسیح به درون هاویه تعبیر می شده. با آوردن این استعاره به عبارات عهد عتیق که از پیش آگاهی نزول مسیح به درون هاویه برداشت گردیده بود، تاتیان به خواننده خود نشانه ای ارائه می دهد که متی ۱۶:۱۸ را چگونه باید تعبیر نمود. مسیح به پطرس وعده می دهد که ستونها و دروازه های هاویه قادر نخواهند بود بر علیه کلیسا دوام بیاورند، همچنان که قادر نخواهند بود بر ضد او در نزول آتی او به درون هاویه دوام آورند. همان گونه که او هنگامی که از مردگان در هاویه برخیزد «دروازه ها را خرد خواهد کرد» و «ستونها را خواهد شکست»، کلیسا نیز در رستاخیز نهائی این چنین عمل خواهد کرد.

تاتیان در دو نمونه از تغییر کلمات متن اشاراتی ضمنی به عهد عتیق ارائه نموده است. این به خودی خود قابل توجه است، زیرا او در زمانی می نوشته که مارسیون و پیروان او به طور کلی استفاده از عهد عتیق را در کلیساها منسوخ می نمودند.

اولین و سومین تغییرات از این نوع فقط در سریانی و سایر نسخ شرقی شناخته شده و آنها در نسخ دیاتسرون غربی هیچ اثری از خود بجای نگذارده اند، همان گونه که در اناجیل هماهنگ قرون وسطائی بومی اثری نیست. بنابراین، این امکان وجود دارد که اینها کار نویسندگان دیاتسرون سریانی باشند، تا کار تاتیان (با این فرضیه که او دیاتسرون را به زبان یونانی نوشته و نه سریانی).

ج: پشیتا

فرم استاندارد عهد جدید سریانی، پشیتا، ترجمه جدیدی از زبان یونانی نیست بلکه بازنگری سریانی قدیمی می باشد که متن را با متن یونانی آن هماهنگ تر می سازد. همان گونه که دیده ایم، دو نسخه سریانی قدیمی C و S خودشان هم به طور پراکنده آثاری از بازنگری و اصلاح نشان می دهند. روند بازنگری که منجر به متن پشیتا شد روندی طولانی بوده و در اوائل قرن پنجم به کمال خود می رسد. در فرم نهائی آن، نسخه اصلاح شده بسیار موفقانه «ارزیابی» گردیده زیرا به سرعت جانشین سریانی قدیمی و دیاتسرون شده و به متنی استاندارد برای تمام کلیساهای سریانی تبدیل گردیده. آثاری از نمونه های قدیمی تر، دیاتسرون و سریانی قدیمی، در این جا و آن جا باقی مانده است، هم به صورت نوشته های منفرد در چند نسخه پشیتا و هم به صورت نقل قولهایی توسط نویسندگان بعدی. بنابراین به طور مثال نوشته دیاتسرون سریانی در متی ۱۸:۱۶ «ستونهای هاویه» (در مقابل دروازه های هاویه هم در سریانی قدیمی و هم در پشیتا)، هنوز هم برای بسیاری از نویسندگان بعد از قرن پنجم آشناست، بسیار بعد از این که دیاتسرون خود به طور رسمی به فراموشی سپرده شود.

یک فرضیه این است که پشیتای بازنگری شده در واقع کار را بولا، اسقف بزرگ ادسا، بوده (که در سال ۴۳۵ وفات یافت). این فرضیه امروزه به نظر غیر محتمل می آید، با وجودی که ادسا (با مدرسه مذهبی معروف آن) می توانسته جائی باشد که فرم نهائی نسخه اصلاح شده از آن جا منتشر گردیده بسیاری از نسخ اولیه پشیتا حاوی «مجموعه قوانین مذهبی یوسیوس» است که سیستمی ساده از رفتارنهای متقابل مابین اناجیل مختلف (هر انجیل به قسمتهای شماره گذاری شده ای تقسیم شده) را ارائه می دهد، و این شاید ویژگی خاص «دست نوشته» نوین عهد جدید سریانی بود.

در بسیاری جاها). جالب توجه این که مترجم به وضوح احساس کرده بود که عهد عتیق سریانی (پشیتا) دارای مرجعیت بیشتری برای خوانندگان است تا عهد جدید یونانی، زیرا او در چندین مورد در اناجیل نقل قولهایی از عهد عتیق آورده که جمله بندیهای آن از عهد عتیق پشیتاست و با نقل قولهایی که در عهد جدید یونانی یافت می شوند متفاوت هستند. این نحوه عملکرد در واقع شیوه ای بود که بسیاری از مترجمین اولیه در مورد نوشته های پدران و قدیسن یونانی تقبل کرده بودند، و فقط از حدود سال ۵۰۰ میلادی به بعد مترجمین نظر خود را تغییر دادند و شروع به ترجمه نقل قولهایی از کتاب مقدس بر طبق متن یونانی نمودند حتی اگر این نقل قولها برخلاف جمله بندیهای انجیل پشیتا می بود.

متن این دو نسخه به هیچ وجه مشابه نیست، اما وجوه اشتراک زیادی دارند که می توان گفت این هر دو از یک ترجمه اند. احتمالاً هر دو نسخه متنی دارند که این جا و آن جا بازنگری یا «اصلاح» شده اند، در مقایسه با متن یونانی. این توجیهی است که چرا به طور مثال نسخه S خاتمه کوتاهتری در مرقس دارد (در ۸:۱۶ تمام می شود)، در حالی که نسخه C دارای خاتمه ای طولانی تر است (خاتمه آن در ۲۰:۱۶ است).

همان گونه که می توان انتظار داشت در قدیمی ترین متن به جا مانده سریانی از اناجیل، نسخه سریانی قدیمی حاوی تعدادی لغات و باگرامری قدیمی است. بعضی مواقع اینها را به عنوان بازتاب فرم آرامی فلسطینی منظور کرده اند (با این اشاره ضمنی که خود مترجمین هم یا اصالت فلسطینی داشته یا احتمالاً به احادیث لفظی به زبان آرامی فلسطینی دسترسی داشته اند). این فرضیه بر مبنای یک سوء تفاهم است زیرا بهترین نحوه توجیه قدمت به عنوان باقیمانده از یک مرحله آغازین در تاریخ سریانی است.

ترجمه اصیل سریانی تعلق داشته باشد، در حالی که «بدون خدا» احتمالاً در زمانهای قدیم، تحت نفوذ تئودور اهل موپسوستیا و به دلیل حمایت قوی او از آن نوشته (که برای وی این مزیت را داشت که از پذیرش هر ایده ای مبنی بر درد و رنج الوهیت بر صلیب اجتناب ورزد: این فقط انسان است که «مرگ را چشید» نه خدای کلمه) به دست نوشته های سریانی شرقی وارد شده است.

د: فیلوگزیان

در میان محققین در مورد رابطه مابین نسخ فیلوگزیان و هارکلین از عهد جدید سریانی سردرگمی زیادی وجود دارد، اما برخی تفسیرهای جدیداً منتشر شده از اناجیل که توسط فیلوگزنوس نوشته شده ارائه دهنده راه حل قطعی هستند. بنابراین ما می دانیم که نسخه فیلوگزیان مفقود شده و ترجمه تحت الفظی که از آن باقی مانده همان هارکلین است (گرچه تدوین کننده آن متأسفانه به آن عنوان "Versio Philoxeniana" داده است).

عهد جدید فیلوگزیان نه یک ترجمه کاملاً تازه بلکه یک بازنگری بود از پشیتا، که دستور انجام آن توسط فیلوگزنوس اهل مابوق صادر گردید و با همکاری (اسقف یار) او پلیکارپ (Polycarp) به اجرا درآمد. کار این اثر در سال ۵۰۸ به پایان رسید. باوجودی که هیچ دست نوشته ای حاوی فیلوگزیان به جای نمانده، اما در تفسیرهای فیلوگزنوس درباره اناجیل نقل قولهای متعددی از آن آمده. به علاوه در یکی از این تفسیرها (نقدی بر پیشگفتار یوحنا) فیلوگزنوس توضیح می دهد که چرا دستور بازنگری را داده است. فیلوگزنوس که در زمان مباحثات شدید مذهبی زندگی می کرد نسبت به بعضی از ترجمه های نسبتاً آزاد در پشیتا، مثلاً عباراتی همانند متی ۱:۱ و ۱۸:۱، عبرانیان ۷:۵ و ۵:۱۰ که همه آنها برای درک صحیح از طبیعت تن گیری خدا دارای اشارات ضمنی الهیاتی مهمی بودند ناخشنود

پشیتا فقط کتابهایی را شامل می شود که توسط کلیسای سریانی به عنوان مرجع ارزیابی شده اند، یعنی اناجیل، اعمال رسولان، رسالات پولس، یعقوب، اول پطرس، و اول یوحنا. در دست نوشته های اولیه پشیتا رسالات کاتولیک مابین اعمال و رسالات پولس قرار گرفته بود و نه بعد از آنها. دوم پطرس، دوم و سوم یوحنا، یهودا و مکاشفه تا قرن ششم به سریانی ترجمه نشده بودند (احتمالاً به عنوان قسمتی از نسخه فیلوگزیان، باوجودی که این موضوع به هیچ وجه مسلم نیست). تعدادی از آیات منفرد، که از ترجمه های انگلیسی عهد جدید برای ما آشنا هستند، در پشیتا وجود ندارند: متی ۲۷:۳۵، لوقا ۲۲:۱۷ و ۱۸، یوحنا ۷:۵۳، ۸:۱۱ (زنی که به خاطر زنا گرفتار شد). اعمال ۸:۳۷، ۱۵:۳۴ و ۲۸:۲۹. در نسخه های چاپی امروزی اینها را معمولاً از نسخه های جدیدتر تهیه کرده اند.

به طور کلی مابین دست نوشته های پشیتا از عهد جدید اختلافات جزئی می توان یافت، فقط تعداد اندکی از دست نوشته های پشیتا نوشته هایی منفرد را که از سریانی قدیمی گرفته شده اند در خود جای داده اند. در هر جا که تغییراتی به وجود آمده یکی دو عبارت به هرحال از نظر مذهبی جالب هستند. معروف ترین چنین عباراتی در انتهای عبرانیان ۲:۹ است، در این جا دست نوشته های سریانی شرقی می نویسند «زیرا او (عیسی)، جدا شده از خدا، برای همه ذائقه موت را چشید». در حالی که در دست نوشته های سریانی غربی آمده «زیرا توسط فیض خدا ذائقه موت را برای همه چشید». این اختلاف منشاء خود را در زبان یونانی دارد. در اکثر نسخه های یونانی «توسط فیض خدا» (chariti theou) آمده اما تعداد کمی هم نوشته اند «بدون خدا» (choris theou). محققین مدتهای طولانی در مورد این که کدامیک از این نوشته ها اصیل است بحث کرده اند، اما تا جایی که به پشیتا مربوط می شود به نظر می رسد که «توسط فیض خدا» (قدری متفاوت از یونانی «توسط فیض خدا») ممکن است به

کاتولیک (دوم پطرس، دوم و سوم یوحنا، یهودا) و مکاشفه به عهد جدید فیلوگزنیان تعلق داشته باشند، که در این صورت اینها تنها نمایندگان بازمانده از این دست نوشته‌ها هستند. به نظر می‌رسد که شیوه ترجمه متناسب است با آنچه که ما از فیلوگزنیان می‌دانیم، اما از طرفی دیگر باید این حقیقت را نیز ارزیابی کنیم که ظاهراً فیلوگزنوس خود هرگز از این کتب نقل قول نکرده، و در این صورت قدری عجیب است اگر او شخصی بوده که دستور ترجمه اول این کتب را به زبان سریانی داده بود.

ه: هارکلین

نمونه هارکلین نشان دهنده اوج روند طولانی بازنگری ترجمه سریانی عهد جدید است. نویسنده آن توماس اهل هارکل (Thomas of Harkel) بوده که در همان صومعه که پولس اهل تلا بوده، یعنی صومعه اسکندریه، و در همان زمان کار و فعالیت می‌کرده. او کار خود را در سال ۶۱۶ به پایان رسانید. روش بسیار پیشرفته ترجمه تحت اللفظی آنان بسیار مشابه است. توماس بر پایه بازنگری قبلی فیلوگزنیان کار می‌کرد، و ترجمه او شامل تمامی عهد جدید منجمله رساله‌های فرعی کاتولیک و مکاشفه است. برخلاف فیلوگزنیان، که به نظر می‌رسد انگیزه‌های وی عمدتاً مذهبی بوده، هارکلین توجه بسیار بیشتری به جزئیات واژه‌شناسی دارد. هر جزئی از اصل یونانی در ترجمه وی بازتاب یافته است. توماس به طور منظم تلاش می‌کند تا به تعادلی رسمی مابین متن یونانی و سریانی دست یابد، با این نتیجه که محقق امروزی بتواند متن یونانی را که او به عنوان پایه‌ای برای بازنگری خود مورد استفاده قرار داده بازسازی کند. در حقیقت توماس خود را محدود به یک نسخه دست نویس یونانی نکرد زیرا پانوشته‌ها و یادداشتهای آخر متن در بسیاری از نسخ هارکلین نشانگر این است که او دو یا سه دست نوشته متفاوت یونانی در اختیار داشته است.

بود. فیلوگزنوس شکایت داشت که ترجمه نسبتاً آزاد این آیات در پشیتا در واقع صحنه را برای «تفسیر نسطوریها» مهیا ساخته بود (آن طور که او آن را می‌نامید). بدین سبب او احساس می‌کرد ترجمه‌ای دقیق تر از عهد جدید یونانی به سریانی مورد نیاز است. او این نیاز را این گونه بیان کرده: آن قدیمیها هنگامی که شروع به ترجمه این عبارت نمودند در مسائل بسیاری دچار اشتباه شدند، به طور عمدی یا به دلیل بی‌توجهی. این اشتباهات فقط با آنچه که درباره تدبیر در جسم تفکر می‌شود مربوط نیست، بلکه با مسائل دیگری در رابطه با موضوعات مختلف. به این دلیل بود که ما این زحمت را تقبل نموده کتب مقدسه را از سر نو از یونانی به سریانی ترجمه کرده‌ایم.

تفسیر فیلوگزنوس درباره عبرانیان ۷:۵ نمایانگر نوع نوشتار مورد علاقه اوست. او در ابتدا آنچه را که تصور می‌کند ترجمه صحیحی از یونانی است نقل می‌نماید «او، که در روزهای (زندگی) جسمانی‌اش...» و سپس بدین گونه ادامه می‌دهد:

به جای این آنها (مترجمین پشیتا) ترجمه کردند «هنگامی که او به لباس جسم ملبس بود»، و به جای ترجمه پولس آنها به سوی موضع نسطوریها تمایل یافتند، که جسم را به درون کلمه خدا می‌فرستند، همان گونه که لباسی بر جسم معمولی پوشانده یا (ردای) ارغوانی بر امپراتورها نهاده می‌شود (اینها هر دو تشبیهات مورد علاقه نویسندگان سریانی شرقی بودند).

از این گونه اظهارنظرها توسط خود فیلوگزنوس، ما می‌توانیم دریابیم که انگیزه اصلی در پشت عهد جدید فیلوگزنیان توسط مباحثات مذهبی آن زمان و احتیاج برای ترجمه‌ای دقیق و تحت اللفظی عهد جدید یونانی به وجود آمده بود.

این امکان وجود دارد که ترجمه گمنام قرن ششم رساله‌های فرعی

فصل سوم

کتاب مقدس سریانی چگونه به ما رسیده است؟

در این بخش ما نگاهی می‌کنیم به طریقی که کتاب مقدس سریانی به ما منتقل گشته است. لزومی به یادآوری نیست که در این مورد هیچ دست نوشته‌ی اصیل از مترجمین تا به امروز باقی نمانده. اما به هر حال در مورد هگزاپلا و هارکلین ما دست نوشته‌هایی در اختیار داریم که کمتر از یک قرن بعد از انجام این ترجمه‌ها نوشته شده‌اند.

۱- دست نوشته‌های کتاب مقدس

تعداد بسیار زیادی از نسخ کتاب مقدس سریانی تا به امروز باقی مانده که یا به صورت مجموعه‌ی قوانین، یا به شکل کتاب هستند و بر روی پوست گاو یا کاغذ (که در قرون وسطی به منطقه راه یافت) نوشته شده‌اند. این نسخ دست نوشته از نظر اندازه و قطع متفاوت بوده‌اند، از کتب با قطع بسیار بزرگ که حاوی تمام عهد عتیق یا تمامی عهد جدید هستند (بسیار به ندرت هر دو با هم) تا نسخ مینیاتوری که با خطی بسیار ریز نوشته شده و حاوی یک کتاب مفرد یا گروه محدودی از کتب می‌باشند. قسمت اعظم نسخ دست نوشته، به هر حال در قطع رایج و به طور معمول حاوی گروهی از کتب می‌باشند. گاه و بی‌گاه انسان می‌تواند یک کتاب از کتب مقدسه را ببیند که در نسخه‌ای حاوی متون غیر کتاب مقدسی ادغام شده باشد.

بسیاری از نسخ دست نوشته دارای توضیحات نویسنده در انتهای کتاب یا پانویس هستند، و این می‌تواند اطلاعاتی در این باره که این نسخه در کجا و در چه زمانی نوشته شده است به ما بدهد. تاریخ معمولاً برحسب

اتفاقاً یکی از نسخه‌های یونانی که او در کتاب اعمال رسولان مورد استفاده قرار داده از نظر مطالعه انتقال متن یونانی عهد جدید بسیار قابل توجه است، چون حاوی نمونه‌ای قدیمی از سنت متن نگاری می‌باشد که در جاهای دیگر چندان مشهود نیست.

نسخه‌ی هارکلین به زودی در کلیسای ارتدکس سریانی محبوبیت یافت و اغلب به جای پیشینا به عنوان نسخه‌ای برای قرائت قطعات منتخب مورد استفاده قرار گرفت. به علاوه به عنوان پایه‌ای برای هماهنگی چهار انجیل، که حاوی شرح درد و رنج مسیح بر روی صلیب بود، استفاده شد.

* * *

را در چهار ستون ارائه می‌دهد به زبانهای عربی، سریانی «سیروهگزاپلا»، یونانی و عبری. دخول زبان عبری در نسخه‌ای از کتاب مقدس مسیحی در آن زمان به نظر می‌رسد که بی‌نظیر بوده و راهبی که این نسخه را تدوین کرده می‌بایستی در زمان خود عالمی برجسته بوده باشد.

عهد عتیق الف: پشیتا

معدودی نسخ دست‌نوشته وجود دارند که حاوی تمامی عهد عتیق می‌باشند. اکثر این نسخ مربوط به قرن هفدهم هستند، زیرا تا آن زمان اختراع چاپ مردم را به ایده داشتن تمامی عهد عتیق، یا کتاب مقدس کامل عادت داده بود. این نسخ در واقع قدری قبل از این که اولین نسخه چاپی یا کتاب مقدس کامل سریانی تهیه شود (نسخه چند ستونه پاریس، از سال ۱۶۵۴ نوشته شده بودند. قدیمی‌ترین نسخ کتاب مقدس پشیتا (عهد عتیق و جدید) عبارتند از:

— **The codex Ambrosianus**، یا مجموعه نوشته‌های خطی آمبروسیان، که در کتابخانه آمبروسیان در میلان ایتالیاست (عهد عتیق پشیتا). این نسخه به خط بسیار زیبای استرانگلو نوشته شده که می‌توان قدمت آن را به قرن ششم یا هفتم مربوط دانست.

— پاریس، کتابخانه ملی، این نیز در خط زیبای استرانگلو نوشته شده که مربوط به قرن هشتم، و حاوی تعدادی تصاویر می‌باشد (نقاشیهای از شخصیت‌های عهد عتیق و بعضی مناظر).

— فلورانس، کتابخانه Laurentian، این نسخه به خط Serto نوشته شده که قدمت آن به قرن نهم می‌رسد.

— کمبریج، کتابخانه دانشگاه، این نسخه به خط زیبای استرانگلو نوشته شده و قدمت آن به قرن دوازدهم برمی‌گردد. این نیز حاوی تصاویری به شکل نقاشیهای کوچک از چهره‌های کتاب مقدس است. این دست‌نوشته

دوران سلوکیه یا دوران «شمارش یونانیها» یا زمان سلطنت «اسکندر (کبیر)» داده می‌شود که در اکتبر ۳۱۲ قبل از مسیح آغاز می‌گردد، بنابراین به طور مثال سال ۷۷۱ در دوران سلوکیه مطابق است با اکتبر ۴۵۹ تا سپتامبر ۴۶۰ در دوران مسیحیت.

قدیمی‌ترین نسخه دست‌نوشته کتاب مقدس سریانی قسمتی کوچک از کتاب اشعیا است که در کتابخانه بریتانیا موجود می‌باشد، و در واقع تاریخ آن ۷۷۱ «برحسب شمارش یونانیها» است که مطابق با ۴۶۰-۴۵۹ بعد از میلاد می‌باشد. نسخه دیگری نیز در لندن وجود دارد حاوی کتب پیدایش و خروج که تاریخ آن ۴۶۴-۴۶۳ میلادی می‌باشد. قدیمی‌ترین نسخ موجود از عهد جدید پشیتا مربوط به اوائل قرن ششم است، البته دست‌نوشته‌های تاریخ‌گذاری نشده نیز موجود هستند که احتمالاً به قرن پنجم تعلق دارند.

تعداد محدودی از این نسخ در آن واحد حاوی بیش از یک نوع کتاب مقدس هستند، که به صورت ستونهای موازی ترتیب داده شده‌اند. بدین ترتیب یک قطعه از نسخه‌ای هم وجود دارد که در آن کتاب اشعیا پشیتا و «سیروهگزاپلا» در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند. این گونه نسخ واقعاً چند زبانه هستند و حاوی متون مشابهی در زبانهای مختلف می‌باشند. یکی از قدیمی‌ترین نسخ چند زبانه مربوط به مزامیر است که متعلق به قرن نهم می‌باشد و امروزه در لنینگراد است: در این نسخه متن یونانی و «سیروهگزاپلا» و متون عربی در سه ستون منظم قرار گرفته‌اند. گروهی از دست‌نوشته‌های قرن چهاردهم که در مصر نوشته شده بودند برای استفاده راهبان با زبانهای مختلف در مراسم نیایشی در صحرای نیتریان در نظر گرفته شده بودند. دو نسخه از اینها کتاب مزامیر هستند که قبل از قدیمی‌ترین نسخه چند ستونه مزامیر اروپائی به تاریخ ۱۵۱۶ تدوین شده: یکی از آنها دارای متنی تنظیم شده در پنج ستون است که حاوی زبانهای اتیوپی، سریانی (پشیتا)، قبطی، عربی و ارمنی می‌باشد. نسخه دیگر متن

باروخ، چهارم عزرا، عزرا، نحیمیا، اول تا چهارم مکابیان.

محتوا نیز دارای چندین شگفتی است، زیرا ما جزو اینها کتابهایی را می‌یابیم که توسط اکثر کلیساهای غربی به عنوان خارج از شریعت عهد عتیق محسوب می‌شوند. و در میان اینها کتابهایی هستند که حتی نمی‌توان آنها را در کتب به اصطلاح «تحریفی» یا کتب برحق متأخر یافت.

این موضوع مخصوصاً در مورد کتاب مکاشفه باروخ و کتاب چهارم عزرا بیش از سایرین صدق می‌کند، که هر دوی آنها کتب مکاشفه‌ای طولانی با منشأ یهودی هستند و قدمتشان به اواخر قرن اول میلادی باز می‌گردد. مجموعه «نسخه‌های خطی آمبروسیان» در واقع تنها دست نوشته سریانی است که حاوی فرم کامل این دو کتاب می‌باشد (بعضی قطعات منتخب از اینها در برخی مجموعه‌های متون منتخب یافت می‌شوند). این دو کتاب از یونانی به سریانی ترجمه شده‌اند، اما متن یونانی باقی‌مانده (به جز تکه پاره‌هایی از کتاب مکاشفه باروخ)، و در مورد چهارم عزرا ترجمه‌ای هم به زبان لاتین و هم به زبان گرجی وجود دارد، اما برای مکاشفه باروخ ما هیچ شاهی بجز این دست نوشته و ترجمه بعدی عربی آن در اختیار نداریم.

نظم کتب هم دارای شگفتیهایی است. در مرحله اول، می‌توانیم ببینیم که نویسنده در قسمت اعظم کتاب سعی نموده آنها را برحسب تقدم و تأخر تاریخی تنظیم کند، برحسب تاریخ نویسنده فرضی هر کتاب. این توضیح دهنده آن است که چرا مزامیر (منسوب به داود) می‌باید مابین کتاب سموئیل و کتاب پادشاهان قرار داده شود، و چرا کتب مختلف که به سلیمان نسبت داده شده‌اند بعد از کتاب پادشاهان می‌آیند. همچنین توضیح می‌دهد که چرا کتاب ایوب بلافاصله به دنبال کتب پنجگانه می‌آید، هنگامی که در نظر بگیریم که ایوب همان یوباب (پیدایش ۱۰: ۲۹) بوده است. احتمالاً همین سنت برای جامعه اسنیا در قمران نیز شناخته شده بوده، زیرا تنها دست نوشته کتاب مقدس از قمران که به خط

روابطی مهم با هندوستان دارد، زیرا زمانی در کرالا نگاهداری می‌شده. این دست نوشته در ناحیه بین النهرین شمالی نوشته شد و به هندوستان انتقال یافت، شاید زمانی در طی قرن هجدهم زیرا در سال ۱۸۰۶ دیونیسیوس اول، اسقف ارتدکس سریانی، آن را به دکتر بوکانان معاون رئیس کالج فورت ویلیام در کلکته هدیه کرد. دکتر بوکانان درباره چاپ کتاب مقدس سریانی در انگلستان با او صحبت کرده بود و این دلیل هدیه سخاوتمندانه دیونیسیوس قدیس به او بود. در واقع «کتاب مقدس بوکانان» (این دست نوشته به این نام شهرت یافت) برای آماده سازی نسخه چاپی مورد استفاده قرار گرفت و هنگامی که کار این چاپ به پایان رسید (در سال ۱۸۲۳) نسخه‌هایی از آن به کرالا ارسال شد و جدیداً (در سال ۱۹۷۹) توسط اتحادیه انجمنهای کتاب مقدس تجدید چاپ شده.

چنانچه محتوا و نظم کتب در این چهار نسخه کامل عهد عتیق را با هم مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که آنها در جنبه‌های مختلف چه در تعداد کتب محتوا و چه در نظمی که به آنها داده شده با هم متفاوت هستند. بنابراین آشکار است که محتوا و نظم کتب تثبیت شده. این نظریه در واقع چندان هم تعجب‌آور نیست اگر به یاد آوریم که دست نوشته‌های حاوی کتاب مقدس کامل استشنا بوده و به طور معمول یک نسخه کتاب مقدس فقط حاوی تعدادی از کتب (مثلاً کتب پنجگانه) در یک جلد بوده‌اند.

نظم کتب در قدیمی‌ترین این نسخه‌های کامل کتاب مقدس پشیتا، نسخه‌های خطی آمبروسیان، دارای ویژگیهای جالب توجهی است که نگاهی کوتاه به آنها ارزشمند است. نظم و محتوای آنها به این صورت است: کتب پنجگانه، ایوب، یوشع، داوران، اول و دوم سموئیل، مزامیر، اول و دوم پادشاهان، امثال، حکمت سلیمان، جامعه، غزل غزلها، اشعیا، ارمیا، مرثی ارمیا، نامه‌های ارمیا و باروخ، باروخ، حزقیال، ۱۲ پیامبر فرعی، دانیال، روت، استر، یهودیت، بن سیراخ، اول و دوم تواریخ، مکاشفه

قرن چهاردهم	۳	قرن پانزدهم	۶
قرن شانزدهم	۱۶	قرن هفدهم	۲۶
قرن هیجدهم	۱۷	قرن نوزدهم	۲۳

در مورد تعداد نسبتاً زیاد دست نوشته های اولیه ما مدیون حق شناسی نسبت به موسی، رئیس صومعه سریانی صحرای نیتریان (مابین قاهره و اسکندریه در مصر) هستیم زیرا در اوائل قرن دهم او کتابخانه ای نفیس از نسخ قدیمی سریانی که در بین النهرین به دست آورده بود ترتیب داد. بعدها بیشتر کتابهای این کتابخانه صومعه سریانی به کتابخانه واتیکان (در قرن هیجدهم) و به کتابخانه بریتانیا (در قرن نوزدهم) منتقل شد.

نسخ دست نوشته اولیه به پاراگرافهای بدون شماره تقسیم شده اند. مشکل بتوان کشف کرد که در بعضی از کتب حداقل (مخصوصاً در اشعیا) این پاراگرافها اغلب در همان جایی قطع می شوند که پاراگرافهای مشابه در دو نسخه عبری از کتاب اشعیا از قمران تمام شده است، هم چنین در آنهایی که دارای متن عبری سنتی هستند، و در نسخ چایی امروزی از کتاب مقدس عبری تکثیر شده اند (این دو سیستم یکسان نبوده، و پیشینا معرف سنت سوم و قدری متفاوت است). ظاهراً مترجم سریانی می باید تقسیم پاراگراف را از متن عبری که در حال ترجمه آن بوده برداشته باشد. نسخ بعدی پیشینا اغلب تقسیم بندی کاملاً متفاوتی از پاراگرافها دارند.

قدیمی ترین نسخه های دست نوشته هیچ گونه تقسیم بندی باب ندارند. تقسیم بندی کتابهای پیشینا از عهد عتیق به بابهای شماره گذاری شده برای اولین بار مستنداً در بعضی از نسخ سریانی شرقی از قرن هشتم دیده شده. بعدها این سیستم توسط نویسندگان سریانی غربی نیز مورد استفاده قرار گرفت. چند نسخه (همانند کتاب مقدس بوهران) دو سیستم همزمان شماره گذاری دارند که اولین آنها سیستم استاندارد، و دومین سیستم جمع بندی است که در سرتاسر عهد عتیق شروع و (یا در گروهی از کتب در

قدیمی عبری نوشته شده حاوی کتب پنجگانه موسی و ایوب است. این نوشتار آشکارا مختص کتبی بوده که در دوران پاتریارکها نوشته شده. این وضعیت برای ایوب در نسخه های انجیل سریانی عادی است (به همین جهت این موضوع در کتاب مقدس کامل پیشینا در کمبریج، و نیز در پاریس، به دنبال کتب پنجگانه موسی آمده).

می باید توجه شود که در «نسخه های خطی آمبروسیان» تمام کتب درباره زنان (روت، سوسانا، استر، جودیت) جمع آوری شده. از قرن ششم به بعد این عادت رایج بوده، و به این گروه از کتب اغلب عنوان 'کتاب زنان' داده شده است.

نسخ سریانی شرقی از قرن نهم به بعد به طور کلی حاوی تعدادی از کتب هستند که تحت عنوان Beth Mawtbe یا "Sessions" شناخته می شوند (دلیل این نامگذاری مشخص نیست)، و عبارتند از: یوشع، داوران، سموئیل، پادشاهان، امثال، جامعه، روت، غزل غزلهای، بن سیراخ و ایوب.

جالب خواهد بود اگر ایده ای درباره تعداد دست نوشته های که حاوی قسمت‌هایی از عهد عتیق پیشینا است داشته باشیم. در لیست ذیل، که بر حسب قدمت تنظیم شده، مهم است به یاد داشته باشیم که: (۱) قدمت نسخ سریانی اغلب مشخص نیست (فقط بعضی از نسخ کتاب مقدس در صفحه آخر حاوی تاریخ هستند) (۲) این نسخ دست نوشته اکثراً حاوی یک گروه از کتب در یک جلد می باشند (و گاهی حتی فقط یک کتاب).

تعداد نسخه های خطی عهدعتیق پیشینادر قرون مختلف به شرح زیر است:

قرن ششم	۲۷ نسخه	(اغلب فقط یک کتاب و اکثراً ناقص)
قرن هفتم	۳۲	(همانند بالا)
قرن هشتم	۱۰	قرن نهم ۱۲
قرن دهم	۲۳	قرن یازدهم ۵
قرن دوازدهم	۹	قرن سیزدهم ۷

[۳] - مرحله سوم توسط نسخی از قرن نهم و بعد از آن به ما ارائه می‌گردد، و اغلب به عنوان «تکستوس رسپتوس» (Textus Receptus) یا «متن دریافت شده» به آن اشاره می‌شود. تفاوت مابین «تکستوس رسپتوس» و متن مرحله دوم چندان زیاد نیست (در تمام کتاب اشعیا حدود ۵۰ مورد وجود دارد)، و از اهمیت چندان بر خوردار نمی‌باشد. چگونه و چرا این تکامل روی داد مشخص نیست - آیا این روندی تدریجی بوده و در ادامه آن نوع تغییرات که مابین مراحل اول و دوم روی داده بود، یا حاصل بازنگری آگاهانه توسط شخصی بخصوص (اگر این طور است او تحت چه شرایطی کار کرده)؟

در ذیل چند نمونه از تفاوت‌های مابین مراحل دوم و سوم که از کتاب اشعیا برداشت شده ارائه می‌شود:

اشعیا ۱۳:۱۸ «چشمان آنها بر فرزندان نشان ترحم نخواهند داشت». در «تکستوس رسپتوس» آمده «فرزندان شما».

اشعیا ۵۱:۱۸ «هیچ کس وجود ندارد که دست او را بگیرد». در «تکستوس رسپتوس» نیز اضافه شده «و او را بر خیزاند».

اشعیا ۶۶:۲۱ «و من همین از آنها کاهنان و لاویان خواهم گرفت». در «تکستوس رسپتوس» حرف «و» حذف شده.

بیشتر این کلمات فرعی هستند و به متن وارد شده اند تا خواندن آن را روان تر نمایند.

نسخه پارسی از کتاب مقدس پیشینای کامل در این رابطه قابل توجه است، زیرا متن کپی شده توسط نویسندۀ اصلی به مرحله دوم تعلق داشته اما در زمانی دیرتر شخصی قدم پیش نهاده و متن را به طور سیستماتیک تغییر داده با این هدف که آن را با متن «تکستوس رسپتوس» (مرحله سوم) هماهنگ سازد.

[۴] - در اواخر قرون وسطی خود «تکستوس رسپتوس» دستخوش

درون عهد عتیق) ادامه می‌یابد. می‌باید توجه کرد که این تقسیم بندی بابها بسیار به ندرت با تقسیم بندی بابها که ما از ترجمه های امروزی کتاب مقدس با آنها آشنا هستیم منطبق می‌شود (برای منشاء آنها به بخش اول مراجعه شود).

نهایتاً قبل از ترک عهد عتیق پیشینا، می‌باید نگاهی به شیوه انتقال متن در طی قرون متمادی بیفکنیم. به طور کلی می‌توانیم بگوئیم که نویسندگان سریانی در کپی برداری از متن کتاب مقدس بسیار دقیق بوده اند. در نتیجه ما به طور تعجب آوری مابین نسخ دست نوشته تفاوت‌های بسیار جزئی پیدا می‌کنیم (وضعیت در مورد ترجمه هفتاد تنان متفاوت است، زیرا در آنجا تغییرات زیادی اتفاق می‌افتد)، علاوه بر این، هر جا که تغییراتی اتفاق می‌افتد، به ندرت عواقبی در بر دارد. به هر حال متن پیشینا در طی قرون کاملاً یکنواخت نمانده، و مطالعات جدید نشان می‌دهند که به طور کلی طرح تکامل متن پیشینا برای هر کتاب در طی تاریخ به شرح ذیل بوده است: [۱] - قدیمی ترین مرحله. شهود بسیار اندکی برای این مرحله باقی مانده، و اغلب اینها نسخی هستند که مسائل خاصی را به وجود آورده اند. به نظر محتمل می‌رسد که متن پیشینا در این مرحله به اصل عبری نزدیکتر بوده تا متونی در مرحله بعدی. اگر ما نسخ دست نویس بیشتری داشتیم که قدمت آنها به قرن پنجم میلادی می‌رسید احتمالاً در وضعیت بهتری بودیم و می‌توانستیم بیشتر از این مرحله باستانی اطلاعات به دست آوریم.

[۲] - مرحله بعدی توسط نسخ دست نوشته از قرون ششم یا هشتم معرفی شده اند. از آنجا که ما با نسخ مربوط به این زمان نسبتاً خوب تأمین شده ایم، این مرحله معرف قدیمی ترین مرحله است در تاریخ متن پیشینا که می‌توانیم به دست آوریم. تفاوت مابین این مرحله و قدیمی ترین مرحله (که چندان قابل دست یابی نیست) احتمالاً نتیجه تلاشهایی است که برای روان ساختن ترجمه اصلی در این جا و آن جا با توجه به لهجه خوب سریانی انجام گردیده.

عهد عتیق بود به دست آورد اما متأسفانه این نسخه گرانها بعدها ناپدید شد و حدس زده می شود که از بین رفته است. در نسخه آمبروسیان از «سیروهگزاپلا» سیستم شماره گذاری بابها کاملاً با آنچه که در نسخ پیشینا می بینیم تفاوت دارد، این شماره گذاری از یکی از سیستمهای رایج شماره گذاری یونانی مشتق گردیده، و از نام یونانی *Kephalaion* «فصل یا باب (تحت اللفظی «سرتیتر»)) در آن استفاده شده. تعجب آور است که یک نویسنده بعدی این سیستم شماره گذاری را در حاشیه یک نسخه مشهور پیشینا، کتاب مقدس کامل، وارد نموده که هم اینک در کتابخانه میلان است.

ما در این جا از دو ترجمه دیگر از عهد عتیق که از یونانی انجام گرفته می گذریم، یکی از آنها احتمالاً با همیاری فیلوگونوس و دیگری توسط یعقوب اهل ادسا در زمان کهولت او انجام شده. که هر دو به صورت تکه پاره هائی در نسخ قدیمی باقی مانده اند.

عهد جدید الف: دیاتسرون

هیچ دست نوشته ای از دیاتسرون سریانی باقی نمانده، و متن آن را می باید از نقل قولهای از دیاتسرون در تفسیرهای اپرم درباره دیاتسرون ادغام شده بازسازی کرد (که خود آن هم به طور کامل به سریانی باقی نمانده).

عهد جدید ب: سریانی قدیمی

ما تا به حال دو نسخه دست نوشته از سریانی قدیمی مربوط به قرن پنجم را ملاحظه کرده ایم، *Curetonian* و *Sinaiticus*. ولی هیچکدام از اینها به طور کامل حفظ نشده اند.

نسخه *Curetonian* از صومعه سریانی در صحرای نیتریان به دست آمده، و فقط چند سال قبل یک برگ مفقود شده از این دست نوشته (که

تغییراتی گردید که اکثراً جزئی بودند (احتمالاً به دلیل بی ملاحظگی نویسندگان). بدین دلیل بود که اولین نسخ چاپی کتاب مقدس سریانی از دست نوشته های جدیدتر استفاده کرد، و بدین جهت متن آنها معرف جدیدترین مرحله در تکامل متن پیشینا هستند.

عهد عتیق ب: «سیروهگزاپلا»

با وجودی که چندین دست نوشته اولیه از قسمتهائی از «سیروهگزاپلا» بجای مانده، اما اینها تمام عهد عتیق را حتی به کمک هم ارائه نمی دهند. دو نسخه قدیمی تر «سیروهگزاپلا» (قسمتهائی از کتاب پیدایش، و کتاب خروج) که هر دو در قرن هفتم نوشته شده اند، بدین ترتیب کمتر از حدود هشتاد سال با تاریخ ترجمه اصلی پولس فاصله داشته اند. بعضی از نسخه های «سیروهگزاپلا» حاوی فقط یک کتاب واحد می باشند، درحالی که نسخه های دیگر مشتمل بر گروهی از کتب هستند.

مشهورترین نسخه «سیروهگزاپلا» دست نوشته ای قطور است که کتب نیمه دوم عهد عتیق را شامل می شود و در کتابخانه آمبروسیان در میلان قرار دارد که قدمت آن را به اواخر قرن هشتم یا اوائل قرن نهم نسبت می دهند، و از آن جا که «سیروهگزاپلا» از یونانی ترجمه شده، نظم کتب مقدسه همانی است که در بسیاری از نسخ ترجمه هفتاد تنان یافت می شود، یعنی مزامیر، ایوب، امثال، جامعه، غزل غزلهها، حکمت سلیمان، بن سیراخ، دوازده پیامبر کوچک، ارمیا، باروخ، مراثی ارمیا، نامه ارمیا، دانیال، سوسن، بل و ازدها، حزقیال و اشعیا. دست نوشته ها با خط زیبای استرانگلو نوشته شده، و در حاشیه کتاب یادداشتهای زیادی دیده می شود، که معمولاً ارائه دهند نوشته های متفاوتی است که از سایر ستونهای هگزاپلا اوربجن گرفته شده. در قرن شانزدهم یک محقق سریانی توانست نسخه قطور دیگری از «سیروهگزاپلا» را که حاوی نیمه اول کتب

از قدیمی ترین نسخ تاریخ دار دست نوشته ای است حاوی رسالات پولس. شاید مشهورترین نسخه از عهد جدید پشیتای باستانی، دست نوشته ای از انجیل باشد که تاریخ ۵۸۶ میلادی را دارد، و در کتابخانه Laurentian در فلورانس است. این نسخه حاوی نقاشیهای جالب توجهی است که توسط راهبی به نام رابولا ترسیم گردیده (بدین سبب این نسخه را اغلب انجیل رابولا می نامند، البته این رابولا نباید با رابولا، اسقف ادسا، اشتباه شود). سه رساله کاتولیک (یعقوب، اول پطرس، اول یوحنا) معمولاً مابین اعمال و رسالات پولس قرار می گیرند. نظم رسالات پولس به همان ترتیب است که در نظم یونانی در ترجمه های جدید برای ما آشنا می باشد. گاهی اوقات یادداشتهای تاریخی کوتاهی در انتهای هر انجیل و رساله پولس قرار داده شده اند، مثلاً: «موعظه مرقس تمام شد، که او به زبان لاتین در روم ادا کرده بود» یا «تمام شد نامه به رومیان، که از قرنس به دست Phoebe شماس نوشته شده است» چنین یادداشتهائی باوجودی که از نظر تاریخی قابل اعتماد نیستند، جالب توجه می باشند زیرا نشان دهنده این هستند که در قرن ششم چه نظریاتی رواج داشته.

همان گونه که در مورد عهد عتیق پشیتا بود، تغییرات اندکی در متن مابین نسخه های مختلف عهد جدید پشیتا دیده می شود. فقط در معدودی از نسخ دست نوشته انجیل آثاری از نمونه قدیمی تر سریانی قدیم یافت می شود. یکی از چند تغییر مهم در عبرانیان ۲: ۹ است که در مرحله قبلی به آن اشاره شد.

عهد جدید د: فیلوگزنیان

در گذشته محققین گاهی تلاش کرده اند تا نسخه های خاصی را به عنوان نسخه های نوع فیلوگزنیان شناسائی کنند، اما این تلاشها گمراه کننده بوده و امروزه آشکار گردیده که هیچ نسخه ای از نمونه فیلوگزنیان

اینک در کتابخانه لندن است) در میان دست نوشته های سریانی که هنوز هم در صومعه بود یافت شد (سه برگ دیگر در برلین پیدا شدند). اناجیل با نظمی غیر معمول مرتب شده اند، متی، مرقس، یوحنا، لوقا.

نسخه Sinaiticus. (از صومعه کاترین قدیس در سینا)، در سال ۱۸۹۲ توسط خانم آگنس اسمیت لویس، اسکاتلندی اهل مطالعه، که کشفیات فراوانی درباره دست نوشته های کتاب مقدس و سایر موضوعات در خاور میانه در طی سفرهایی که با خواهر دوقولوی خود به این مناطق انجام داده بود، کشف گردید. نسخه اصلی حاوی متن اناجیل سریانی قدیمی توسط شخصی به نام یوحنا زاهد در سال ۷۷۹ میلادی بار دیگر درآمده، نوشته ها با اسفنج پاک شده و از اوراق مجدداً برای تشکیل استفاده شده بود Codex جدیدی که متنی کاملاً متفاوت داشت (زندگی بعضی از زنان قدیسه) استفاده شده بود. بدین سبب نسخه ای که ما امروز می شناسیم دست نوشته ای است که نوشته های آن پاک گردیده و دوباره نوشته اند. با متن سریانی قدیمی بعنوان نوشته محو شده. خوشبختانه مقدار زیادی از نوشته های اولیه هنوز از زیر نوشته های جدید نمایان است، و به شکرانه صبر و حوصله زیاد، بالأخره این امکان چاپ قسمت بزرگی از این نوشته های محو شده حاوی سریانی قدیمی به دست آمده. و این امیدواری وجود دارد که به کمک تکنیکهای مدرن برای خواندن این گونه نوشته ها در آینده ای نه چندان دور محققین بتوانند مقدار بیشتری از این متن را که اهمیت چندانی برای مطالعات انجیلی ندارد بخوانند.

عهد جدید ج: پشیتا

تعداد زیادی از نسخ مربوط به قرن ششم (و تعداد اندکی نیز مربوط به قرن پنجم) تا به امروز باقی مانده اند. به طور معمول اینها حاوی فقط اناجیل هستند (و اکثراً به صورت تکه پاره هائی باقی مانده اند) اما یکی

انجیلی حاوی قسمت‌های مربوطه از کتاب مقدس مورد استفاده قرار می‌گرفت. در قرن ششم بعضی از دست‌نوشته‌های کتاب مقدس با کمک سرتیترها (بعضی مواقع به رنگ قرمز) که در ابتدای پاراگرافها در اعیاد بخصوص خوانده می‌شد به یافتن قطعات منتخب کمک می‌نمودند. گاهی اوقات لیست قرائتها در طی سال نیایشی جمع‌آوری و تدوین می‌شد، اما این لیست شامل متن قرائتهای منتخبه نبود. یک ضمیمه قرن ششم از قطعات منتخب از این نوع در کتابخانه بریتانیا باقی مانده است. عادت ترکیب کردن سرتیتر قرائت منتخبه در نقاط مناسب در نسخه‌های عادی کتاب مقدس در قرن هفتم و هشتم و حتی بعد از پذیرفتن این ایده که کتابهای جداگانه‌ای برای این منظور تهیه شود که فقط حاوی قرائتهای منتخبه بوده و در نظم نیایشی آنها تنظیم گردیده باشد، ادامه یافت.

معلوم نیست که ایده داشتن نسخه‌ای برای قرائتهای منتخبه مخصوص چه زمانی برای اولین بار مطرح شد. قدیمی‌ترین نسخ قرائتهای منتخبه یونانی (تماماً به صورت تکه پاره) به نظر می‌رسد که متعلق به قرن پنجم باشد اما این ایده تا چند قرن بعد محبوبیت چندانی نیافت. به طور مسلم در کلیساهای سریانی هیچ دست‌نوشته‌ای از قطعات منتخبه به زبان سریانی به تاریخ قبل از قرن نهم وجود ندارد. البته ممکن است که دست‌نوشته‌های قدیمی‌تر زمانی موجود بوده و به سادگی از بین رفته باشند زیرا آنها بیشتر از نسخی از کتاب مقدس معمولی کهنه و فرسوده می‌شدند، این فرضیه احتمالاً می‌باید به دو دلیل مردود شناخته شود: (۱) چون دست‌نوشته‌های کتاب مقدس از قرن ششم و هفتم به بعد همراه با سرتیترهای قرائتهای منتخبه ارائه می‌شد، آنها نیز دچار مشکل کهنگی و فرسودگی بوده‌اند. (۲) ما ناگهان با تعداد انبوهی از نسخ قرائتهای منتخبه مربوط به قرن نهم به بعد روبه‌رو می‌شویم، که متعلق به هر سه کلیسا هستند و با استفاده از زبان سریانی تهیه شده‌اند. این کلیساهای شامل ارتدکس سریانی، کلیسای

باقی نمانده است، احتمالاً به استثنای آنهایی که حاوی ترجمه قرن ششم کتب غائب از مجموعه قوانین پشیتا هستند. بنابراین تنها دسترسی مستقیم ما به فیلوگزنیان توسط نقل قولهایی است که از آن انجام شده و می‌توان آنها را در تفسیرها و کارهای دیگر فیلوگزنیان پیدا کرد. ترجمه قرن ششم از چهار رساله کاتولیک غائب در پشیتا (دوم پطرس، دوم و سوم یوحنا، یهودا) در تعداد نسبتاً کمی از دست‌نوشته‌ها حفظ شده که قدیمی‌ترین آنها تاریخ ۸۲۳ میلادی دارد. بسیاری از این نسخه‌ها حاوی بقیه عهد جدید به نمونه پشیتا هستند (این به طور مثال، در مورد انجیل بوکانان صدق می‌کند). برای مکاشفه، به هر حال ترجمه قرن ششم در یک نسخه حفظ گردیده که تاریخ آن به قرن دوازدهم یا سیزدهم برمی‌گردد. همان طور که قبلاً اشاره شد، مشخص نیست که آیا این ترجمه‌های مجهول را می‌توان به عنوان قسمتی از عهد جدید فیلوگزنیان شناسائی کرد یا نه.

عهد جدید ه: هارکلین

قسمت اعظم نسخه‌های نوع هارکلین حاوی فقط انجیل می‌باشند. بسیاری از اینها به قرون هشتم یا نهم تعلق دارند. برای بقیه عهد جدید ما برعکس در وضعیت چندان مطلوبی نیستیم. برای مکاشفه معدودی دست‌نوشته موجود است، اما فقط دو نسخه (اکسفورد، نیوکالج ۳۳۳، از قرن یازدهم و کمبریج) به طور قطع به عنوان حاوی متن اعمال و رسالات نمونه هارکلین شناخته شده‌اند.

۲- قرائتهای منتخب از کتاب مقدس

از ابتدای آغاز موجودیت کلیسا کتاب مقدس در چارچوب مراسم پرستشی خوانده می‌شده (در ابتدا، و قبل از این که عهد جدید نوشته شده به وجود آید فقط عهد عتیق بود). در قرون اولیه زندگی کلیسائی نسخ

سریانی مدتها به محققین مختلف تعلیم داده بود، او را همراهی می‌کرد. متن این نسخه چاپی به دفعات و گاه نیز با حروف عبری به چاپ رسید. قدیمی‌ترین نسخه‌های چاپی عهد عتیق پیشیتا از مزامیر بودند، و اولین چاپ توسط شخصی به نام مارتین تروستیوس در سال ۱۶۲۲ آماده گشت و اندکی بعد از آن دو چاپ دیگر که هر دو در سال ۱۶۲۵ یکی در لیدن توسط توماس ارپنیوس و دیگری در پاریس توسط دانشمند مارونی گابریل سیونیتا تهیه گردیدند.

دو متن بعدی کتاب مقدس چاپی از پیشیتا نبودند بلکه از نسخه‌ای جدیدتر از آن. در سال ۱۶۲۷ لوئی دو دیو مکاشفه‌ها رکلین (در لیدن)، و در سال ۱۶۳۰ ادوارد پوکودی چهار رساله فرعی کاتولیک را که در پیشیتا حضور ندارند به چاپ رسانیدند (در آکسفورد). نسخه متن قرن ششم از نویسنده‌ای گمنام بود که ترجیحاً به جای هارکلین در ادبیات بعدی درباره نسخه‌های سریانی به آنها اغلب به عنوان رسالات پوکوک اشاره شده است. هیچ کدام از این متون البته در نسخه چاپی عهد جدید پیشیتا ترجمه ویدمانستتر حضور ندارد، و غیبت آنها محققین اروپائی را حیرت زده کرد. عهد عتیق کامل پیشیتا ابتدا در جلد‌های ۶ تا ۹ سری بزرگ «کتاب مقدس چندزبانه پاریس» به تاریخ ۱۶۴۵ به چاپ رسید. کتاب مقدس چندزبانه پاریس عهد جدید سریانی را نیز شامل بود که با افزودن رسالات پوکوک و مکاشفه هارکلین متن پیشیتا را تکمیل می‌نمود.

متن سریانی کتاب مقدس چندزبانه پاریس همانند پایه‌ای برای چاپ بعدی کتاب مقدس پیشیتا در کتاب مقدس چندزبانه لندن تألیف بریان والتون عمل می‌کرد (۷-۱۶۵۵).

در هر دو کتاب مقدس چندزبانه متن سریانی با ترجمه لاتین همراه می‌باشد. متن آنها چندان مطلوب نیست زیرا در نگارش آنها از آخرین

شرق، و ارتدکس بیزانس (ملکیت) در سوریه و فلسطین می‌باشند. بنابراین احتمالاً عادت جمع‌آوری قرائت‌های منتخبه در یک نسخه مخصوص تمام کلیساهای سریانی، در زمانی حدود سال ۸۰۰ میلادی رواج یافت. چون در مراحل مختلف در مراسم نیایشی قسمت‌هایی مختلف از کتاب مقدس خوانده می‌شد، چنین مرسوم گشت که دست‌نوشته‌هایی مخصوص برای قرائت‌های منتخبه از عهد عتیق جهت قرائت‌های انجیل و قرائت‌های منتخب از اعمال و رسالات تهیه شود. متنی که در قرائت منتخبه خوانده می‌شد معمولاً از پیشیتا بود، اما در کلیسای ارتدکس سریانی گاهی نیز از «سیره‌گزاپلا» و هارکلین استفاده می‌شد. به طور خاص، نسخه‌هایی از قرائت‌های منتخبه از انجیل هارکلین تا به امروز باقی مانده‌اند. در بعضی نسخه‌های قرائت منتخبه انجیل یک هماهنگی در مورد شرح درد و رنج مسیح بر صلیب بر اساس متن هارکلین به وجود آمده است. دو شرح متفاوت از تسلسل وقایع تصدیق گردیده که یکی از اینها با نام کشیش ماردانیال و شاگرد او اسحاق در ارتباط می‌باشد.

به نظر می‌رسد که اختلاف زیادی در تخصیص دادن و تنظیم قرائت‌های منتخبه وجود داشته، نه فقط مابین کلیساهای مختلف سریانی بلکه همچنین درون هر کدام از این کلیساها. در کلیسای شرق دو سیستم خاص در زمان مناسب بر اوضاع حاکم شد: یکی سیستم قرائت منتخب "جامع" در کلیسای پاتریارکی که سابقاً در سلوکیه - تیسفون بود، و دیگری گروه قرائتی صومعه‌ای که در دیر علیا در موصل تشکیل یافته بود.

۳- نسخه‌های چاپی

اولین نسخه چاپی عهد جدید سریانی توسط یوهان ویدمانستتر در سال ۱۵۵۵ در وین منتشر شد. در فعالیت برای آماده‌سازی چاپ یک کشیش ارتدکس سریانی به نام موسی اهل ماردین، که در اروپا به عنوان معلم زبان

ترجمه سریانی امروزی بیشتر از عبری ترجمه شده تا از پشیتا) و دارای ستونهای موازی است. چاپ ارومیه اساسی برای چاپ دیگر با استفاده از خط سریانی شرقی بود، که توسط انجمن کتاب مقدس تثلیثی در نیویورک (۱۹۱۳) منتشر و بعد از آن بارها تجدید چاپ شد. هر دو این چاپها از نظم کتب در اغلب ترجمه های انگلیسی پیروی می کنند.

چاپ دیگر پشیتا با استفاده از دست نوشته های سریانی شرقی (حاوی عهد جدید) توسط پدران دومینیکن در سالهای ۱۸۹۲-۱۸۸۷ در موصل (در سه جلد) منتشر شد. این نسخه توسط کلمنت ژوزف دیوید، سراسقف کاتولیک سریانی دمشق، و جورج عبدیشو خیات، سراسقف کلدانی «عمید» (دیاربکر)، آماده چاپ شده بود. نظم کتب عهد عتیق همان است که در چاپ ارومیه بوده اما در میان آنها کتب به اصطلاح برحق متأخر (که در کتاب مقدس پروتستانها غائب هستند)، همانند حکمت سلیمان و بن سیراخ (مابین غزل غزلها و اشعیا) قرار داده شد. عهد جدید این چاپ از نظم یونانی استاندارد پیروی می کند، برای کتبی که در پشیتا حضور ندارند از رسالات پوکوک و مکاشفه هارکلین استفاده شده است. چاپ پشیتا در بیروت (۱۹۵۲) عمدتاً بر پایه چاپ موصل قرار دارد. تمام چاپهایی که تاکنون ذکر شده بر مبنای دست نوشته های جدید و اغلب نه چندان مطلوب انجام گرفته. برای بسیاری از اهداف این مسئله شاید چندان مهم نباشد، اما برای اهداف تحقیقاتی آشکار است که می باید متنی قابل اعتمادتر از پشیتای موجود در اختیار داشت، که بر پایه قدیمی ترین دست نوشته ها تنظیم گردیده باشد. این موضوع اهمیت دارد زیرا به عنوان مثال اگر کسی بخواهد عهد عتیق پشیتا را مطالعه نماید ترجمه عبری را انتخاب می کند.

در قرن اخیر تلاشهای بسیاری از طرف محققین صورت گرفت تا نسخه های بهتری از کتاب مقدس سریانی را منتشر کنند. در ذیل به برخی

دست نوشته ها (همگی سریانی غربی) به عنوان پایه استفاده شده بود. چاپ بعدی و مهم کتاب مقدس سریانی توسط ساموئل لی آماده شد و در سال ۱۸۲۳ در لندن منتشر گردید. باوجودی که قسمت اعظم متن از کتاب مقدس چند زبانه والتون برداشت شده، از کتاب مقدس بوکانان نیز در آماده سازی این چاپ پرنفوذ استفاده شده است. متن عهد عتیق بدون تلفظ و عهد جدید تلفظ دار است. محتوای عهد عتیق تحت تأثیر محتوای کتاب مقدس کینگ جیمز بود (کتب تحریفی غائب می باشند)، گرچه نظم کتب تا حدودی از طرحی که در نسخه های دست نوشته پشیتا یافت می شود پیروی می نماید: بدین جهت به طور مثال ایوب مابین تثنیه و یوشع قرار می گیرد. در عهد جدید، به هرحال نظم استاندارد متن یونانی (و ترجمه های جدید) رعایت شده است، به این معنی که رسالات پولس بلافاصله بعد از کتاب اعمال می آید. برای کتبی که در پشیتا غائب هستند از رسالات پوکوک و مکاشفه هارکلین استفاده شده است. یک مشخصه جالب در این چاپ عهد جدید حضور تیتیر قرائتهای منتخبه بسیاری است که از یکی از دست نوشته ها که لی مورد استفاده قرار می داده برداشت شده.

نسخه چاپی لی بار دیگر توسط اتحادیه انجمنهای کتاب مقدس به صورت گسترده و با پیشگفتاری کوتاه توسط پاتریارک ارتدکس سریانی به نام ایگناتیوس یعقوب سوم به چاپ رسید (۱۹۷۹). موضوعات اضافه شده متن کتب برحق متأخر تحت عنوان «کتب تحریفی» می باشند، که از دست نوشته Serto به چاپ رسیده و کتب زیر را شامل می شوند: حکمت سلیمان، بن سیراخ، دو نامه از باروخ، نامه ارمیا، اول و دوم مکابیان، طویبا، یهودیت، اضافاتی بر استر و سوسن.

اولین نسخه چاپی پشیتا بر مبنای، حداقل تا حدودی، دست نوشته های سریانی شرقی قرار دارد و در ارومیه (شمال شرقی ایران) در سال ۱۸۵۲ توسط انجمن بشارتی پروتستان آمریکائی منتشر گردید. این نسخه به

در ذیل متن اطلاعات مکملی وجود دارد که به تمام انواعی که در نسخ خطی قبل از سال ۱۳۰۰ می‌توان یافت اشاره نموده (اشتباهات آشکار و اختلافات مربوط به دستور زبان در آن‌جا منظور نگردیده، اما در معرفی نامه قبل از هر جلد به آنها اشاره شده و هر جا که از نسخه‌های خطی استفاده گردیده تذکر داده شده). چاپهای قبل از سال ۱۹۷۷ به اختلافات در نسخ جدیدتر اشاره کرده‌اند، اهمیت چاپ لیدن در این واقعیت است که برای اولین بار اطلاعاتی دربارهٔ قدیمی‌ترین فرمهای متن پشیتا می‌دهد.

ب: عهد جدید (پشیتا)

– برای اناجیل پشیتا یک چاپ (با ترجمهٔ لاتین) براساس دست نوشته‌های قدیمی فراوان توسط P.E. Pusey آماده گردید و در سال ۱۹۰۱ به چاپ رسید. هدف آن بود که بقیهٔ عهد جدید در آن گنج‌انیده شود اما این هدف هرگز عملی نشد. متن مقدماتی برای این چاپ به هر حال، بدون قرائت‌های مشابه توسط «انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل» در سال ۱۹۲۰ به چاپ رسید. این چاپ از عهد جدید پشیتا، که در خط با حروف صدا دار چاپ شده، مطمئن‌ترین نسخهٔ موجود به شمار می‌رود و به دفعات تجدید چاپ شده است. از ترتیب سریانی کتب پیروی شده یعنی کتب یعقوب، اول پطرس و اول یوحنا بعد از کتاب اعمال قرار گرفته‌اند. از ترجمهٔ گمنام قرن ششم در مورد رسالات فرعی کاتولیک (رساله‌های پوکوک) و کتاب مکاشفه در این راه استفاده شده، زیرا اینها در نسخهٔ پشیتا حضور ندارند. برای آیه‌های خاص که در پشیتا موجود نیستند (مخصوصاً یوحنا ۵۳:۷ - ۱۱:۸)، یک ترجمه جدید ما بین [] قرار داده شده است. علاوه بر شماره‌های بابها و آیات به شیوهٔ معمول در غرب، شمارهٔ قسمت‌های بومی سریانی در حاشیه آمده (که به ندرت با تقسیم بندی بابها در غرب مطابقت دارند).

از مهمترین چاپها اشاره شده:

الف: عهد عتیق (پشیتا)

– ابتدا در سال ۱۸۷۶ متن عهد عتیق از نسخهٔ معروف آمبروسیان به صورت عکس برداری از آنها به چاپ رسید، کار این چاپ در سال ۱۸۸۳ به پایان رسید و برای اولین بار متن قدیمی‌ترین دست نوشتهٔ باقی مانده از عهد عتیق کامل پشیتا در دسترس قرار گرفت.

– محققین گوناگون نسخه‌های چاپی کتب جداگانه از عهد عتیق پشیتا را، بر اساس قدیمی‌ترین نسخهٔ دست نوشتهٔ موجود آماده ساخته‌اند. این نسخ چاپی شامل کتب پنجگانه، مزامیر، اشعیا، مراثی ارمیا، تواریخ، کتب تحریفی، و حکمت سلیمان می‌باشند.

– در دههٔ ۱۹۵۰ سازمانی بین‌المللی برای مطالعهٔ عهد عتیق شروع به برنامه‌ریزی برای یک چاپ دقیق از عهد عتیق پشیتا نمود، و در سال ۱۹۵۹ پرفسور بوئر از دانشگاه لیدن در هلند را به سردبیری منصوب نمود. در سال ۱۹۶۱ انستییوی جدید پشیتا در لیدن لیستی مقدماتی حاوی نسخ عهد عتیق پشیتا منتشر ساخت. پنج سال بعد، در سال ۱۹۶۶ یک چاپ آزمایشی حاوی کتب غزل‌ها، طوبیا و مکاشفهٔ باروخ به چاپ رسید. در طی سالهای بعد نیز چاپهای ذیل انجام گردیده است.

پیدایش و خروج، داوران و سموئیل، مزامیر، پادشاهان، امثال، حکمت سلیمان، جامعه، غزل غزلها، اشعیا، ایوب، حزقیال، دوازده پیامبر، دانیال، بل (یکی از خدایان بابل) و اژدها، مکاشفهٔ باروخ، سرودهای روحانی یا مزامیر، نیایش منسی، مزامیر تحریفی، مزامیر سلیمان، طوبیا، استر.

این امید وجود دارد که نسخهٔ چاپی زمانی در طی دههٔ ۱۹۹۰ به اتمام برسد. از نسخهٔ استرانگلو در تمام کتاب استفاده شده. متن چاپ شده عمدتاً از نسخهٔ آمبروسیان است اما اشتباهات آشکار آن اصلاح گردیده.

– مجموعه متون جدید «سیروهگزاپلا»، (با پیشگفتاری با ارزش درباره تاریخچه چاپهای قبلی).

– چاپ عکسبرداری شده نسخه «سیروهگزاپلا» از کتب پنجگانه. تنها نسخه از عهد جدید هارکلین مدتها قبل توسط وایت به چاپ رسیده است (اناجیل ۱۷۷۸، اعمال و رسالات ۱۷۹۹، ۱۸۰۳). به این چاپ تیترا گمراه کننده *Versio Syriaca Philoxeniana* داده شده بود، امروزه به هر حال، معلوم شده که متن چاپ وایت از نسخه هارکلین است و نه فیلوگزنیان. قسمت آخر نسخه وایت مفقود گردیده و بدین سبب این نسخه با عبرانیان ۱۱:۲۷ خاتمه می یابد. متن هارکلین از مکاشفه، که برای اولین بار توسط لویی دیو در سال ۱۶۲۷ منتشر شد در نسخ بعدی عهد جدید سریانی که در قرون هیجدهم و نوزدهم چاپ شده اند یافت می شود. هم چنین نسخه ای جداگانه از متن هارکلین از یوحنا قدیس وجود دارد.

د: ابزار و وسائل

هیچ کنکوردانس (هماهنگی) برای کتاب مقدس سریانی در دسترس نیست. برای کتب مختلف عهد عتیق پیشیتا چندین کنکوردانس موجود است که براساس برخی نسخ چاپی قدیمی تر تهیه شده اند.

یک کنکوردانس برای عهد جدید پیشیتا توسط A. Bonus تهیه شده اما هرگز به چاپ نرسیده است. آن به اصطلاح کنکوردانس برای نسخه آرامی عهد جدید پیشیتا در واقع کنکوردانس نیست بلکه لیست کلمات می باشد.

۴- ترجمه ها

پشیتا در طی تاریخ به زبانهای مختلف ترجمه شده، بسیاری از این ترجمه ها قدیمی هستند، همانند ترجمه ها به زبان فارسی و سغدی (قطعاتی باقی مانده). بسیاری از ترجمه ها از قسمتهای مختلف پیشیتا به زبان عبری در قرون وسطی صورت گرفته و شخص گاهی (مخصوصاً در نسخ قرائتهای

– در سال ۱۹۸۳ مؤسسه آمریکایی نسخه ای به نام «عهد جدید آرامی» با خط استرانگلو، براساس پیشیتا و نسخه هارکلین به چاپ رسانید. متن پیشیتا از سه نسخه قدیمی در کتابخانه بریتانیا برداشت شده، اما در مورد کتابهایی که در پیشیتا غائب هستند، از متن چاپی دست نوشته های گمنام قرن ششم استفاده شده (در صفحه عنوان کتاب و در مقدمه به غلط آنها را هارکلین می نامند). نظم کتب از چاپهای متن یونانی و ترجمه های جدید پیروی می نمایند. با متنی مطلوب و چاپی واضح. – انستیتوی تحقیقات در متون عهد جدید در آلمان غربی در حال ویراستاری عهد جدید سریانی هم پیشیتا و هم هارکلین می باشد. اولین چاپ از این برنامه مهم تحقیقاتی شامل رسالات مهم کاتولیک (یعقوب، اول پطرس، اول یوحنا) است که در سال ۱۹۸۶ به چاپ رسیده. برای پیشیتا از یک مجموعه منتخب شامل نه دست نوشته قدیمی استفاده گردیده است، در حالی که برای هارکلین از هر سه نسخه موجود بهره برداری شده. یک مشخصه قابل توجه در این چاپ استفاده گسترده از نقل قولها از عهد جدید توسط نویسندگان سریانی است. متن پیشیتا، هارکلین و نقل قولهای متفاوت سطر به سطر تنظیم گردیده به صورتی که شخص فوراً می تواند تفاوتهای مابین آنها را ببیند. پیشگفتاری طولانی درباره نحوه انتقال متن و روابط مابین متون سریانی و اصل یونانی آنها یافت می شود

ج: نسخ اصلی سریانی دیگر غیر از پیشیتا

در مورد «سیروهگزاپلا» مهمترین نسخه ها به شرح زیر هستند:

– نسخه عکسبرداری شده از چاپ میلان شامل نیمه دوم «سیروهگزاپلا».

– مجموعه تمام متون «سیروهگزاپلا» موجود برای نیمه اول عهد عتیق.

منتخبه) ترجمه سریانی و عربی را در ستونهای موازی با هم می‌یابد (عربی را اغلب با حروف سریانی که کروشونی خوانده می‌شود نوشته‌اند).

در چاپ چند زبانه کتاب مقدس، متن پیشیتا همراه با ترجمه لاتین آن ارائه گردیده اما این ترجمه متأسفانه همیشه دقیق نیست، و این ادعاها که اناجیل پیشیتا معرف اصل آرامی حاوی اناجیل یونانی است کاملاً بی‌اساس می‌باشد. چنین نظریاتی که اغلب در بعضی ادبیات معروف تر نیز یافت می‌شود توسط محققین سرشناس مردود شناخته شده‌اند.

یک ترجمه قدیمی تر انگلیسی از عهد جدید پیشیتا توسط جیمز مورداک (۱۸۹۳) نیز وجود دارد.

امروزه یک ترجمه خوب از پیشیتا، یا حداقل از عباراتی که در کتاب قرائتهای منتخبه به کار می‌رود، مورد نیاز می‌باشد. به نظر می‌رسد که حداقل سه ترجمه از عهد جدید پیشیتا به زبان مالایائی وجود داشته باشد.

* * *

فصل چهارم

تفسیر کتاب مقدسی در سنت سریانی

کتاب مقدس را می‌توان در سطوح مختلف تفسیر نمود. برای منظور ما کافی خواهد بود که از رویه چندین نویسنده سریانی پیروی نموده و مابین دو حالت از تفسیر تمایز قائل شویم. ماراپرم نیز مابین تفسیر مبتنی بر «واقعیت» و تفسیر «روحانی» تمایز قائل می‌شد (امروزه تفسیر مبتنی بر واقعیت را تفسیر «تاریخی» می‌نامیم). تفسیر واقعی یا تاریخی به طور عمده در مورد روشن ساختن شرائطی است که زمانی کتاب مقدس را احاطه کرده بوده مانند: چه کسانی درگیر بوده‌اند، کجا و در چه زمانی زندگی می‌کرده‌اند و غیره. تفسیر روحانی در مورد حقایق ابدی است که زمینه ساز متن می‌باشد، و تلاش آن بر این است که به ورای معنی سطحی به درون معانی عمقی مختلف نفوذ کند.

جائی که تفسیر تاریخی مطرح است ما با حقایق سروکار داریم، و می‌توانیم از یک تفسیر تاریخی به عنوان «صحیح» یا «ناصحیح»، و یا «درست» یا «غلط» بودن صحبت کنیم (گرچه اغلب شواهد کافی در اختیار نداریم که به طور قاطع مابین این دو تفاوت قائل شویم). این کاملاً با وضعیت درباره تفسیر روحانی تفاوت دارد. در تفسیر روحانی موضوع صحت یک تفسیر و نادرستی دیگری مطرح نمی‌باشد، زیرا هرگز یک تفسیر درست موجب کنار گذاردن سایر تفسیرها نیست. اغلب چندین تفسیر روحانی ممکن است همزمان معتبر باشند. یک تفسیر روحانی برای این که معتبر باشد می‌باید در چارچوبی خاص معنی داشته باشد، و برای معنی دار بودن، می‌باید بینشی درباره دنیای واقعی حقیقت یا واقعیت روحانی ارائه نماید. این دو شرط بسیار مهم هستند، اولین آنها به ما کمک

که در زمان خود آنها بوده. بدین سبب ما به نمونه‌هایی از تفسیرهای روحانی آنها توجه خواهیم کرد.

تعدادی از عبارات در نوشته‌های ماراپرم (مرگ ۳۷۳) به ما طریقی عالی در مورد چگونگی مطالعه کتب مقدسه ارائه می‌کنند. او از یک طرف در کتب مقدسه عمقی غیرقابل دسترسی از «قدرت پنهان» می‌بیند (یعنی به معنی روحانی، نویسندگان غربی احتمالاً ترجیح می‌دهند از الهامات الهی صحبت کنند). از طرف دیگر، برای این که مسیحیان بتوانند از این اعماق معانی روحانی برداشت کنند می‌باید کتب مقدسه را با «چشم ایمان» مطالعه نمایند، یعنی با گشودگی در برابر هدایت روح القدس، زیرا همین روح است که خواننده را هدایت می‌کند تا «قدرتی را که پنهان است» درون کلمات متن کتاب مقدس کشف نماید. بنابراین برای این که کتاب مقدس «زنده شود» و معنی روحانی بیابد نیاز به این است که خواننده در برابر آن باز بوده و با روح القدس (در خواننده یا شنونده کتاب مقدس) همکاری نماید، زیرا فقط در آن موقع است که خواننده از حقایق روحانی که در درون متن کتب مقدسه نهفته است آگاه خواهد شد. بنابراین ماراپرم در یکی از سرودهایش می‌گوید «کتب مقدسه همچون آئینه‌ای در برابر ما قرار دارد، و آن که چشمان درخشان دارد در درون آن آئینه حقیقت را می‌بیند» (سرودها درباره ایمان ۸:۶۷).

ماراپرم با تأکید بر برخی شرائط می‌گوید خواندن کتب مقدسه به طور تحت اللفظی اشتباه است، زیرا موجب هدایت به انواع درک‌های غلط خواهد شد. او به طور مثال در یکی از سرودهایش درباره بهشت (۱۱:۶) می‌گوید:

اگر شخصی توجه خود را تنها بر استعاره‌ها

که درباره عظمت خدا به کار می‌رود متمرکز کند،

از آن عظمت سوء استفاده کرده آن را بد جلوه می‌دهد

می‌کند که دریا بیم یک تفسیر روحانی ممکن است برای شخصی معتبر باشد (یعنی پرمعنی باشد) ولی برای شخصی دیگر معتبر نباشد، یا این که ممکن است برای یک شخص در زمانی معتبر باشد ولی در زمانی دیگر نه. این ویژگی دوم مهم است زیرا آن تفسیر روحانی را که بینش واقع‌گرایانه روحانی ارائه می‌کند بیشتر می‌توان در سنت مسیحیت ارتدکس یافت تا در سایر فرمهای مسیحیت. بنابراین تفسیر تاریخی و روحانی کتب مقدسه به صورت مختلف عمل می‌کنند، هر کدام با حالت خاص عملکرد خود. تفسیر تاریخی به ما معنی ظاهری را ارائه می‌کند، تفسیر روحانی ما را به سوی معنی درونی متن کتب مقدسه راهنمایی می‌نماید. این هر دو دیدگاه می‌باید مکمل یکدیگر باشند، اما در بسیاری مواقع نقش آنها اشتباه درک شده و ویژگی متعلق به یکی به اشتباه درباره دیگری اعمال گردیده است. این مسئله موجب شده تا همه گونه نظریه‌های فکری غلط به وجود آید، همچنان که این ایده که بررسی و تحقیق درباره کتب مقدسه خطرناک بوده موجب تضعیف ایمان می‌شود. بسیار خطرناکتر و از نظر روحانی زیان‌بارتر، نگرش اصول‌گرایانه به کتاب مقدس است که حقیقت روحانی را با حقیقت تاریخی درهم می‌آمیزد و بنابراین یک درگیری کاملاً غیر ضروری مابین الهیات و علم به وجود می‌آورد.

با این مقدمه نسبتاً طولانی اینک می‌توانیم به تفسیر سریانی کتب مقدسه رجوع کنیم. پدران سریانی به هر دو تفسیر، «مبتنی بر واقعیت» یا «تاریخی» و تفسیر «روحانی» علاقمند بودند، اما به تفسیر دوم بیشتر اهمیت می‌دادند. از آن جا که درک تاریخی امروزی از کتاب مقدس و زمینه‌های آن بسیار برتر است از درک پدران سریانی در این مورد (به شکرانه پیشرفت مطالعات کتاب مقدسی در قرن اخیر)، به هیچ وجه برتر از آنچه پدران سریانی درباره سطح تفسیر تاریخی می‌گویند تا به حال ارائه نشده و بسیاری از گفته‌های آنها امروزه همان قدر پرمعنی است

او توسط آنچه که متعلق به ما بود به ما نزدیک شد.
او خود را با زبان ما ملبس نمود، تا بتواند ما را ملبس سازد
در طریق زندگی خود.

او درخواست شباهت ما را نمود (فی ۷:۲)

و این را بر تن کرد، آنگاه، همانند پدری با فرزندان خود
با ما با حالت کودکانه ما صحبت نمود.

این استعاره ماست که او در بر می کند

– با وجودی که او به معنی تحت اللفظی چنین نکرد!

او آنگاه آنها را بیرون آورد – بدون این که در واقع چنین کند:

هنگامی که آنها را می پوشد، در عین حال آنها را دور می سازد.

او یکی را در بر می کند هنگامی که سودمند است

سپس آن را دور می سازد و با دیگری عوض می کند.

این واقعیت که او همه نوع استعاره ها را در بر می کند و از تن بیرون

می آورد

به ما می گوید که استعاره به موجودیت واقعی او مربوط نمی شود،

زیرا آن موجودیت مخفی است،

و آن را به وسیله چیزهای دیدنی آشکار ساخته.

(سرودها درباره ایمان ۳۱: ۱-۳)

یک عبارت از کتاب مقدس توانائی فقط یک تفسیر صحیح تاریخی دری
ک برهه از زمان را دارد. چنین محدودیتی، به هر حال در مورد تفسیر
روحانی اعمال نمی شود. در این مورد، هر چقدر چشم درونی ایمان
شفاف تر و درخشان تر باشد، همان قدر بیشتر قادر به کشف تفسیرهای
روحانی خواهد بود. همچنان که اپرم اشاره می کند، بسیار کسل کننده
خواهد بود اگر یک عبارت از کتب مقدسه فقط یک معنی روحانی داشته
باشد.

توسط همان استعاره ها

که خدا خود را برای نفع انسان به آنها ملبس کرده.

چنین شخصی سپاسگزار فیض خدا نیست

که قامت خود را به سطح کودکی انسانها خم نمود:

خدا با وجودی که هیچ چیز مشترک با انسانیت ندارد

خود را به شباهت انسانها ملبس نمود

تا بدین وسیله انسانیت را به شباهت خود درآورد.

اپرم اغلب از خدا به عنوان «خود را با نامها (یا استعاره ها) ملبس

نمود» در عهد عتیق، و به عنوان پیش درآمدی بر «ملبس ساختن خود در

جسم انسانی» در واقعه تن گیری خدا صحبت می کند. اما ما نباید تمکین

خدا را در آشکار ساختن خود به بشریت بدین گونه مورد سوء استفاده قرار

دهیم و استعاره ها را تحت اللفظی برداشت نمائیم:

بیائید خدا را سپاس گوئیم

که خود را به اسامی اجزاء مختلف بدن ملبس ساخت:

کتب مقدسه به «گوشهای» او اشاره می کند،

تا به ما بیاموزد که او به ما گوش می کند،

در باره «چشمهای» او صحبت می کند

تا نشان دهد که او ما را می بیند.

این فقط نام چنین چیزهایی بود که او بر خود گرفت.

گرچه در هستی واقعی اش خشم یا تأسف وجود ندارد

اما به دلیل ضعف ما این نامها را بر خود گرفت،

ما باید درک کنیم که اگر او چنین نامهایی را بر خود نگرفته بود

برای او ممکن نمی شد

تا با ما انسانها صحبت کند.

می باید درک کند که او خود فقط قادر به کشف آن یکی از میان ثروتهای بسیاری که در آن وجود دارد بوده است.

خواننده نباید به این خاطر که کتب مقدسه او را غنی ساخته، آن را بی ثمر گرداند بلکه برعکس اگر خواننده قادر نباشد بیشتر بیابد، نباید که عظمت کتب مقدسه را انکار نماید. شادی کن زیرا رضایت یافته ای و سوگوار مباش از این که چیزی از تو به جا مانده است. یک فرد تشنه شادی می کند زیرا که نوشیده است: او از این که ثابت کرده که نتوانسته تمام چشمه را با نوشیدن خشک کند سوگوار نیست. بگذار چشمه بر تشنگی تو غلبه کند، تشنگی تو نباید بر چشمه پیروز شود! اگر تشنگی تو مادام که آب چشمه کاهش نیافته تمام شود، آنگاه هر بار که تشنه شدی می توانی بنوشی، در حالی که اگر چشمه هنگامی که تو سهم خود را برداشتی خشک شود، این پیروزی تو بعدها صدمه ای برای خود تو خواهد بود. برای آنچه که برداشته ای شکرگزار باش، و درباره جریان اضافی که باقی مانده شکایت مکن. آنچه که تو با خودت برداشته ای سهم تو است، و آنچه که باقی مانده می تواند هنوز هم میراث تو باشد (تفسیر بردیاتسرون ۱: ۱۸ و ۱۹).

نمونه تفسیر روحانی که اغلب توسط پدران سریانی به کار گرفته شده را می توان به عنوان تفسیر نمونه ای یا سمبولیک توصیف نمود. این نمونه تفسیر را می توان در عهد جدید نیز پیدا نمود، جایی که به عنوان مثال، پولس قدیس از مسیح به عنوان «آدم دوم» (۱- قرن ۵: ۴۵) صحبت می کند. نمونه پردازی در واقع وسیله ای است برای اشاره به روابط: روابطی که مابین عهد عتیق و جدید، مابین عهد جدید و کلیسا، مابین دنیای مادی و دنیای آسمانی، مابین رویدادهای تاریخی و اشخاص در کتب مقدسه و معنی روحانی آنها وجود دارد. نمونه ها و سمبولها به عنوان

اگر فقط یک معنی برای کلام کتب مقدسه وجود می داشت، در آن صورت اولین مفسر که از راه می رسید آن را کشف می نمود و سایر شنوندگان نه تجربه زحمت جستجو و نه شادی کشف را می داشتند. هر کلمه از خداوند ما فرم مخصوص خودش را دارد، و هر فرم اعضای خود را، و هر عضو خصوصیات خاص خود را دارد. هر شخص بر حسب توانائی خود درک می نماید، و عبارت را به گونه ای که به او عطا شده تفسیر می کند (تفسیر درباره دیاتسرون ۲۲:۷).

ماراپرم در تفسیر در مورد دیاتسرون اندرز عالی ذیل را دارد (در اولین عبارت او مسیح را مورد خطاب قرار می دهد):

چه کسی توانائی درک عمق چیزی را که در یک بیان تو می باید کشف شود دارد؟ زیرا ما در آن بسیار بیشتر از آنچه که برداشت می کنیم به جای می گذاریم. همانند تشنه ای که از یک چشمه می نوشد. تعداد سطوح کلام خدا بسیار بیشتر از تعداد چهره های کسانی است که از آن می آموزند. خدا کلام خود را با زیباییهای بسیار نقش کرده، تا هر که از آن می آموزد بتواند جنبه ای از آن را که دوست دارد بیازماید. و خدا در درون کلام خود همه نوع گنجینه ها را پنهان نموده تا هر کدام از ما بتواند توسط آن غنی شود، از هر جنبه ای که درباره آن تعمق کند. زیرا کلام خدا درخت حیات است که به سوی شما دراز شده با میوه های متبارک از تمام جهات. همانند صخره ای است که در بیابان زده شد، که نوشابه روحانی گردید برای همه در هر طرف. «آنها غذای روح القدس را خوردند و پیاله روح را نوشیدند».

هر که با کتاب مقدس روبه رو می شود نباید تصور کند که هر کدام از گنجهای که در آن پیدا کرده تنها گنج موجود است بلکه

بهشت دور نگاه داشت (پیدا ۳: ۲۴).

بنابراین سوراخ کردن پهلوی مسیح با نیزه را می توان به عنوان برداشتن شمشیر آتشین از سر راه دید که تا این هنگام آدم (بشریت) را از بهشت دور نگاه داشته بود. به کلامی دیگر، تصلیب این امکان را به بشریت می دهد تا به بهشت اولیه مراجعت کند.

ثانیاً، ارتباط با کلیسا در آینده فراهم می شود، توسط:

– خون، سمبولی از شام مقدس

– آب، سمبولی از تعمید

پدران سریانی قدمی پیش تر می روند و از کلیسا (به عنوان جایی که رازهای مقدس تعمید و شام خداوند یافت می شود)، که از پهلوی مسیح به وجود می آید یا متولد می شود سخن می گویند. این به نوبه خود تضادی است در برابر حوا، که از پهلوی آدم اول «متولد» شده بود. بنابراین تجسم وضع حمل نیز روابطی دیگر را معرفی می کند: تولد حوا از آدم و تولد کلیسا از مسیح هر دو تولدهائی از باکره بودند (همین گونه که تولد آدم از زمین بود)، و این البته معرفی کننده ولادت مسیح از مریم باکره، حوای دوم، بود.

بنابراین، با شبکه ای بسیار پیچیده از روابط نمونه ای روبه رو هستیم که کمک می کند تا نشان داده شود که نقاط در تاریخ نجات چگونه با یکدیگر مربوط هستند، و چگونه ما امروزه خودمان از طریق رازهای مقدس تعمید و شام خداوند در این تاریخ مشارکت داریم. این ترادف تداعی کننده در این شبکه از روابط تنگاتنگ مابین مریم و کلیسا ارائه دهنده موضوعات پرثمر و دلالت کننده بر تعمق کلیسا نیز می باشد.

بدین ترتیب در واژه های عاری از لطافت، چارچوب خالی اسکلت بندی است که تفسیر نمونه ای از یوحنا ۱۹: ۳۴ بر آن بنا گردیده تا اسکلت زنده شود. شخص محتاج است که بعضی از عبارات که در آنها پدران سریانی بر

نشانگر عمل می کنند: از دیدگاه انسان ذهنی، یک نمونه یا سمبول را می توان وسیله ای برای آشکار سازی جنبه ای از واقعیت ظاهری الهی دانست (حقیقت، در واژه شناسی اپرم). و دیدگاه ظاهری الهی، به نوبه خود نمونه یا سمبول جایی است که بعضی از جنبه های واقعیت الهی پنهان می ماند. با وجودی این که کلمه یونانی برای نمونه "typos" بعضی مواقع در سریانی یافت می شود، واژه معمولی برای به کارگیری نوع یا سمبول "راز" می باشد، که در واقع به معنی «راز» است، اما در این رابطه به عنوان «سمبول» ترجمه می شود، با وجودی که باید تأکید شود که «سمبول» دارای معنی بسیار قوی تر از آن است که در انگلیسی امروزی می باشد، جایی که سمبول دقیقاً از آنچه که سمبول آن است متمایز می گردد. برای پدران سریانی رابطه مابین سمبول و واقعیت سمبولیزه شده بسیار نزدیک است، زیرا «قدرتهای پنهان» واقعیت در سمبول ساکنند.

یوحنا ۱۹: ۳۴ به طرز عالی این مکانیزم را نشان می دهد. در پشتیای این آیه این گونه آمده: «اما یکی از سربازان با نیزه به پهلوی او زد، و بلافاصله خون و آب جاری گشت». پهلوی سوراخ شده مسیح بر روی صلیب به شیوه نمونه پردازی به گذشته ها، به شرح کتاب پیدایش از سقوط آدم و اخراج او از بهشت، و به حیات تقدیس شده کلیسا ارتباط داده شده است، به کلامی دیگر تفسیر نمونه پردازی از این آیه به اهمیت واقعی تصلیب و اهمیت آن به عنوان نقطه عطفی در کل تاریخ نجات اشاره دارد. چگونه او به این منظور می رسد؟

اولاً، ارتباط با شرح کتاب پیدایش توسط عناصر متضاد ارائه شده. این عناصر عبارتند از:

– پهلوی مسیح آدم دوم، و دنده، یا پهلوی، آدم اول (پیدا ۲: ۲۱ و ۲۲) که حوا از آن گرفته شد.

– نیزه ای که پهلوی مسیح را سوراخ کرد، و شمشیر آتشین که آدم را از

فصل پنجم

تفسیرهای کتاب مقدسی

تفسیرهای کتاب مقدس می‌توانند به اشکال مختلف باشند. تفسیرهای اولیهٔ سریانی هر بار دربارۀ یک کتاب بوده‌اند، در حالی که از قرن هشتم و نهم به بعد نوشتن تفسیر بر تمام کتاب مقدس متداول گشت.

قدیمی‌ترین تفسیرهای باقی ماندهٔ سریانی آنهایی هستند که توسط اپرم (حدود ۳۷۳-۳۰۶) نوشته شده، و ممکن است که مربوط به ده سال آخر حیات او باشند که در شهر ادسا سپری گشت. آنچه در ذیل می‌آید به خود اپرم نسبت داده می‌شود (باوجودی که در بعضی موارد ممکن است شاگردان او آنها را به فرم حاضر منتشر کرده باشند).

- تفسیر کتاب پیدایش و قسمت اعظم کتاب خروج، در دست نوشته‌ای منحصر به فرد به زبان سریانی باقی مانده است. تفسیر از نظم متن کتاب مقدس پیروی می‌کند، اما فقط بر جملاتی منتخب انجام گردیده. بابهای اولیه کتاب پیدایش بسیار بیشتر مورد توجه بوده تا بابهای بعدی آن، و اپرم به مسئلهٔ ارادهٔ آزاد بشری توجه زیادی نشان می‌دهد. تفسیرهای نمونه‌ای معدودی در این جا وجود دارند، که با تفسیرهای نمونه‌ای که دربارۀ بسیاری از جملات کتاب پیدایش و خروج در سروده‌های او ارائه شده در تضاد می‌باشند. در طی تفسیر روابطی بغرنج با سنت تفسیری یهود می‌توان یافت.

- تفسیر دیاتسرون. این دست نوشته به طور کامل در ترجمه به زبان ارمنی باقی مانده. در این اواخر حدود دو سوم از اصل سریانی آن به دست آمده و به چاپ رسیده است (۱۹۶۳)، کشف بعضی اوراق دیگر از همان دست نوشته در سال ۱۹۸۷ اعلام شد). تفسیر از تسلسل مطالب در

این استخوانهای برهنه دم حیات دمیده‌اند، را بخواند.

بسیاری از بهترین تفسیرهای روحانی کتاب مقدس در میان پدران سریانی را می‌توان به صورت شعر و نه در غالب نثر پیدا نمود. بنابراین اشعار اپرم، نارسای و یعقوب سروق امروزه در تفسیر روحانی کتب مقدسه بسیار خلاق تر به نظر می‌رسند تا تفسیرهای بعدی که به نثر باقی مانده‌اند.

* * *

صحرا شادی خواهد کرد،

و گلها در بیابان خواهند روئید.

صحرا از شادی خواهد سرائید و فریاد خواهد زد

صحرا همانند کوههای لبنان زیبا

و همانند مزارع کرمل و شارون حاصلخیز خواهد بود.

همه کس جلال و شکوه خداوند را خواهد دید،

عظمت و قدرت او را ببینید.

انتخاب نموده تا توسط آنها دربارهٔ حیات روحانی به تعلیم بپردازد.

از اواسط قرن پنجم به بعد مفسرین سریانی تحت تأثیر بعضی مفسرین اصلی یونانی اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم قرار می‌گیرند. این نویسندگان یونانی به دو مکتب مهم تفسیر متون کتاب مقدس تقسیم می‌شوند، که به طور کلی به عنوان مکتب انطاکیه‌ای و مکتب اسکندریه‌ای شهرت دارند. تا جائی که به سنت تفسیرهای متون کتاب مقدس سریانی مربوط می‌شود، مهمترین نمایندهٔ مکتب انطاکیه‌ای تفسیر تئودور اهل موپوسوتیا (مرگ ۴۲۸) است، در حالی که نمایندهٔ مکتب اسکندریه‌ای سربیل اهل اسکندریه بوده است.

مکتب انطاکیه‌ای به طور خاص به تفسیر تاریخی علاقمند بود، و از نقطه نظر محققین کتاب مقدس این مکتب در نگرش خود بسیار دقیق بود، حتی در بعضی از جنبه‌ها از پیش در انتظار یافته‌های منتقدین امروزی نیز بوده. نمایندگان این نگرش اغلب تکنیکهای کتاب مقدسی را که توسط محققین کافر متون ادبی یونانی به تکامل رسیده بود پذیرفته بودند. بسیاری از کارهای تئودور به زبان سریانی در طی قرن پنجم ترجمه شده، احتمالاً در مدرسهٔ مشهور پارسها در ادسا. از طریق این مدرسه و جانشین آن در نصیبین (۴۸۹) بود که سنت تفسیری متون کتب مقدسهٔ انطاکیه‌ای نفوذی دائمی بر بسیاری از نویسندگان سریانی اعمال می‌نمود. در کلیسای شرق، جائی که تئودور را به عنوان مفسر متون مذهبی مقدم بر هر کس دیگر می‌شناختند و جائی که مسیح‌شناسی تئودور را به عنوان میزان در نظر داشتند، تعجب‌آور نیست که تفسیرهای او نیز غالب باشند. اما مسئله این جاست که تئودور و سنت تفسیری متون کتاب مقدس انطاکیه‌ای تأثیری بسیار بر نویسندگان سنت سریانی ارتدکس مانند یعقوب سروق، و حتی فیلوگزنوس نهاده بود. این اتفاق به این دلیل ساده روی داد که این مردان خودشان زمانی در مدرسهٔ پارسها تعلیم می‌یافتند، و با وجودی که برضد

دیاتسرون پیروی می‌کند (و چون دیاتسرون سریانی مفقود شده، این تفسیر شاهدی فوق‌العاده مهم برای متن و ساختار آن می‌باشد)، همان‌گونه که در تفسیر پیدایش و خروج دیده می‌شود، اپرم در مورد عباراتی که برای تفسیر کردن انتخاب می‌کند بسیار وسواس دارد، اما خود تفسیر بیشتر ویژگی مذهبی دارد و بسیاری از عبارات آن دارای مشخصه‌ای تعمقی هستند.

– تفسیر کتاب اعمال. این کار نسبتاً کوتاه فقط در ترجمهٔ ارمنی باقی مانده.

– تفسیر دربارهٔ رسالات پولس. این نیز فقط به صورت ترجمه به ارمنی باقی مانده. ویژگی خاص این تفسیر اضافه نمودن نامهٔ غیرمذهبی منسوب به پولس که به سوم قرن تیان معروف است از طرف اپرم. این نامه ظاهراً در کلیسای اولیه سریانی در سطح گسترده‌ای خوانده می‌شد اما بعدها از نظر افتاد (آشکارا اصالت ندارد).

به شکرانهٔ شهرت زیاد اپرم، آثار بسیاری به او نسبت داده شده‌اند. این موضوع در مورد تقریباً تمام تفسیرهای کتاب مقدس که در نسخهٔ چاپی قرن هجدهم آثار او به او نسبت داده شده بود صدق می‌کند. علاوه بر این ترجمه‌های ارمنی تفسیرهایی بر عهد عتیق ارمنی نیز به نام او وجود دارند، اما از آن جا که اینها هنوز به طور دقیق مطالعه نشده‌اند نمی‌توانیم بگوئیم که آیا مطالبی اصیل از قلم اپرم در خود دارند یا نه.

به پیروی از نظم تقدم و تأخر زمانی، شاید تفسیرهای بعدی سریانی که باقی مانده‌اند از نوشته‌های یوحنا آپامئا، یا یوحنا معتکف باشند. دربارهٔ این شخص و آثاری که تحت نام او نوشته شده‌اند مجهولات زیادی وجود دارند، که شامل تفسیر بر کتاب جامعه، و دیگری بر «وعده‌های سعادت ابدی» می‌باشند. هیچکدام از اینها تا به حال به چاپ نرسیده‌اند (گرچه چاپی از اثر آخر وعده داده شده است). اینها تفسیرهایی به مفهوم امروزی نیستند، بلکه به جای آن، یوحنا عباراتی از متن کتب مقدسه

یک سری موعظه تهیه شده بود و فقط در ترجمه سریانی باقی مانده).
 دو شاعر بزرگ سریانی، نارسای (وفات حدود سال ۵۰۰) و یعقوب اهل سروق (وفات ۵۲۱) هر دو در سنت تفسیری انطاکیه ای منزلت دارند، حتی با وجودی که یعقوب مسیح شناسی انطاکیه ای را رد کرده بود. بسیاری از موعظه های منظوم آنها در واقع تفسیرهایی هستند درباره جملات خاص کتاب مقدس، هر دو شاعر به طور مثال یک سری موعظه هایی درباره کتاب پیدایش دارند.
 از فیلوگزنوس اهل مابوق (وفات ۵۲۳) تفسیرهایی درباره پیشگفتار از یوحنا قدیس، و درباره متی و لوقا (این هر دو فقط به صورت تکه تکه پاره) باقی مانده اند. تفسیر درباره پیشگفتار یوحنا یک تفسیر طولانی مذهبی می باشد.

از کلیسای شرق در قرن ششم تعدادی مفسر ظهور نمودند اما در مورد آثار آنها امروزه اطلاع چندانی نداریم. یکی از این مفسرین بانفوذ احاب اهل قطر (در خلیج فارس) بود که کار او فقط از طریق نقل قولهایی از او توسط نویسندگانی بعدی شناخته شده است. در میان کشفیات جدید سریانی (و سایرین) دست نوشته هایی در صومعه کاترین قدیس در کوه سینا می باشند، و گزارش شده که در آنجا تفسیری درباره کتاب مقدس از بابای (وفات ۶۲۸) الهیدان بزرگ سریانی شرقی وجود دارد که تا به حال شناخته نشده.

روشنگر اصلی در تفسیر متون کتاب مقدس سریانی در قرن هفتم بدون تردید محقق سریانی ارتدکس یعقوب اهل اداساست (وفات ۷۰۸). یعقوب همانند بسیاری از نویسندگان سریانی غربی معاصر خود، یونانی را به خوبی می دانست، او با زبان عبری نیز تا حدودی آشنائی داشت، که برای یک محقق مسیحی در آن زمان امری استثنائی بود. او دانش عبری خود را در یادداشتی طولانی و حکیمانه درباره Tetragrammaton (کلمه

تعلیمات دینی آنها واکنش نشان دادند، تحت تأثیر سنت تفسیری کتب مقدسه آنها باقی ماندند.

از آنجا که تئودور اهل موپسوستیا بعدها زیر چتر عدم پذیرش در کلیسای یونانی قرار گرفت تعداد بسیاری از نوشته های او در یونان از بین رفته است. اما بسیاری از آثار او از ترجمه های آنها به سریانی برای ما شناخته شده که در میان اینها یک تفسیر مهم و طولانی درباره انجیل یوحنا قدیس وجود دارد. قسمت های مفصلی از تفسیر او درباره مزامیر نیز به زبان سریانی موجود می باشد.

به طور گذرا باید اشاره ای به رساله های بسیار جان کریزوستوم درباره تفسیر متون کتب مختلفی از کتاب مقدس بنمائیم که در زمان قدیم به سریانی ترجمه شده اند. با توجه به تعداد زیاد دست نوشته هایی که تاکنون باقی مانده می توان حدس زد که اینها را در سطح گسترده ای می خوانده اند. سایر کتب که به زبان سریانی ترجمه شده اند تفسیرهای آتاناسیوس درباره مزامیر (به صورتهای طولانی و کوتاه) و تفسیر مشهور گریگوری اهل نیسا درباره غزل غزلها می باشند.

سنت تفسیری متون کتب مقدسه اسکندریه ای از انطاکیه ای بدین گونه تمیز داده می شد که این سنت تمایل به به کارگیری تداعی معنی به عنوان روشی برای تفسیر کتاب مقدس داشت (تئودور به طور خاص با استفاده از کنایه و تداعی معنی به شدت مخالف بود). به هر حال اما اشتباه خواهد بود اگر تصور کنیم که تفسیر اسکندریه ای تماماً کنایه ای است. قسمت اعظمی از آن می تواند به عنوان نمونه ای شرح داده شود، و در این مورد بخصوص با طرف انطاکیه ای خود وجه اشتراک بسیار دارد. تفسیرهای اسکندریه ای تأثیر بسیار کمتری بر نویسندگان بعدی سریانی نهاده اند، با وجودی که نویسندگان ارتدکس سریانی در ترجمه سریانی چندین تفسیر از سیریل اهل اسکندریه را در اختیار داشته اند (مثلاً تفسیر او درباره لوقا، که به صورت

– تفسیری درباره‌ کل کتاب مقدس باز هم به صورت سؤال و جواب توسط عیشو بارنون پاتریارک کلیسای شرق از ۸۲۸-۸۲۳. فقط قسمت مربوط به کتب پنجگانه تاکنون به چاپ رسیده است.

– تفسیری از نویسندگی گمنام درباره‌ کتب پیدایش و خروج (۳۲:۹).
– تفسیری از نویسندگی گمنام درباره‌ عهد عتیق و عهد جدید. قسمت پیدایش فقط از بابهای ۱ تا ۱۷ تاکنون به چاپ رسیده.
– تفسیر درباره‌ عهد عتیق و عهد جدید توسط عیسو داد اهل مرو (شکوفائی حدود ۸۵۰).

این آثار مطالب مشترک فراوانی دارند و تماماً به عنوان منبع یا مخزنی برای سنت تفسیری متون کتاب مقدس قدیمی تر مورد استفاده هستند.

از مفسرین اصلی سریانی ارتدکس از قرن نهم یوحنا اهل دارا و مخصوصاً موشه بارکفا می باشند، که چندین تفسیر از آنها درباره‌ کتب مختلف عهد عتیق و عهد جدید باقی مانده. فقط تفسیر انجیل یوحنا توسط موشه تا به حال به طور کامل انتشار یافته.

در نیمه اول قرن یازدهم محقق سریانی شرقی به نام عبدالله بن طیب (وفات ۱۰۴۳) تعدادی تفسیرهای کتاب مقدس به زبان عربی نوشت که عمدتاً بر پایه سنت تفسیری سریانی قبلی بنا شده بود. این نوشته ها را مسیحیان عرب زبان به طرز گسترده ای در تمام کلیساها می خواندند، و تأثیر آنها حتی بر سنت تفسیری اتیوپی نیز رسیده است.

تفسیری مفصل درباره‌ قرائتهای منتخبه سریانی شرقی که به نام (باغ لذاذ) مشهور است، به اوائل قرن سیزدهم تعلق دارد. در این اثر قطعات منتخب بسیاری از مفسرین قدیمی که آثار آنها مفقود گردیده بود جمع آوری و حفظ شده.

نقطه اوج مناسبی برای سنت تفسیری سریانی غرب به نام "Awsar Raze" یا منبع رازهای مقدس توسط دانشمند سریانی ارتدکس

چهارحرفی بی صدا به معنی خدا) به معرض نمایش می گذارد، که طرز نوشته عبری از نام الوهیت بود که به صورت کلمه چهار حرفی «ی ه وه» نوشته می شد ولی به صورت آدونای («خداوند من» که برای آن در ترجمه هفتاد تنان Kyrios و در پیشینا Marya آمده که هر دو به معنی «خداوند» هستند) خوانده می شد. این یادداشت خاص به ترجمه بازنگری شده او از مقالات سوروس اهل انطاکیه الحاق شده، اما از او همچنین یک سری کامل از تحقیقات و نامه ها درباره موضوعات خاص کتاب مقدسی بجای مانده که در آنها او دقت نظر فوق العاده ای را به معرض نمایش می گذارد. مهمترین کار او در تفسیر متون مذهبی به هرحال، در تفسیر وی درباره «شش روز خلقت» نهفته است. در زمان او برای تفسیرها سنت شده بود که در آغاز کتاب پیدایش وسیله ای باشند برای انتقال دانش علمی گسترده ای، از حیوان شناسی گرفته تا جغرافیا. تفسیر یعقوب مسلماً مطابق این سنت است، و منبعی است برای فراگیری همه نوع موضوعات. یعقوب با مرگ خود این اثر را ناتمام گذاشت و بدین سبب برعهده جورج، اسقف قبائل عرب (وفات ۷۲۴) قرار گرفت تا آن را به اتمام برساند. نام چندین مفسر سریانی شرقی (همانند گابریل اهل قطر و حنان اهل آدیابن) از نقل قولهای نویسندگان بعدی شناخته شده است، اما تا اواخر قرن هشتم و قرن نهم طول کشید تا ما باقیمانده ای از این تفسیرها را داشته باشیم. از این دوره ما چندین اثر مهم در دسترس داریم:

– کتاب «اسکالیا» توسط تئودور بار کونی (اواخر قرن هشتم). این کتاب به صورت گروهی از سؤالات و جوابهای آنها درباره موضوعات منتخبی از هر کتاب از کتاب مقدس پیشیناست (ایده یک تفسیر کتاب مقدس به صورت یک سری سؤالات و جوابهای آنها از نویسندگان یونانی، همانند تئودور تگررفته شده بود). کتاب «اسکالیا» در دو چاپ اصلاح شده به ما رسیده است.

بحرالعلوم، گریگوری ابوالفرج (مرگ ۱۲۸۶) که معمولاً بارهیبرو نامید می‌شود ارائه گردیده. این اثر حاوی کل کتاب مقدس سریانی است و فقط قسمتهائی از آن تا به حال به چاپ رسیده است.

* * *

فصل ششم

کاربرد کتاب مقدس سریانی در موعظه

در تمام سنتهای مسیحی کتاب مقدس همیشه نقطه شروع اصلی برای موعظه بوده. در این جا ما تمرکز خود را بر بعضی ویژگیها که خاص سنت سریانی بوده و در جاهای دیگر یافت نمی‌شوند معطوف می‌کنیم.

در ادبیات سریانی جایگاه شعر همواره مشخص بوده است. بنابراین می‌توان گفت که شعر در موعظه و در تفسیر کتاب مقدس در کلیساهای سریانی نقش مهمی ایفا می‌کند. در این زمینه دو مبحث قابل توجه هستند: ۱- استفاده از اشعار محاوره‌ای با ویژگی کتاب مقدسی، تا لحظات تعیین کننده را در شرح کتاب مقدس روشن سازند، ۲- استفاده از موعظه‌های منظوم به منظور شرح داستانهای کتاب مقدس به صورتی هیجان انگیز. هر دوی اینها را می‌توان به عنوان وسائلی عالی جهت انتقال تعلیمات مذهبی به حق جویان در نظر گرفت.

اشعار محاوره‌ای به یک نوع ادبیات بسیار باستانی تعلق دارند که می‌توان رد آن را تا قرن دوم قبل از میلاد مسیح دنبال نمود. این اشعار در فرم سریانی شامل رباعیهای کوتاه هستند. جائی که در آیات متناوب دو شخصیت کتاب مقدسی با یکدیگر صحبت می‌کنند، تقریباً همیشه در شروع یک معرفی کوتاه و تشریحی ترتیبات کتاب مقدسی را به حضار (جماعت حاضر در کلیسا) ارائه می‌دهد، و گاهی نیز یک نتیجه‌گیری بسیار مختصر (اغلب به صورت مدح و ثنا) دیده می‌شود. اشعار به طور عادی به صورت بحثی مابین دو شخصیت کتاب مقدسی ارائه گردیده و در انتها یکی از آن دو نفر بر دیگری غالب می‌آید. بنابراین به طور مثال، در محاوره‌ای مابین جبرئیل فرشته و مریم باکره (صحنه اعلام بشارت در

موجب نمی شد که بر آمدن تو
و این که چگونه در رحم باکره می تواند میوه ای باشد شک کنم.

فقط هنگامی که فرشته به روح القدس اشاره می کند مریم نهایتاً می پذیرد.
فرشته: من از طرف پدر فرستاده شدم تا این پیام را به تو برسانم،
که محبتش او را مجبور ساخته
تا پسر او در رحم تو ساکن شود،
و بر فراز تو روح القدس سکونت خواهد گزید.
در این صورت، ای فرشته، من دیگر جواب نخواهم داد:
اگر روح القدس بر من نازل شود،
من کنیز او هستم، و او اقتدار دارد.
باشد تا بر من برحسب سخن تو واقع شود.

این اشعار محاوره ای وسیله ای بسیار مؤثر برای تثبیت لحظات
هیجان انگیز در شرح کتاب مقدس فراهم می کند. در هر کدام از این نقاط
دراماتیک شاعر (معمولاً گمنام) به تفحص تنشهای روانی درونی و افکار
می پردازد و در روند انجام آن به طرز موفق تعلیم مذهبی اساسی در آن
عبارت مورد بحث را بیرون می کشد. در بسیاری موارد این اشعار با
مباحثات مربوط به فکر و قلب، مابین دلیل انسانی و ایمان سروکار دارند.
ما قدری از این را در گفتگوی مابین فرشته و مریم دیدیم، اما به همین
اندازه هم در گفتگوی مابین زکریا و فرشته و مابین یوسف و مریم مهم
است. زکریا این را غیرممکن می یابد که پیام فرشته را باور کند که همسر
پیر و نازای او پسری به دنیا خواهد آورد. او به فرشته می گوید «بسیار
حیرت آور خواهد بود اگر من سخن تو را که در این مورد به من گفته ای
باور کنم، درختی که هم اکنون خشک شده است به هیچ وجه نمی تواند میوه
دهد». فرشته به عبث به زکریا درباره سوابقی این چنین در عهد عتیق

لوقا ۱: ۲۶-۳۸) مریم مواظب تجربه حواست:
فرشته خطاب به باکره گفت:

صلح بر تو باد، ای مادر خداوند من،
متبارک هستی، ای فرزند،
و متبارک است آن میوه ای که در درون تو است.
و مریم می گوید، آقا، تو کی هستی؟
و این چیست که تو ادا می کنی؟
آنچه تو می گوئی از من دور است،
و من معنی آن را نمی دانم.

فرشته: پدر به من آشکار کرده،
همان گونه که من اینک برای تو فاش می کنم،
این رازی را که مابین او و پسرش مشترک است،
هنگامی که او مرا فرستاد تا بگویم
که او از تو بر تمامی دنیا نور افشانی خواهد کرد.

مریم: من از پذیرفتن تو وحشت دارم، آقا،
زیرا هنگامی که حوا مادر من، مار را
که به عنوان دوست با او سخن گفت پذیرفت،
او از جلال پیشینش ربوده شد.

تجربه انسانی و قاطعیت دلیل نیز پایه ای به وجود می آورد برای سؤالات
دیگر از طرف مریم:

مریم: این ملاقات با تو و حضور تو در این جا
بسیار خوب هستند، اگر فقط نظم طبیعی چیزها

او به تو آشکار خواهد کرد
که من فرزندان دیگر نخواهم داشت،
و این که از همراهی تو من محروم نخواهم بود.

این آخرین بیت این گفتگوست، اما در تشریح نهائی می‌شنویم که حقیقت سخنان مریم برای یوسف به اثبات رسید:
یوسف خوابید، و فرشته نزد او آمد،
به او آشکار ساخت که چگونه این راز اتفاق افتاده بود.
یوسف صبح زود برخاست و در پرستش زانو زد،
در برابر مریم که دروغ نگفته بود.

گفتگوی شعرگونه مابین مریم و یوسف نشان می‌دهد که فقط هنگامی که خرد در برابر ادعای غیرمحمتمل ایمان عقب نشینی کند تأیید خارجی داده می‌شود (در مورد یوسف، در رؤیا)، به نشانه‌ی این که این ایمان در واقع بر حقایق استوار است.

حدود پنجاه شعر محاوره‌ای از این گونه باقی مانده که اکثراً در رابطه با شخصیت‌های کتاب مقدسی هستند، بر پایه‌ی عهد عتیق ما داریم: هابیل و قابیل (پید ۴)، ابراهیم و اسحاق (پید ۲۲)، یوسف و همسر فوطیفار، (پیدایش ۳۹)، یوسف و بنیامین، و ایوب و همسرش. محاوره‌ها درباره‌ی موضوعات عهد جدید نسبتاً بیشتر هستند و شامل: زکریا و فرشته، فرشته و مریم، یوسف و مریم، یحیی تعمید دهنده و مسیح، یحیی تعمید دهنده و جماعت، مسیح و فریسیان، مسیح و کنیسه، زن گناهکار و شیطان، دو دزد بر روی صلیب، کروب و دزد (لو ۲۲: ۴۲ و ۴۳)، مرگ و شیطان (در نزول مسیح به درون هاویه)، و مریم و باغبان (مسیح قیام کرده).

قدیمی‌ترین اشعار محاوره‌ای متعلق به ماراپرم می‌باشند (بعضی درباره‌ی

می‌گوید، مثلاً به دنیا آوردن اسحاق توسط ساره در زمان پیری او. زکریا با سرسختی در ناباوری خود باقی ماند «هر چقدر هم که تو صحبت کنی و تلاش به قانع کردن من نمایی، سخنان تو عقل مرا لمس نمی‌کند». در مورد زکریا دلیل بشری بر ایمان غالب می‌آید. و نتیجتاً زکریا «از سخن گفتن باز می‌ماند تا این که سخنان فرشته به انجام برسد».

اما در مورد یوسف ایمان مآلاً پیروز می‌شود، حتی با وجودی که ظواهر بیرونی - حاملگی آشکار نامزد وی - قبول توضیحات غیرمحمتمل مریم را برای او بسیار دشوار می‌سازد، چنان که در ابتدای گفتگوی آنها آشکار است:

یوسف: من از آنچه تو می‌گوئی حیرت زده هستم.
چگونه می‌توانم به سخنان تو گوش کنم؟
باکره، به سادگی حامله نمی‌شود
مگر این که رابطه‌ی جنسی داشته یا ازدواج کرده باشد.

صبر و تحمل مریم در برابر ناباوری خشمگینانه‌ی او نهایتاً، در انتهای محاوره‌ی طولانی بر یوسف غلبه می‌کند و او به گونه‌ای خفیف اقرار می‌نماید که مریم ممکن است راست گفته باشد.

یوسف: دو امکان وجود دارد، و هر دو مرا ناراحت می‌کنند:
اگر آنچه تو می‌گوئی حقیقت باشد،
این برای من بسیار مهیب است،
اما اگر حقیقت نباشد، غم بزرگی خواهد بود.
ای کاش از هر دو می‌گریختم.
مریم جواب می‌دهد:

اینک من سخنانم را بیرون خواهم ریخت
و پسری را که در رحم من پنهان شده مخاطب قرار می‌دهم،

(پید۱۲)، ابراهیم و ساره و اسحاق (پید۲۲)، یوسف و برادرانش (پید۳۷-۴۸). یونس نبی (این اصالتاً به اپرم تعلق دارد)، مریم و یوسف (با استفاده از طرح‌های موجود در انجیل اولیه یعقوب)، و زن گناهکار که پاهای مسیح را مسح کرد (لو:۷-۳۶-۵۰ و انجیل نظیر).

دو شعر داستانی بازگو کننده دوره قربانی اسحاق به طور خاص مورد توجه هستند، زیرا آنها شخص ساره را که در طی تمام متن کتاب مقدس از پیدایش باب ۲۲ حتی یکبار هم به او اشاره نشده به میان می‌آورند، در نقل داستان کتاب مقدس شاعر سعی دارد سکوت متن واقعی کتاب مقدس را تفحص کند و آنچه را که در آن سکوت می‌تواند بگنج برده باشد بیرون بکشد. واکنش‌های ساره هنگامی که ابراهیم پسر نوجوان او را از او گرفت چه بود؟ آیا ابراهیم درباره فرمان وحشتناک خدا به او چیزی گفت؟ واعظین در کلیسای اولیه آشکارا با چنین سوالاتی دست به گریبان بودند، و انواع جواب‌های ممکن را پیشنهاد کردند. به طور معمول حدس می‌زدند که ساره فقط به این دلیل اجازه داد اسحاق برود که نمی‌دانست ابراهیم چه دستوری از خدا دریافت کرده. در یکی از دو شعر داستانی سریانی درباره این موضوع به هرحال، مابه دیدگاهی کاملاً متفاوت برخورد می‌کنیم، ساره را می‌بینیم که همان ایمان شاخص به محبت خدا را دارد همان گونه که همسرش ابراهیم داشت، زیرا او هم از آنچه که باید اتفاق بیفتد آگاه است و به آن رضایت داده. در واقع، چنان که مشخص است، ایمان او حتی عظیم‌تر از ایمان ابراهیم می‌باشد زیرا او باید دوبار تحمل آزمایش ایمان خود را بکند: هنگامی که ابراهیم و اسحاق به منزل نزد او برمی‌گردند، ابراهیم اول تنها به درون می‌رود، و به اسحاق می‌گوید «من نظر مادرت را جویا خواهم شد». بنابراین ساره بر این تصور می‌افتد که اسحاق در واقع قربانی شده، و به شوهرش با این سخنان خوشامد می‌گوید:

خوش آمدی، پیرمرد مبارک،

مرگ و شیطان). اما بیشتر این اشعار به نویسندگان گمنام نسبت داده شده، گرچه در سنت سریانی شرقی آنها را به نارسای نسبت داده‌اند. احتمالاً بسیاری از آنها می‌باید در قرون پنجم یا ششم، دوران خلاقیت‌های بزرگ ادبی، نوشته شده باشند. نویسندگان بعدی هم به استفاده از این فرم اشعار محاوره‌ای با تأثیری خوب ادامه دادند.

ادبیات سریانی در موعظه‌های منظوم بسیار غنی است و بسیاری از اینها از آثار شاعر بزرگ اپرم (وفات ۳۷۳)، نارسای (وفات حدود سال ۵۰۰)، و یعقوب سروق (وفات ۵۲۱) می‌باشند. تعداد زیادی از این نوشته‌ها موعظه‌های منظوم درباره عبارات بخصوصی از کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند. با تفحص درباره معانی روحانی آنها و استفاده خلاقه از نمونه‌گذاری از اینها خوانندگان (یا شنوندگان) همیشه متوجه هستند که خود واعظ مابین آنها و متن کتب مقدسه ایستاده و نصایح و توضیحات ارائه می‌دهد. به هرحال تعداد کمتری از موعظه‌های منظوم نیز وجود دارند که در آنها داستانهای کتاب مقدس به صورتی هیجان‌انگیز تکرار شده. در اینها نصایح جداگانه وجود ندارد. در این تکرار نقل داستانهای کتاب مقدس از گفته‌های شخصیت‌های مختلف درگیر استفاده زیادی شده. بعضی از این گفته‌ها را می‌توان به صورت بسیار خلاصه شده در خود متن کتاب مقدس هم یافت. اما اغلب شاعر هم صحنه و هم کلمات را ارائه می‌دهد، با چنین کاری او در واقع متن مابین خطوط را می‌خواند، گوئی که جزو متن کتاب مقدس بوده، و از آنها پتانسیل دراماتیکی را که می‌توان یافت بیرون می‌کشد.

بیشتر اشعار داستانی این نوع از نویسندگان گمنام هستند (با وجودی که آنها را اغلب به اشتباه به اپرم نسبت داده‌اند). به نظر محتمل می‌رسد که بسیاری از آنها به قرون پنجم و ششم تعلق داشته باشند. در میان موضوعات پوشش داده شده می‌توانیم به: ابراهیم و ساره در مصر

تاریخی را بازسازی نماید، این درکی نادرست از نیت او خواهد بود. موعظه داستانی منظوم درباره‌ی الیاس نبی نمونه‌ی دیگری از شیوه‌ی تلاشی که شاعر در به اوج رساندن قدرت هیجان در داستان کتاب مقدس دارد را ارائه می‌دهد. اول پادشاهان ۱:۱۷ به ما می‌گوید که چگونه پیامبر با یک سوگند آسمانها را بست و اجازه نداد که یک قطره باران یا شبنم به زمین بیفتد «به جز به کلام من». خشکسالی حاصله می‌باید تنبیهی باشد برای راههای شیربانه‌ی قوم. قدری دیرتر داستان کتاب مقدس می‌گوید که چگونه همین نبی به پسر مرده‌ی بیوه زن (۱-پاد ۱۷:۲۲) حیات بازگردانید. آنگاه در آخر باب هیجدهم می‌بینیم که چگونه خشکسالی وحشتناک به پایان رسید. در شرح کتاب مقدس رابطه‌ی مستقیم مابین برخیزاندن پسر آن بیوه زن و پایان خشکسالی وجود ندارد، اما نویسنده‌ی سریانی موعظه‌ی منظوم درباره‌ی الیاس این دو واقعه را به صورتی بسیار دراماتیک به یکدیگر ربط می‌دهد (و با چنین کاری او در واقع از سنت یهودیان پیروی می‌کند). وقتی که آسمانها درباره‌ی عمل الیاس به خدا شکایت می‌کنند، خدا به آنها تذکر می‌دهد که به اقتدار نبی احترام می‌گذارد. با توجه به این که الیاس به طور خاص تأکید کرده بود که آسمانها بسته خواهند بود تا این که او خود آنها را بگشاید. خدا به آسمانها می‌گوید «با من قدری با حوصله باشید، و صبر کنید تا من به پائین نزول کرده با او ملاقات کنم. من دلائلی به او پیشنهاد خواهم کرد تا او نهایتاً با شما آشتی کند». پس از تلاشی چند برای این که الیاس لعنت خود را بردارد و بدین گونه به خشکسالی خاتمه دهد، خدا او را به سوی یک بیوه زن در صرّفه می‌فرستد که او را با وجود قحطی غذا خواهد داد. زن به او می‌گوید که هنوز قدری آرد در یک کاسه و قدری روغن دارد (۱-پاد ۱۷:۱۲) اما نبی به او اطمینان می‌دهد:

نه کاسه آرد تو تهی خواهد شد

و نه روغن تو تمام خواهد شد.

شوهری که خدا را دوست می‌داری،
خوش آمدی، ای شادمان،
که بر روی توده‌ی همیزم تنها فرزندم را قربانی کردی
خوش آمدی، ای ذبح کننده،
که جسم تنها فرزندم را هم
دریغ نکردی
آیا او هنگامی که بسته بود گریه کرد؟
هنگامی که جان داد ناله کرد؟
آیا او مرا طلب می‌کرد؟

ابراهیم به او اطمینان می‌دهد که اسحاق هنگامی که بسته بود گریه نکرد، و «وقتی که کارد بالای گلوی او بود، تو را به یاد آورد». به این گفته ساره پاسخ می‌دهد:

باشد که روح تنها فرزندم مقبول واقع شود،
زیرا که او سخنان مادرش را شنید.

کاش یک عقاب بودم، و یا سرعت کبوتر را داشتم،
تا شاید می‌توانستم بروم و آن مکان را ببینم،
جائی که تنها فرزندم، محبوب من، قربانی شد!

فقط در آخر این سخنان است که اسحاق وارد می‌شود، صحیح و سالم و در آغوش مادر حیرت زده اش می‌افتد.

شاعر داستان کتاب مقدس را با آزادی زیاد می‌پروراند، او این کار را فقط برای تأثیر نهادن بر خوانندگان و شنوندگان و رساندن پیام زمینه‌ای که در متن کتاب مقدس موجود است انجام می‌دهد. این را او به توسط جنبه‌های مختلف دراماتیک که او به نقل داستان کتاب مقدس می‌افزاید به انجام می‌رساند. البته نباید فرض کنیم که او تلاش دارد تا یک واقعه

زن در جواب به الیاس گفت:

«در واقع، توسط خدائی که او را خدمت می‌کنم،

این اطمینان به من داده شده که

اگر آرد تو را شنید و جهید،

و اگر روغن شنید و جاری گشت،

پس خداوند به تو گوش می‌دهد

و جان پسر مرا به تو بازپس خواهد داد».

آن‌گاه الیاس پسر را برداشت و او را با خود به بالاخانه برد. زانوزد و در

غم زدگی و درد و رنج، سخن آغاز نمود:

«ای خداوند، من به عنوان خادم در حضورت صحبت می‌کنم،

و به تو التماس می‌کنم،

چرا، خداوندا، پاسخی چنین محنت‌بار

به این بیوه زن که مرا پذیرفته دادی؟

چرا مرا به سوی او فرستادی؟

چرا از بطن او این پسر را به وجود آوردی؟

خداوندا، با تمام وجود به تو التماس می‌کنم،

و درخواست رحمت دارم.

خداوندا، به دعای خادم خود گوش کن

و جان این پسر را بازگردان».

خداوند ما به الیاس پاسخ داده گفت:

«تو به من یک دین داری

آن را ادا کن و من به تو گوش خواهم داد.

کلید آسمانها در دستهای تو قرار داده شده،

و جان این کودک در دستهای من».

مرد مقدس دهان خود را باز کرد

زن دوان دوان می‌رود «تا سخن پیامبر را آزمایش کند» و هنگامی که
«پیرزن دستش را به درون کاسه فرو می‌برد، آرد به سوی دست او به بالا
می‌جهد». همین اتفاق در مورد روغن نیز روی می‌دهد. پیامبر، زن بیوه و
پسر او از بسیاری غذا اطمینان حاصل می‌کنند و برای مدتی همه چیز به
خوبی می‌گذرد اما خشکسالی و قحطی ادامه می‌یابد، زیرا هنوز الیاس
لعنت را برنداشته. اوضاع به قدری بحرانی می‌شود که خدا تصمیم
می‌گیرد به چیزی بسیار غم‌انگیزتر متوسل شود تا الیاس قدری دل‌رحم شده
و شفقت نشان دهد.

او فرشته‌ای را فرستاد

تا روح پسر بیوه زن را بردارد.

او جان وی را گرفت، و بدین گونه مادر او را تحریک کرد

تا با مرد عادل مشاجره کند:

زن او را گرفت و در همان جا ایستاد،

آماده برای مشاجره با او به عنوان یک قاتل.

او فریاد زد «تنها فرزندم را به من باز پس ده

زیرا او به خاطر تو کشته شده است.

من تو را خواهم گرفت

و به دستهای آخاب و ایزابل خواهم افکند

تا سرنوشت شومی نصیب تو شود».

الیاس به آن بیوه زن که به این چیزها صحبت کرده بود جواب داد:

«هرگز کسی توسط من کشته نشده است،

و اینک تو مرا قاتل خطاب می‌کنی.

آیا من خدا هستم، تا بتوانم پسر تو را دوباره زنده کنم؟

یا جان او در دستهای من است،

که او را از من طلب می‌کنی؟

درحالی که قلبش شاد گشته و به وجد آمده بود.
او آسمانها را که خود بسته بود آزاد کرد
— و جان کودک دوباره بازگشت.

فصل هفتم

کاربرد کتاب مقدس سریانی در آئین نیایش

کتاب مقدس سریانی در مراسم نیایش بالاتر از همه در قرائتها از کتاب مقدس و در استفاده از مزامیر بکار می رود. این جا، به هر حال ما به جنبه ای دیگر توجه خواهیم کرد: شیوه ای که در آن جمله بندی کتاب مقدس سریانی در نیایشها و سرودهای کلیساهای سریانی ریشه دوانیده. ما به دو مثال که بر پایه پیدایش ۲:۱ و لوقا ۳۵:۱ نظر خواهیم انداخت.

نیمه دوم پیدایش ۲:۱ در پیشینا این گونه خوانده می شود «و روح خدا بر فراز سطح آب شناور (مراهفا) بود». فعل «راهف» در تثنیه ۳۲:۱۱ درباره یک پرندۀ ماده که بر فراز جوجه هایش شناور است مورد استفاده قرار گرفته و اسم «مراهفانا» نیز چندین بار در پیشینا به عنوان قدردانی به «مراهمانا» (پر رحمت) یافت شده. ترجمه ها امروزی انگلیسی دو ترجمه متفاوت برای پیدایش ۲:۱ ارائه می دهند «روح خدا» و «نسیم خدا» (یا «باد شدید»)، چون «روآح» در عبری (و «روحا» در سریانی) می تواند یا به معنی «روح» باشد یا «باد». این اختلاف نظر مترجمین امروزی در واقع موضوع تازه ای نیست زیرا پدران کلیسای اولیه نیز بر سر این که این آیه را چگونه تفسیر کنند با هم اختلاف داشتند، آیا این اشاره ای به روح القدس است و یا اشاره به روح-باد؟ این واقعیت که در یونانی فعل ماضی به دنبال «برده شد» قرار دارد به بعضی از مفسرین یونانی این ایده را می دهد که «روح» در این جا نمی تواند اشاره به روح القدس باشد.

پدران سریانی در این بی اطمینانی در مورد توجه پیدایش ۲:۱ سهیم هستند و بسیاری از آنها، از مارا پرم به بعد، ترجیح داده اند که روح القدس را در این جا در تفسیر عبارت از کتاب مقدس دخالت ندهند. این طریق

شاعر برای این که بتواند بر هیجان این داستان کتاب مقدس بیفزاید این ایده جسورانه را که معامله ای مابین خدا و الیاس صورت گرفته مطرح می کند. این تأکید مضاعفی است بر پیام زمینه ای که شاعر در داستان کتاب مقدس می بیند: نیاز برای شفقت در برابر کسانی که برای عدالت خدا کوشا و غیور هستند، و مثال ایمان بیوه زن در توانائی خدا برای انجام معجزه ها توسط نبی خود.

این شاعران گمنام سریانی با نقل داستان کتاب مقدس به صورتی زنده و تخیلی، شیوه ای بسیار مؤثر برای تعلیم دلپسند ارائه داده اند. همین حقیقت که آنها بعضی آزادیها در مورد متن کتاب مقدس برای خود قائل بوده اند خوانندگان و شنوندگان آنها را تشویق می کند که به متن کتاب مقدس مراجعه کرده و آن را برای خود دوباره کشف کنند.

* * *

همان گونه که روح القدس در برپا سازی خلقت بر فراز آبها قرار داشت. باشد که روح القدس تو، ای خداوند شناور باشد، بر فراز این آب تعمید که بطن روحانی است، و باشد که او بر آن قرار گیرد، آن را تقدیس نماید و بارور سازد، با آدم آسمانی به جای آدم زمینی.

تشابه و تقارن ما بین آبها در هنگام خلقت و آب تعمید حالت کنایه ای دارد، اما به ندرت به شیوه ای صریح نشان داده می شود که شاید به دلیل تفسیرهای متفاوت از متن پیدایش ۲:۱ باشد که بر مدرسه مذهبی ادسا و نصیبین غالب بوده. اما بسیاری اوقات ما این تشابه را به صورت ردپایی حاضر می یابیم، به شکرانه استفاده از فعل «راهف» در رابطه با فعالیت روح القدس در تعمید. بنابراین ما را پریم با وجود این که به طور خاص از «روح خدا» به عنوان اشاره بر روح القدس برداشت نمی کند، از فعل «راهف» استفاده می نماید. «شناور بودن» در اشاره به تعمید است وقتی که می گوئیم «روح القدس بر فراز چشمه ها، که به معنی آبهای تعمید است، شناور است. (سرودها درباره بکارت ۸:۷). به همین نسبت در بعضی از متون مراسم تعمید ارتدکس سریانی، شماس در تقدیس آب تعمید می گوید: چقدر رعب انگیز است این لحظه که روح القدس زنده از اعلی علیین به پائین آمده و «بر فراز» این آب قرار گیرد و ساکن شود، آن را تقدیس نماید، همان گونه که چشمه های اردن تقدیس شدند (در هنگام تعمید مسیح).

به همین صورت، بیرون از چارچوب تعمید و نیایش تعمید، ما گاه می بینیم که روح القدس به شکل «شناور بودن» توصیف شده، در حالی که فعل «شناور بودن» از متن پیشین پیدایش ۲:۱ گرفته شده. بنابراین در چندین نیایش بزرگداشت روح القدس سریانی غربی «شناور بودن» به عنوان یکی از افعالی که فعالیت روح القدس را در طلب نزول آن توصیف

تفسیر بدین دلیل پذیرفته شد تا از بعضی سوء تفاهمات مذهبی در رابطه با این آیه جلوگیری شود، و برخی مفسرین بعدی و مخصوصاً تئودور اهل موپسوستیا از دو مدرسه الهیات در ادسا و جانشین آن در نصیبین این را پذیرفتند. بر طبق این، اکثر مفسرین بعدی سریانی، مخصوصاً آنهایی که در سنت سریانی شرقی بودند، بر این نظریه هستند که «روح خدا» در این آیه روح القدس نیست.

به هر حال، با وجود این طرز فکر بعضی الهیدانان، به نظر می رسد که یک درک متفاوت ریشه ای عمیق در سنت نیایشی داشته، زیرا ما می توانیم در آن جا بسیاری از عبارات را پیدا کنیم که در آنها پیدایش ۲:۱ به عنوان اشاره به روح القدس درک شده. این را می توان قبل از هر چیز در نیایشها و سرودهای در رابطه با تعمید پیدا کرد، در این جا ما اغلب ما بین فعالیت خلاقه روح القدس بر آبهای اولیه و همان فعالیت خلاقه روح القدس بر آبهای تعمید، جایی که تعمید یافتگان به «خلقتی نوین» تبدیل می شوند تقارنی می یابیم. بنابراین در یکی از سرودهای تجلی خداوند که به ما را پریم نسبت داده شده داریم:

هنگام خلقت روح القدس بر فراز آبها شناور بود.

آبها باردار شده به خزندگان، ماهیها و پرندگان تولد دادند.

روح القدس بر فراز آب تعمید شناور است.

و به عقابهای سمبولیک، یعنی به

باکره ها و رهبران تولد داده است،

و به ماهیهای سمبولیک، یعنی به پارسایان و میانجیها

و به خزندگان سمبولیک، یعنی به زیرکان که

به ساده دلان، همانند کبوترها، تبدیل شده اند (متی ۱۶:۱۰)

(سرودهای ایفانی ۸-۱۵)

همین ایده را هم می توان در مراسم تعمید مارونیها یافت، در طی نیایش طولانی برای تقدیس آب:

سریانی شرقی این قدرت را به عنوان مترادفی برای روح القدس شناسائی کرده، در حالی که سنت سریانی غربی این طور درک می کرده که «قدرت حضرت اعلی» می باید اشاره به «از پیش هستی داشتن کلمه» داشته باشد. چندین استثنا می توان در این چارچوب هر دو سنت تفسیری یافت. در مورد سنت سریانی غربی واضح است که استفاده پشینا از این فعل "آگن" در ترجمه یوحنا ۱:۱۴ نافذ بوده، زیرا «کلمه» در این جا فاعل فعل است. با توجه به این تفاوتها در تفسیر لوقا ۱:۳۵ انسان می تواند انتظار داشته باشد که یادآوری به لوقا ۱:۳۵، جایی که روح القدس به عنوان فاعل فعل «سایه افکندن بر» درک می شود را فقط در متون نیایشی سریانی شرقی بیابد، و نه در متون نیایش سریانی غربی. اما به هر حال حقیقت این است که ما در سنتهای نیایشی هر دو اشاراتی این گونه بسیار می یابیم.

این موضوع به طور خاص هنگامی مهم است که یادآوری لوقا ۱:۳۵ در نیایش طلب نزول روح القدس در نیایش شام آخر روی می دهد. در سنت نیایشی سریانی شرقی این در نیایش بزرگداشت تئودور در سریانی شرقی اتفاق می افتد، جایی که استغاثه با این کلمات شروع می شود «باشد که فیض روح القدس بر ما و بر این تقدیمی قرار گیرد، و در این نان ساکن شده سایه افکند...». در نیایش بزرگداشت سریانی غربی استفاده از «سایه افکندن» در نیایش طلب نزول روح القدس رایج است و نمونه نقل قول شده در بالا، از نیایش بزرگداشت جان کریزوسترم قدیس می باشد، که یکی از بسیار نیایشهایی است که در آن «سایه افکندن» در این مرحله به کار رفته.

استفاده از کلمه «سایه افکندن» در نیایش طلب نزول روح القدس عمداً توجه را به اهمیت تشابه عملکرد روح القدس بر مریم و عمل روح القدس بر تقدیمیهای شام خداوند جلب می نماید. مفسر ارتدکس سریانی موشه بار کفا در تفسیر بر این نیایش می نویسد:

می نماید استفاده شده. یکی از این گونه موارد نیایش بزرگداشت سریانی است که به جان کریزوستوم نسبت داده می شود (که کاملاً با نیایش بزرگداشت به زبان یونانی که تحت نام اوست تفاوت دارد).

باشد که روح القدس تو و قدرت تو بر این مذبح مقدس سایه افکند و تقدیمیهای آن را تقدیس نماید، باشد که او شناور شده آرام گیرد و مسکن گزیند برای نان، و باشد که به یک جسم تبدیل گردد... کلمات این نیایش طلب نزول روح القدس به راحتی ما را به آیه دیگری از متن کتاب مقدس که در این بخش تحت بررسی است هدایت می کند، به فعل «سایه افکندن بر» که از لوقا ۱:۳۵ نشئت گرفته. «روح القدس خواهد آمد و قدرت حضرت اعلی بر توسایه خواهد افکند "aggen"». فعل سریانی که در ترجمه کلمه یونانی در این جا برای «سایه افکندن بر» به کار رفته، فعل جالبی است، زیرا زمینه ای در یهودی آرامی دارد. فعل "آگن" در ترجمه های یهودی آرامی از کتاب مقدس عبری بارها بکار رفته، و تقریباً همیشه در رابطه با فعالیت نجات دهنده خدا. مترجمین سریانی عهد جدید ظاهراً این واژه را از یهودی آرامی به ارث برده و در عبارات متفاوتی، منجمله در لوقا ۱:۳۵ به کار گرفته اند. یکی از مواردی که مترجمین فعل "آگن" را به کار برده اند، یوحنا ۱:۱۴ است (جایی که در زبان یونانی «کلمه ساکن گردید، یا خیمه زد، در میان ما») آمده و در کتاب اعمال ۱۰:۴۴ و ۱۱:۱۵ (جایی که در زبان یونانی «روح القدس نازل شد...»).

همان حالتی که در مورد پیدایش ۱:۲ بود، در مورد لوقا ۱:۳۵ نیز می باشد و در این جا نیز اختلاف نظری درباره تفسیر دقیق آن وجود دارد. آیا «قدرت حضرت اعلی» همان «روح القدس» می باشد که قبلاً در این آیه آمده، یا این قدرت را می باید به عنوان کلمه خدا شناسائی نمود؟ به طور کلی انسان می تواند بگوید که سنت تفسیری متون کتب مقدسه

و سرودها از جمله بندیه‌های کتاب مقدس سریانی اشباع شده، ما می‌توانیم به اهمیت ترجمه‌هایی که بر اساس پیشیتا و به منظور قرائت‌های نیایشی از کتاب مقدس انجام گرفته پی ببریم.

* * *

همان گونه که روح القدس بر رحم مریم نزول کرد (فرشته گفته بود «زیرا که روح القدس خواهد آمد...») و جسم خدای کلمه را از گوشت باکره به وجود آورد، به همین شکل نیز روح القدس بر نان و شراب در محراب نزول کرده و آنها را به جسم و خون خدای کلمه که از باکره نشئت گرفت تبدیل می‌کند.

مفاهیم ضمنی این تشابه پیچیده ما بین اعلام بشارت و شام خداوند بسیار مهم هستند. در اعلام بشارت اشتیاق مریم به همکاری با روح القدس موجب ولادت خدای کلمه از وی شد. در شام آخر دو جنبهٔ مختلف از فعالیت روح القدس وجود دارد: اولاً، توسط همکاری وفادارانه کلیسا با روح القدس در نیایش طلب نزول، تقدیمیهای شام آخر به جسم و خون مسیح تبدیل می‌شود. ثانیاً، اگر آنهایی که شراکت در راز نان و جام را دریافت می‌دارند از همکاری مشتاقانهٔ مریم اقتباس کنند آنها نیز در روح به خدای کلمه ولادت خواهند داد. بنابراین صوفی سریانی شرقی قرن هشتم، یوسف رؤیابین، در نیایشی که در هنگام مشارکت در راز نان و جام خوانده می‌شود، می‌نویسد «باشد که تو را دریافت کنم، خداوندا، نه به درون شکم که به اجزاء جسم تعلق دارد بلکه به درون بطن ذهن خود، تا این که تو در آن جا نطفه ببندی، همان گونه که در رحم باکره نطفه بستی».

متون نیایشی سریانی از چنین یادآوری‌هایی مملو بوده و دولت‌مندی مذهبی این متون فقط هنگامی آشکار می‌شود که این یادآوریها و کنایه‌ها تشخیص داده شوند. این کنایه‌ها گاهی اوقات به سخنانی اشاره دارند که منحصراً در پیشیتا یافت می‌شوند (این تا حدودی صدق می‌کند، حداقل در مورد دو مثال که در بالا ذکر شد. هم‌چنین به طور خاص دربارهٔ سرود سه بار قدوس (سانکتوس) در راز نیایش سریانی صادق است، زیرا کلمات «آسمان و زمین پر از «ستایش» اوست (ترجیحاً بجای «شکوه او») از متن پیشیتا در اشعیا ۶:۳ گرفته شده). چون نیایشهای آیین نیایش سریانی

– یکی از نظریه‌های اساسی در مورد روحانیت سریانی ایده‌آل «شافیوتا» است. این واژه سریانی هیچ مشابه انگلیسی به صورت کلمه تنها ندارد اما در برگیرنده ایده‌های فراوان و متنوعی است همانند «شفافیت، درخشندگی، پاکی، زلالی و خلوص». در کتاب مقدس سریانی عبارات مهمی وجود دارند که در آنها صفت «شافیا» به معنی «پاک، درخشان» و غیره به چشم می‌خورد. اما مهم‌ترین عبارت در لوقا ۸:۱۵ می‌باشد، که این واژه در آن جا در رابطه با قلب است: «بذر در زمین خوب اشاره به آنهایی دارد که کلام را با قلبی نیکو و درخشان (شافیا) می‌شنوند (در یونانی چنین آمده «با قلبی عالی و خوب»). با انتخاب این آیه به عنوان نقطه شروع نویسندگان بعدی سریانی اغلب اشاره به ایده‌آل «شافیوت لبا» یا «درخشندگی قلب» می‌نمایند.

– واژه مهم و برجسته در تاریخچه روحانیت سریانی کلمه «مسارقوتا» می‌باشد به معنی «خود تهی سازی». از این واژه، هم به معنی به دور ریختن اموال دنیوی، و هم به معنی درونی «خود تهی سازی قلبی»، جدا شدن از اراده شخصی به خاطر پیروی از اراده مسیح استفاده شده. چنین «خود تهی سازی» در واقع تقلیدی است از خود تهی سازی مسیح، براساس رساله پولس به فیلیپیان ۲:۷ که می‌گوید مسیح خود را تهی ساخت (سارق) و فرم غلام را بر خود گرفت.

– سنت سریانی از تجسم ملبس شدن در رابطه با بیان بسیاری از ایده‌های مذهبی استفاده زیادی می‌کند. به طور خاص، موضوع «ردا یا لباس، در جلال/پرستش» معمولاً استفاده می‌شود تا تمام دوره تاریخ نجات را توصیف نماید. در بهشت آدم و حوا قبل از سرپیچی از دستور خدا به لباس جلال ملبس بودند. در سقوط، بشریت این لباس را از دست داد. هدف و منظور از تن‌گیری خدا این بود که برای بشریت ممکن سازد تا این ردای جلال را یکبار دیگر در بر کنند. برای انجام این کار خدای

فصل هشتم

پشیتا، پایه ای برای روحانیت سریانی

پشیتا منبعی است برای واژه‌های فراوان که می‌باید در تاریخچه روحانیت سریانی جایگاه پر اهمیتی بیابند. قبل از این که با دقتی بیشتر به بعضی از اینها نظر افکنیم توجهی گذرا به موارد ذیل داشته باشیم:

– واژه «روشما» یا «نشانه» در ادبیات اولیه سریانی منظمآ به کار گرفته شده برای تدهین در تعمیم بر پیشانی (یا به طرز وسیع‌تری می‌توان آن را برای تمام مراسم تعمیم در نظر گرفت). منبع برای این واژه متن پشیتا از حزقیال ۴:۹ است، جایی که حزقیال نبی رؤیائی از کشتار گناهکاران در اورشلیم دارد. در این رؤیا به «مردی ملبس به کتان» که آشکارا یک موجود فرشته‌ای بوده توسط خدا گفته شده بود که «در شهر اورشلیم بگردد و بر پیشانی آنهایی که به دلیل رجاسات و شرارت‌هایی که در شهر کرده می‌شود آه و ناله می‌کنند یک نشان "روشما" بگذارد». برای «نشان» در این جا "taw" است و حرف T در خط عبری قدیم به شکل ی ک صلیب نوشته می‌شده. در تدهین قبل از تعمیم کشیش یک صلیب بر پیشانی شخصی که قرار است تعمیم داده شود با روغن ترسیم می‌کند، که (در میان بسیاری چیزهای دیگر) سمبول حفاظت در برابر قدرت شیطان است.

– در سریانی شرقی طرز فکر نویسندگانی مانند اسحاق نینوایی (قرن هفتم) درباره «نیایش پاک» بسیار با اهمیت می‌شود. تنها نسخه از کتاب مقدس که در آن واقعاً واژه «نیایش پاک» به کار رفته در پشیتاست، در اول تواریخ ۱۶:۴۲ «این مردان مقدس (که در برابر صندوقچه عهد خدمت می‌کردند) ستایش می‌کنند، نه با آلات موسیقی... بلکه با دهانی شادمان و پاک و نیایشی کامل».

عنوان البسه عادلان است. در عهد جدید پیشیتا مترجمین ایده تن گیری خدا را به عنوان «جسم پوشیدن» در دو نقطه از رساله به عبرانیان وارد کرده اند. در عبرانیان ۷:۵ مسیح به عنوان «پوشیده شده در جسم» (در یونانی «در روزهای جسمانی اش» آمده) توصیف شده و در عبرانیان ۵:۱۰ (جائی که از مزمو ۴۰ به عنوان نبوت مسیح نقل قول می شود) در متن سریانی آمده «تو مرا در یک جسم پوشانیدی»، در حالی که در متن یونانی نوشته شده «تو جسمی برای من فراهم ساختی».

– ما هم اکنون دیده ایم که واژه «اگن» چه اهمیتی (مخصوصاً بر مبنی لوقا ۱:۳۵ و یوحنا ۱:۱۴) در سنت نیایشی سریانی دارد. در بعضی از نوشته های نویسندگان متأخر سریانی (مخصوصاً اسحاق نینوائی) این واژه برای توصیف عمل تبدیل کننده روح القدس در درون یا «مذبح قلب» اهمیت می یابد.

تمام این واژه ها بر اساس بعضی ویژگیهای شاخص که فقط در کتاب مقدس سریانی یافت می شود، قرار دارند. البته واژه های کتاب مقدس بسیار دیگری نیز وجود دارند که به همین شکل مشخصه روحانیت سریانی هستند، اما اینها را می توان هم در یونانی و هم در عبری همان گونه که در کتاب مقدس سریانی هست، یافت.

اطلاعات بیشتر در این باره را می توان از کتاب «سیری در روحانیت سریانی» به دست آورد.

* * *

کلمه «جسم پوشید»، در واقعه تن گرفت. و سپس در تعمید خود در آب اردن لباس جلال را بر آبهای اردن قرار می دهد، آماده برای فرد مسیحیان تا در تعمید خود در آب تعمید آن را بپوشند. تعمید یافته در این دنیا این ردای جلال را بالفعل دارد اما در دنیای آینده این یک واقعیت خواهد شد. به شرطی که آنها ردای جلال را بدون لکه گناه در این حیات فعلی حفظ نمایند. تجسم ردا یا جامه جلال بنابراین تمام نکات مهم را در تاریخ نجات به یکدیگر ارتباط می دهد، و به طرز زنده ای رابطه مابین فرد مسیحی امروزی و این حوادث گذشته را در تاریخ نجات روشن می سازد. مسیحیان اولیه سریانی ظاهراً این ایده که آدم و حوا در بهشت به وسیله ردای جلال پوشیده شده بودند را از یک تفسیر قدیمی یهود در پیدایش ۳:۲۱ گرفته بودند. باوجودی که متون عبری، یونانی و سریانی در این جا از «لباسهایی از پوست» صحبت می کنند که برای آدم و حوا فراهم شده بود ترجمه یهودی آرامی که به نام تارگوم شهرت دارد آنها را به عنوان «البسه افتخار-جلال» تفسیر می کند. به همین شکل در نوشته ای از خاخام معروف، خاخام میر که دارای متنی عبری بوده نوشته شده بود «لباسهایی از نور». برحسب این تفسیر این لباسهای جلال یا نور به آدم و حوا تعلق داشتند «قبل از» سقوط آنها. درحالی که بر طبق ترجمه ساده «لباسهایی از پوست» به آنها داده شد، «بعد از» سقوط آنها (متن عبری را می توان به هر دو صورت تفسیر کرد، تا جائی که به آن برهه از زمان مربوط می شود). مترجمین سریانی پیشیتا، با وجودی که این ایده را وارد پیدایش ۳:۲۱ نکردند، به آن در برخی عبارات دیگر اشاره می کنند. بنابراین در مزمو ۸:۶ در پیشیتا آمده که «تو (خدا) انسان را قدری کمتر از فرشتگان آفریدی، او را در شکوه و جلال خود «ملبس» ساختی (عبری و یونانی هر دو «تاجگذاری» آمده نه «او را ملبس ساختی»).» به همین صورت در مزمو ۱۳۲:۱۶ پیشیتا (اما نه عبری و یونانی) صحبت از «جلال» به

ضمیمه

چندین نمونه ترجمه از کتاب مقدس سریانی

- ۱- عبارت ذیل، یوحنا ۱:۶-۱۲، نشان دهنده رابطه مابین دو نسخه قدیمی سریانی، S(Sinaiticus) و C(Curetonian)، و پیشیتا (P) است. بیشتر اوقات آنها تقریباً مشابه هستند اما به طرف انتهایی، مخصوصاً جاهائی وجود دارند که آنها از یکدیگر متفاوت می باشند.
- در یوحنا ۱:۶ SCP، بعد از این وقایع خداوند ما (عیسی CP) به آن طرف دریاچه (دریا P) جلیل در طبریه رفت، ۲- و جماعت زیادی (گروهی زیاد P) از عقب او رفتند، زیرا آنها نشانه هائی که او بر (روی P) مریضان انجام می داد می دیدند. ۳- و خداوند ما (عیسی CP) به بالای کوه رفت و در آنجا با شاگردانش نشست بود.
- ۴- S و عید نان بدون خمیر مایه یهودیان نزدیک بود.
- ۴- C و فصیح نزدیک بود، عید یهودیان.
- ۴- P اینک نزدیک بود عید گذر یهودیان،
- ۵- SCP و خداوند ما (عیسی CP) چشمان خود را بلند کرد و جماعتی عظیم را دید (C گروه بسیار) که به نزد او آمده بودند. و (S حذف کرده) او به فیلیپ گفت، از کجا باید نان برای این مردم بخریم تا بخورند (C تا این که این مردم بتوانند بخورند؛ P برای اینها تا بخورند)؟ ۶- اینک او گوئی آنها را امتحان می کند پرسید (P اینک او چنین گفت: او را امتحان می کرد)، زیرا او خودش می دانست که چه خواهد کرد. فیلیپ به او گفت: دو بیست دینار نان برای آنها کافی نیست، باوجودی که آنها خیلی کم می خورند (P باوجودی که هر کس بسیار کم برمی دارد).
- ۸- یکی از شاگردان او که نامش آندریاس بود (CP آندریاس نام او

بود)، برادر شمعون صخره، به او گفت:

۹- S پسری در این جا پنج نان جو و دو ماهی دارد

۹- C پسری در این جا هست که پنج نان جو و دو ماهی دارد

۹- P در این جا پسری وجود دارد که پنج نان جو و دو ماهی با خود دارد.

S اما برای همه اینها آنها چه خواهند کرد؟

CP اما اینها برای همه اینها چه خواهند کرد؟

۱۰- S او به آنها گفت، بگذار همه بنشینند. اینک زیاد بودند

۱۰- C عیسی گفت، برو و مردم را در گروههائی بنشان. اینک زیاد بودند

۱۰- P عیسی به آنها گفت، همه اینها را بنشان. اینک زیاد بودند

S علف در آن مکان بود. او به آنها گفت، بروید، مردم را روی آنها بنشانید

C علف در آن مکان بود و انسانها نشستند، تعداد آنها پنج هزار نفر بود.

P علف در آن مکان بود و انسانها نشستند، به تعداد پنج هزار نفر.

۱۱- S و هنگامی که آنها را مجبور به نشستن کردند آنگاه عیسی آن پنج را برداشت

۱۱- C و عیسی آنها را برداشت

۱۱- P و عیسی برداشت

S (تکه هائی از) نان و دو ماهی، و او به آسمان برافراشت (چشم) C (تکه هائی از) نان،

P نان،

S و برکت داده بین شاگردانش تقسیم کرد []

C و برکت داده به آنهائی که نشسته بودند داد، و همین طور هم

S []

C با ماهی، آن قدر که آنها می خواستند.

ایشان. لکن روی خداوند (هم‌چنین) بر بدکاران است. ۱۳- اگر برای نیکوئی غیور هستید کیست که به شما ضرری برساند. ۱۴- و اگر شما برای خاطر عدالت زحمت کشیده‌اید، متبارک هستید و از آنهایی که سعی دارند شما را بترسانند ترسان و مضطرب نباشید. ۱۵- بلکه به جای آن در قلبهای خود خداوند مسیح را تقدیس کنید و پیوسته آماده باشید تا به هر که درباره امید ایمان شما بپرسد پاسخ دهید. ۱۶- (با چنین عملی) در فروتنی و ترس، با داشتن وجدانی نیکو، تا آنهایی که بر ضد شما صحبت می‌کنند، گوئی که بر ضد افراد شریر، شرمسار گردند، همانند افرادی که لعن می‌کنند بر شیوه زیبای زندگی شما در مسیح. ۱۷- زیرا برای شما سودمند است که در حالی که کارهای نیکو می‌کنید متحمل شرارتها نیز بشوید، زیرا اگر اراده خدا این است (که چنین چیزی اتفاق بیفتد) بهتر است از زمانی که شریر بودید. ۱۸- زیرا مسیح برای آوردن ما به نزد خدا یکبار برای گناهان ما مرد، یعنی مردی عادل برای گناهکاران مرد. او به حسب جسم مرد و در روح زنده گشت. ۱۹- و به ارواحی که در هاویه اسیر بودند موعظه نمود. ۲۰- به آنهایی که سابقاً نافرمان‌بردار بودند در زمان نوح، هنگامی که شکیبایی خدا دستور داد که کشتی بنا شود، با امید به توبه آنها- اما فقط هشت نفر داخل آن شدند و از آنها نجات یافتند. ۲۱- تو نیز به همین طریق (تحت اللفظی، نوع) زنده هستی (یا نجات یافته‌ای) در تعمید- نه با شستن کثافات جسم، بلکه با قبول کردن خدا با وجدانی پاک، و رستخیز عیسی مسیح که به آسمان بلند کرده شد، جایی که او اینک در دست راست خدا نشسته است و فرشتگان و قدرتها و قوات مطیع او شده‌اند. توسعه آیه ۲۰ مخصوصاً جالب است، زیرا مترجم آشکارا متوجه سنت یهود بوده (که توسط ابرم و آفراها گرفته شده بود) که خدا زمانی طولانی برای ساختن کشتی اختصاص داد تا هر کس فرصت توبه داشته باشد.

* * *

P از ماهی، آن قدر که آنها می‌خواستند.

۱۲- SCP و وقتی که آنها راضی شدند. او به شاگردان خود گفت که

خرده‌ها را جمع‌آوری کنند (P مبادا چیزی، C + همه) از بین برود

۱۳- S و آنها پاره‌هایی که از آنها باقی مانده بود جمع‌آوری کردند

۱۳- C و آنها جمع‌آوری کردند

۱۳- P و آنها جمع‌آوری کردند

S و آنها دوازده سبد را با آنچه که از آن پنج تا باقی مانده بود پر

کردند

C و آنها دوازده سبد با خرده‌های آن پنج نان پر کردند

P و آنها دوازده سبد با تکه‌پاره‌ها که باقی مانده بود پر کردند.

S قرصه‌هایی از نان جو و آن دو ماهی. اینک مردانی که از این نان

خوردند پنج هزار نفر بودند.

C (تکه‌هایی) از نان جو، که باقی مانده بود توسط آنهایی که خوردند

P توسط آنهایی که از آن پنج (تکه‌های) نان خوردند

۲- اول پطرس ۳: ۹-۲۱

پشیتا در رسالات پولس، یعقوب و پطرس اغلب ترجمه‌ای تفسیری ارائه می‌کند. اگر کسی ترجمه‌های ذیل از پشیتا را با یکی از ترجمه‌های استاندارد انگلیسی از یونانی مقایسه کند، اختلاف جزئی خواهد یافت.

«اول پطرس ۳: ۹»، زیرا به این دلیل خوانده شده‌اید که بتوانید وارث

برکت شوید. ۱۰- بنابراین، هر که حیات را می‌طلبد (یا: نجات) و آرزوی

ایام نیکو دارد می‌باید مواظب زبان خود از شرارت باشد، و نگذارد لبهای

او فریبی را ادا کند. ۱۱- بگذار تا از شرارت بگذرد و آنچه را که نیکو

است انجام دهد. بگذار تا سلامتی را جستجو کند، و به دنبال آن برود.

۱۲- زیرا که چشمان خداوند بر عادلان است و گوشهای او به سوی نیایش